



فصلنامه فرهنگی، هنری و ادبی

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

شماره ۸ - تابستان ۱۴۰۴

نوج



کودک شهید همدان زمینرو آینه زمینر



کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان
استان مازندران

در این شماره می‌خوانید:

- یادبود هفته دفاع مقدس و شهدای کانونی
- صفحات ویژه همدلی با کودکان غزه
- پژوهش اعضا و مربیان کانون
- مطالب بخش فرهنگی اعضا و مربیان
- آثار و تولیدات ادبی اعضا و مربیان
- آثار و تولیدات هنری اعضا و نقد و بررسی هنری
- اخبار برگزیده کانون

و ...





رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای «حفظه الله»

جوانان و نوجوانان عزیز من! همه‌ی شما می‌توانید در کشورتان نقش پیدا کنید. یک روز نقش، نقش «حسین فهمیده» بود؛ یک روز نقش‌های دیگر است. در زمینه‌ی مسائل دینی، مسائل فرهنگی، مسائل سیاسی، مسائل اخلاقی، آینده‌نگری، امیدبخشی، نشاط دادن به محیط پیرامون خود و تعب و تقید و پایبندی به شریعت اسلامی، که سرمایه‌ی سربلندی فرد و جامعه است، می‌توان مجاهدت کرد. البته در آن‌ها، دادن جان مطرح نیست؛ اما همت و اراده و تصمیم لازم دارد. همه می‌توانید در مدارس، در دانشگاه‌ها، در محیط‌های کار و غیره، نقش ایفا کنید. جوان زنده و بانشاط و پرامید و پاکدامن، می‌تواند یک تاریخ را بیمه کند. به همین جهت است که روی جوانان کشورهای دنیا، صهیونیست‌ها و استعمارگران و کمپانی‌داران عالم، سال‌ها کار و تلاش کردند تا شاید بتوانند نسل‌های جوان را فاسد کنند؛ اراده و امید را از آن‌ها بگیرند؛ آینده را در چشم آن‌ها تیره و تار کنند؛ آن‌ها را به آینده مأیوس نمایند و دچار مشکلات عصبی و اخلاقی کنند. آنچه در دنیا می‌بینید، تصادفی نیست.

۸ آبان ۱۳۷۷

فرازی از خطبه‌های نماز جمعه

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل نامه فرهنگ، هنری و ادبی نوج

صاحب امتیاز: اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

مدیر مسئول: دکتر حامد فاضلی کبریا

مدیر داخلی: فرشته شه میرزادی

سر دبیر: محمد جواد کشوری

زیر نظر شورای سردبیری: رضا عابدی- سهیلا بابایی- نعیمة خنکدار- مژده پاک

سرشت ربابه هاشمی - فاطمه احسانی

همکاران این شماره:

ربابه هاشمی- فاطمه احسانی- سکینه فرمانی- مریم فلاحي نرملی- سعید عشوریان-

فتانه برنده- فائزه رسکتی- رقیه رحمان پور- سیده نرگس حسینی- آرزو قناعت- لیلا

غلامی- محمد بنیامین چمنی- مریم پاشا خیری- اسرا صیادی- روشا کنگانی- نیکی

یوسفزاده- طهورا میاری- محیا السادات آصفی- فاطمه طالشی- محمد حسام باباگلی-

سیده ترنم حسینی- فاطمه کاظمی- مه سیمما محمدی- نازنین زهرا یونسی- نگار

حمیدیان- مزدک کیا- امیر حسین رضایی- پارسینا رعیت پناه- سبحان رهبر- طهورا

یوسفی- محمدرضا ذاکر- هلیا عزیزی- شروین خطیبزاده- بیتا میری

عکس: حامد افروزیان

صفحه آرایی و گرافیک: رضا عابدی و با تشکر از واحد اداری و مالی و حراست کانون

مازندران نشانی: مازندران، ساری، خیابان رودکی- جنب پارک کوشا سنگ- اداره

کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

آدرس ایمیل: mazandaran@kpf.ir

پایگاه اطلاع رسانی:

<https://www.kanoonnews.ir/service/province/mazandaran>

شماره تماس: ۳۳۶۰۸۵۶۵ - ۳۳۶۰۸۵۶۶



فهرست

۹	یادبود هفته دفاع مقدس و شهدای کانونی
۱۱	کوچه پس کوچه های بی پناهی
۱۳	آثار شعرا اعضا
۱۶	آیا انرژی هسته ای می تواند به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده استفاده شود؟
۲۷	چگونه توانستیم وضعیت روان خوانی اعضای کودک مرکز شماره یک چالوس را با روش بازی بهبود ببخشم
۴۲	چگونه توانستیم انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی را در اعضای نونگاه دختر مرکز فرهنگی هنری ادبی کتالم افزایش دهیم؟
۵۷	در دل سایه ها قصه ها جان می گیرند
۵۹	چرا بچه ها شنیدن قصه های تکراری را دوست دارند؟
۶۰	بررسی تطبیقی داستان
۶۳	آرامش
۶۵	با چشمان بسته
۶۹	من امیدم
۷۰	شعر
۷۱	آثار هنری و تجلیل اثر
۷۸	اخبار برگزیده





جناب آقای دکتر پزشکیان، رییس جمهور محترم

ما ایرانیان قدرت خود را در جهان گسترده‌ایم؛ نه با تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای و کشتار صدها هزار انسان در قرن بیستم و نسل‌کشی و تحمیل گرسنگی به کودکان غزه در قرن بیست و یکم؛ و حتی نه در امپراطوری‌های تاریخی ایران، بلکه با فرهنگ هم‌نوع دوستی و پیام همدلی جهان‌گشایانی همچون مولوی و حافظ و سعدی که ۸۰۰ سال پیش فرمود:

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به‌درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

جنایتکارانی که با کشتن کودکان قلدری می‌کنند، شایسته نام انسان نیستند و بی‌گمان شرکای مطمئنی نیز خواهند بود. ایران با تکیه بر سنت دیرین نوع دوستی، شریکی پایدار و همراهی مطمئن برای همه کشورهای صلح‌طلب است؛ دوستی و شراکتی که نه بر مصلحت‌جویی گذرا، بلکه بر پایه عزت، اعتماد و آینده‌ای مشترک استوار است.

ما راست‌قامتان ایران زمین، با ایستادگی در برابر یاغیان بی‌قانون، بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و استانداردهای دوگانه را با سربلندی پشت‌سر گذاشته‌ایم و خواهیم گذاشت و امروز با نگاهی فرصت‌محور، این دستاورد تاریخی مردم ایران را به سکویی برای جهش به آینده‌ای پرامید تبدیل کرده‌ایم.



جناب آقای دکتر علیرضا کاظمی، وزیر محترم آموزش و پرورش

در این برهه‌ی سخت از تاریخ، شهادت، افتخار بزرگی است که نصیب بندگان خاص کشور شده است. ما به این شهادت‌ها افتخار می‌کنیم و خون شهیدان هیچ‌گاه پایمال نخواهد شد. بی شک کار شهدا با کار خوب و جهادی ادامه خواهد یافت.

با وجود همه‌ی این دغدغه‌ها کار و فعالیت تعطیل نشد و هیچ چیز مانع از استمرار و پیشرفت کارها در نظام تعلیم و تربیت نشده است. بر همین اساس ستاد هماهنگی و مدیریت شرایط جنگی در آموزش و پرورش تشکیل، ۱۴ کمیته ایجاد و سناریوهای احتمالی برای شرایط ویژه تدوین شده است.

براساس آخرین آمار به روزرسانی شده ۳۰ دانش آموز در این ایام شهید شدند. ۲۱ تن از دانش آموزان از شهر تهران بودند و در این میان یک دانش آموز هم مصدوم شد. همچنین هفت همکار فرهنگی در این جنگ ۱۲ روزه به مقام رفیع شهادت نایل آمدند.

نشست اعضای شورای معاونان و کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، تیر ۱۴۰۴



جناب آقای دکتر حامد علامتی، مدیر عامل محترم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

رژیم صهیونیستی حتی به کودکان شیرخوار رحم نکرد. دو عضو کانون، از جمله آیما و هیدا زینلی، در این جنگ به شهادت رسیدند که سندی بر جنایت استکبار و افتخاری برای کانون است. در جنگ تحمیلی نیز ۲۶۰ شهید از کانون داشتیم و امروز نیز چهار شهید داریم. ما خود را در کنار خانواده‌های شهدا می‌دانیم و تلاش می‌کنیم با حضور این خانواده‌ها در جمع کودکان و نوجوانان، الگوهای ایثار و شهادت را ترویج دهیم. شما شاعران با قلم خود پیام ایثار و شهادت را منتقل می‌کنید. شعر و ادبیات شما اولین نشانه‌های فرهنگی یک ملت است. از شما می‌خواهیم این مفاهیم را در آثار خود برجسته کنید. کانون آماده حمایت از آثار شماست. قلم شما با نور شهدا مانا خواهد بود.

ویژه‌برنامه‌ی گرامی‌داشت یاد کودکان شهید با عنوان «عصر شعر و خاطره»، مرداد ۱۴۰۴



سخن مدیرمسئول

محضر همه‌ی شما مخاطبان فرهیخته و گرامی فصل‌نامه‌ی نوج عرض سلام، ادب و احترام دارم. به لطف پروردگار متعال نشریه‌ی نوج به هشتمین شماره‌ی خود در تابستان ۱۴۰۴ رسید. از تلاش و همت همکاران پرتلاش و اعضای عزیز کانون جهت مشارکت فعال در تولید محتوای این نشریه صمیمانه قدردانی می‌کنم.

در روزهای پایانی بهار و آغازین تابستان شاهد تجاوز آشکار و وحشیانه‌ی رژیم صهیونیستی به خاک ایران اسلامی بودیم. رشادتها و شهادتها به انسجام بی‌سابقه‌ی ملی انجامید. رژیم اشغالگر پس از شکست در رسیدن به اهداف خود در این جنگ تحمیلی، رنج و سختی بسیاری را بر مردم غزه و به ویژه کودکان مظلوم تحمیل و بر خلاف تمام موازین اخلاقی و حقوقی از گرسنگی به عنوان سلاحی برای نسل‌کشی استفاده کرد. همکاران ما در کانون استان با درک به موقع و حساسیت در این موضوع تلاش نمودند از خوی وحشی‌گری این رژیم سفاک پرده بردارند و در حوزه‌ی فرهنگی به وظیفه‌ی خود در این زمینه عمل کنند. گوشه‌ای از این فعالیت‌ها را در صفحاتی ویژه در این شماره ملاحظه خواهید فرمود. همچنین صفحه‌ای را به مناسبت هفته‌ی دفاع مقدس به گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهدای کانونی جنگ‌های تحمیلی هشت ساله و دوازده روزه اختصاص داده‌ایم. ضمن این که شاهد مقالات، جستارها، تحلیل‌ها، آثار فرهنگی، هنری و ادبی و اخبار برگزیده‌ی بخش روابط عمومی نیز هستیم که برآیندی از فعالیت‌های کانون پرورش فکری استان مازندران در چند ماه اخیر است.

در پایان شما عزیزان را به مشارکت در ارسال آثار در بخش‌های گوناگون، برای درج در شماره‌های آتی نشریه نوج، دعوت می‌کنم. چنانچه مسلماً بدون همراهی شما این امر میسر نخواهد بود.

پیشاپیش از مهر شما به جهت تورو و خواندن سطور این مجموعه قدردانی کرده و امید دارم هشتمین شماره‌ی نوج بتواند گامی هرچند کوچک در بالندگی و اعتلای دانش و آگاهی مخاطبان بردارد.

حامد فاضلی کبریا

مدیرمسئول فصل‌نامه فرهنگی، هنری و ادبی نوج



کودک شهید آیما زینلی



کودک شهید هیدا زینلی



شهدای کانون پرورش فکری مازندران



شهید رمضان طالبان



شهید احمد کوزه گر



شهید محمد مصطفی پور



شهید احمد مقیم پور



شهید احمد مقیم پور



شهید علی اسماعیلی پور نیازی



شهید یوسف علی بابایی



شهید بهروز مهدیزاده



شهید کمال نیک جویان



به مناسبت هفته دفاع مقدس از قصه تا سنگر، از سنگر تا قصه

در آستانه‌ی ورق‌زدن صفحه‌ای که نام کودکی را در خود دارد، غروری مقدس می‌نشانیم؛ غروری که از کارگاه‌های قصه‌گویی برمی‌خیزد و به آسمان تاریخ پیوند می‌خورد و خود قصه‌ای می‌شود بی‌همتا. کانون، باغ امنی و رنگ‌ها و مأمین بازی‌ها و رؤیاهاست؛ همان‌جا که دست‌های کوچک مداد را به‌دست گرفته و جهانی نو ساختند. اما گاهی درخت امید ناگهان به شاخه‌های تندباد برمی‌خورد؛ شاخه‌هایی که به خون خاک پیوند خوردند و نام کودکان را به ستاره تبدیل کردند.

آن نوجوانانی که روزی کنار میز کارگاه کاردستی شعر آسمان را زمزمه می‌کردند، وقتی صدای خانه، مدرسه و کانون از از خطر لرزید، لباسی از شجاعت بر تن کردند از سر عشق به خانه‌ی کوچکشان و به دفاع برخاستند؛ از هشت سال مقاومت تا روزهای آتشین جنگ دوازده‌روزه، راه آنان یکی بود؛ پاسداری از کودکی که هنوز به سن عضویت در کانون نرسیده بود.

پیوندی بسازیم میان دو زمان؛ میان کسانی که در جبهه‌های جنوب و غرب، میان دود و آتش ایستادند، و آنان که در لحظه‌های کوتاه بمباران و تاریکی، با قلب کودکان‌شان آسمانی را روشن کردند. این پیوند نه فقط از جنس جغرافیا، که از جنس دل است؛ دل‌هایی که در برابر ترس، دست در دست هم نهادند، و کتاب و بازی را به امکانی برای آیندگان بدل ساختند.

شهیدان کانون، برگ‌های یک درخت واحدند؛ درختی که ریشه‌اش در مهر مربی و صفای مرکز است و تنه‌اش از ایمان پاک نوجوانان ساخته شده. هر برگ که بر زمین افتاد، نه تنها یک جان که یک داستان از معصومیت و ایشار را به ما سپرد. آنان با همان سادگی کودکانه که قصه می‌گفتند، دنیا را به بخشش جان حیرت‌زده کردند؛ و ما اینک وظیفه داریم قصه‌ی آن‌ها را به واژه‌ای تبدیل کنیم که خوانده شود.

در این صفحه‌ی یادبود، نام‌ها را چون نغمه‌ای می‌خوانیم، آن‌گونه که درس امید و پایداری دهد؛ پیوند میان هشت سال و دوازده روز، پیوند امید یک نسل با نور نسلی دیگر. باشد که برگ‌های دفتر کانون، همچنان به یادشان سایه‌بان رؤیاهای کودکان فردا باشد، و نام شهیدان، چون چراغی همیشه برافروخته، راه را برای قلب‌های کوچک اما پر تلاش روشن نگه دارد.



کوچه پس کوچه های بی پناهی

نویسنده: مریم پاشا خیری، ۱۵ ساله
مرکز فرهنگی هنری ادبی نوشهر

جای پدر و خانواده اش را لو داد، کنار سربازان اسرائیلی ایستاده بود و با نگاهی تأسفبار به منظره ی روبه رویش نگاه می کرد. انگار که به یک فیلم سینمایی با پایان تلخ نگاه می کند. با صدای جیغ مادرش به سمتش برگشت که...

صدای راحیل را می شنید که صدایش می زد: «داداش، داداش داد نزن، من می ترسم».

آرام چشمانش را باز کرد که صورت خاکی و ترسیده ی خواهرش را مقابل صورتش دید. نفسی راحت کشید. خواب دیده بود! خواب واقعیته که از رخ دادنش مدت زیادی نمی گذشت. به مادرش فکر می کرد که ناگهان با وزش بادی به خود لرزید. آرام خواهر کوچکش را در آغوش کشید و به آسمان تاریک که ستاره هایی ریز و درشت در آن می درخشیدند نگاه کرد. دوباره فکر پدر و مادرش ذهنش را تسخیر کرد. افسوس! افسوس که پدرش اعتماد کرد. آن هم به چه کسی؟ به عمویی که هرگز دل خوشی از آنان نداشت. هرگز در ذهن کوچکش نمی گنجید که روزی برادر به برادرش از پشت خنجر بزند؛ اما، امان از گرگ هایی که جامه ی گوسفند به تن داشتند...

ذهن کوچک و ساده اش بیش از این، چنین افکارهایی را در خود جای نمی داد. بعد از دقایقی چشمانش آرام روی هم افتادند و در خواب فرو رفت؛ اما این بار خوابی که چیزی جز سیاهی و بی خبری نبود. راهی را که روز قبل آمده بودند، دوباره برگشتند. یحیی می دانست آن سربازهای اسرائیلی مفتخور، حالا خانه شان را برای خود کرده اند و به این زودی از جایشان تکان نمی خورند. نگاهی به خواهر خسته اش کرد. لباس های خاکی و پاره پوره که بعد از فرار دیروز، به این وضع افتاده بودند به تن داشت. راحیل از خستگی چشمانش روی هم

پسرک دست خواهرش را در دست داشت و نفس زنان، همان طور که مرتب به پشت سرش نگاه می کرد، می دوید. خواهر کوچک و ناتوانش هر لحظه از او عقب می ماند. پسرک دست خواهرش را کشید و بر سرعتش افزود.

همان طور که می دویدند، راحیل ناگهان ایستاد. پسر لب باز کرد و گفت: «چی شده؟» راحیل مکثی کرد و آرام پاسخ داد: «پام! پام درد می کنه، داداش یحیی».

پسر که یحیی نام داشت، با شنیدن صدای پاهایی که به آن ها نزدیک می شدند، گفت: «الان وقتش نیست راحیل، بدو. باید بدویی؛ باید مامان رو پیدا کنیم.» یحیی بعد از این حرف دوباره دست خواهر بی نوایش را کشید و شروع به دویدن کرد. خودش هم خسته شده بود؛ خودش هم پاهایش به خاطر دویدن بر پستی و بلندی هایی که خرابه های خانه ها ایجاد کرده بودند، به درد آمده بود. دوباره به پشت سرش نگاه کرد. این بار ظاهراً آن سربازهای لعنتی گمشان کرده بودند. آسوده خاطر نفسی عمیق کشید و خواهرش را به پشت یکی از مخروبه ها هدایت کرد. خسته، کنار راحیل که از گرسنگی و سرما به خودش می پیچید نشست.

راحیل با مظلومیت به سمت یحیی برگشت و گفت: «من گشمه.»

یحیی اما بی هیچ حرفی بسته ای نان خرمایی را از جیبش درآورد. نان را تکه کرد و قسمت بزرگ تر آن را به سمت خواهرش گرفت. پسر اتفاقاتی آشنا مقابل چشمانش می دید. سرش را مرتب به این طرف و آن طرف تکان می داد و زیر لب «ته» ای زمزمه می کرد. جلوی چشمانش، تیری قفسه ی سینه ی پدرش را شکافت و به قلبش نفوذ کرد. صدای جیغ مادرش و گریه های خواهر کوچکش، گوش هایش را می آزد. عمویش... همان عموی نامردش که جای

در رفتند. چیزی نمانده بود که از آن وضع خلاص شوند. با سرعت به حیاط دویدند که صدای جیغ راحیل را شنیدند. سرشان به سمت پارکینگ که فاصله‌ی زیادی با آن‌ها داشت چرخید. سربازی راحیل را گرفته بود و با فندکی که زیر چانه‌ی راحیل نگه داشته بود، آن‌ها را تهدید می‌کرد که به داخل خانه برگردند. یحیی با ترس نگاهی به مادرش انداخت. راحیل که چانه‌اش سوخته بود با درد جیغ می‌زد؛ اما صدای سربازان داخل خانه به قدری بلند بود که جیغ‌های آرام راحیل به‌زور به گوش می‌رسید. راحیل ناگهان به دست سربازی که گرفتارش شده بود کوبید که فندک از دست سرباز روی مواد منفجره‌ای که درون جعبه‌ای کوچک، پشت سرشان کنار مهمات قرار داشت افتاد و...

یحیی با ناباوری به روبه‌رویش می‌نگریست. از صدای انفجار، سربازهای داخل خانه بیرون آمده بودند که مادرش تازه به خودش آمد و با به آغوش گرفتن یحیی، همان‌طور که اشک می‌ریخت، به سمتی نامعلوم دوید. یحیی اما به بطری آب درون دستانش خیره بود!



می‌رفت، اما می‌ترسید چیزی بگوید و برادرش دلخور شود و سرش فریاد بکشد. او با آن دل کوچکش درک نمی‌کرد که اتفاقی که برایشان افتاده تا چه حد مهم است. فقط خیال می‌کرد آن سربازان اسرائیلی و پدرش سر خانه‌شان با هم دعوا می‌کنند. مانند خودش و برادرش که گاهی بر سر اسباب‌بازی هایشان جنگ و دعوا می‌کردند.

تقریباً نزدیک ظهر بود که به خانه‌شان... نه، خانه‌ی قبلی‌شان رسیدند. دل در دل یحیی نبود و می‌خواست هرچه زودتر مادرش را ببیند؛ اما باید از میان سربازها رد می‌شد. چند ماشین در حیاط خانه شان پارک کرده بودند و مشخص بود داخل خانه پر از سرباز بود.

سریع پشت یکی از ماشین‌ها مخفی شدند که یحیی رو گرداند سمت راحیل و گفت: «راحیل، آبجی من باید برم داخل خونه. مطمئن باش با مامان برمی‌گردم. ولی تو باید همین‌جا بمونی تا من و مامان بیایم، خب؟»

راحیل ذوقی کودکانه کرد و در حالی که چشمانش از خوشی برق می‌زدند گفت: «مامان؟ آخ جون. ولی؛ ولی داداش من خیلی خیلی گنده تشنه!»

یحیی یواش پاسخ خواهرش را داد: «باشه، پس بمون تا من برگردم. با مامان و یه بطری آب.»

راحیل از خوشحالی، خنده‌ی آرامی کرد و به برادرش که به سمت در خانه می‌رفت چشم دوخت. یحیی دری که خوب چفت نشده بود را آرام و بی‌صدا باز کرد. صدای بلند خنده‌ها و حرف‌های سربازان از سمت اتاق پذیرایی خانه می‌آمد. از طرفی دیگر، صدای شیر آب و به‌هم خوردن بشقاب‌ها از آشپزخانه به گوش می‌رسید. بی‌صدا راهروی کوتاه خانه را طی کرد و به آشپزخانه رسید. آرام سرکی کشید. خدایا، چه می‌دید؟ مادرش بود! مادرش پشت به او مشغول شستن ظرف‌های کثیفی که مطمئن بود سربازها به‌جا گذاشته بودند شده بود. به داخل آشپزخانه رفت و آرام مادرش را صدا زد. مادرش با چشمان متعجب به سمتش چرخید. یحیی با سرعت دست مادرش را کشید و برای مادرش تعریف کرد که راحیل در انتظار آن‌ها در حیاط مانده است. با سرعت بطری آبی از روی میز برداشت، قولش به راحیل را فراموش نکرده بود. بعد از برداشتن بطری، به سمت مادرش چرخید و دستش را کشید. آرام و بدون جلب توجه به سمت

شعر: من گشنه ام

اسرا صیادی، ۱۲ ساله از مرکز فرهنگی هنری ادبی کتالم
مربی: مرضیه آقا جان کردی



«یک روز وقتی از دل ابر

می ریخت باران دانه دانه»

می گشتم آنجا زیر باران خانه ها را

دنبال لقمه نانی تا شوم سیر

یا قطره آبی توی رودخانه

وقتی صدای بمب آمد بی اجازه

من زیر میزی از نور خوابیدم

خوابیدم و خوابیدم و خوابیدم

حالا....

نه گشنه ام نه تشنه، این خوب است

یک خوابِ خوبِ سیر

لبریز از نور و چراغ و سبزه و آبی که می نوشم.

*عبارت آغازین داخل گیومه سروده خانم مریم اسلامی

شعر: رویای آزادی

روشا کنعانی، ۱۳ ساله از مرکز فرهنگی هنری ادبی نشتارود
مربی: مرضیه آقا جان کردی



زمانی که ما در آرامشیم

شما به جست و جوی سرپناهی به نام آزادی هستید

آزادی برای شما رویایی است که این روزها

بال گشوده و رفته است

و برای ما حقیقتی که هر روز،

بی درنگ،

زندگی‌اش می‌کنیم.

شب‌ها که ما خوابیم

تو با پای زخمی

خسته و تشنه

به دنبال رودی می‌گردد تا سیراب کند.

روزها که ما بیداریم.

با ترس چشم‌هایت را می‌بندی

گوش‌هایت را

با دست‌های خاکی و کوچک می‌گیری

مبادا

صدای مرگ خواب و خیال کودکی‌ات را برهم زند

زمانی که ما می‌خندیم

مادران داغ‌دیده‌تان

با چشمان اشک‌بار

به دنبال دل‌های کوچک شما زیر آوارند

شعر: پرواز

نیکی یوسف زاده، ۱۲ ساله از مرکز فرهنگی هنری ادبی کتالم
مربی: مرضیه آقا جان کردی

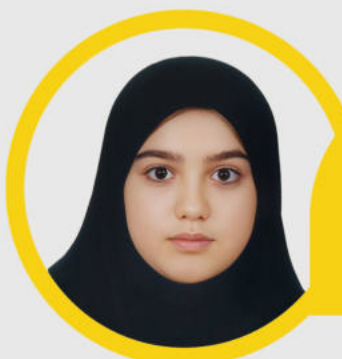


«یک روز وقتی از دل ابر
می ریخت باران دانه دانه»
همراه باران ریخت بر بام
صدها گلوله دانه دانه
آن روز مادر پر کشید و
فردا که شد
بابا به سوی آسمان رفت
حالا فقط من ماندم و داداش
در شهری سرشار از پرواز کبوترها.

*عبارت آغازین داخل گیومه سروده خانم مریم اسلامی



طهورا میاری، ۱۶ ساله از مرکز فرهنگی هنری ادبی تنکابن
مربی راهنما : بیتا مرغوب



آیا انرژی هسته ای می تواند به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده استفاده شود؟

تشکر و قدردانی:

با تشکر از مربی ام خانم مرغوب که در طول پژوهش دلسوزانه راهنما و همراهم بودند و به من یاد دادند که چگونه پژوهش کنم و جواب سوالاتم را بطور علمی پیدا کنم.

چکیده:

چالش های جهانی همچون تغییرات اقلیمی و افزایش جمعیت، نیاز به منابع انرژی پایدار و کارآمد را دوچندان کرده است. در این راستا، انرژی هسته ای به عنوان یکی از گزینه های موثر برای تأمین نیازهای انرژی آینده مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر به بررسی قابلیت ها و چالش های انرژی هسته ای به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده پرداخته است. در این تحقیق، به تجزیه و تحلیل مزایای قابل توجه انرژی هسته ای همچون کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، افزایش امنیت انرژی و بهینه سازی مصرف منابع طبیعی پرداخته می شود.

علاوه بر این، معایب و چالش های مرتبط با انرژی هسته ای، شامل مدیریت پسماندهای هسته ای و نگرانی های ایمنی، به دقت بررسی می شوند. با توجه به پیشرفت های تکنولوژیک و افزایش کارایی نیروگاه های هسته ای، این پژوهش به ارائه راهکارهای بهینه سازی در استفاده از انرژی هسته ای و تأثیر آن بر سایر منابع انرژی می پردازد. همچنین، با تحلیل تجارب موفق کشورهای مختلف در زمینه بهره برداری از انرژی هسته ای، نتایج تحقیق نشان می دهد که با اجرای سیاست های مناسب و مدیریت مؤثر، انرژی هسته ای می تواند به عنوان یک منبع قابل اعتماد و پایدار در راستای برآورده کردن نیازهای انرژی جهانی ایفای نقش کند. هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا انرژی هسته ای می تواند به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده به کار گرفته شود و چگونه می توان از آن برای مقابله با چالش های انرژی و تغییرات اقلیمی بهره برداری کرد.

بیان مسئله:

در شرایط کنونی، جهان با چالش های پیچیده ای مانند تغییرات اقلیمی، افزایش جمعیت و تقاضای فزاینده برای انرژی روبرو است. این مسائل ضرورت تأمین انرژی پایدار و قابل اعتماد را به یک دغدغه اساسی تبدیل کرده است. در این راستا، انرژی های فسیلی به عنوان یکی از منابع اصلی تأمین انرژی، به دلیل آثار مخرب زیستمحیطی و محدودیت های موجود در دسترسی به آنها، مورد انتقاد قرار گرفته اند. به همین دلیل، بررسی منابع انرژی جایگزین، به ویژه انرژی هسته ای، اهمیت ویژه ای یافته است.

انرژی هسته ای به عنوان یکی از گزینه های بالقوه برای تأمین نیازهای انرژی آینده، مزایای قابل توجهی از جمله کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و تأمین انرژی پایدار دارد. با این حال، چالش هایی نظیر مدیریت پسماندهای هسته ای، نگرانی های ایمنی و هزینه های بالای ساخت و نگهداری نیروگاه های هسته ای نیز به طور جدی مطرح است.

علیرغم پیشرفت های تکنولوژیک و تلاش های بسیار در زمینه بهبود ایمنی و کارایی نیروگاه های هسته ای، ابهامات و چالش های مربوط به این نوع انرژی همچنان وجود دارد. بنابراین، نیاز به تحقیق و بررسی جامع در زمینه انرژی هسته ای به منظور شناسایی راهکارهای بهینه سازی استفاده از آن و تأثیر آن بر تنوع منابع انرژی ضروری است.



ادبیات تحقیق:

- چرا باید از انرژی هسته ای استفاده کنیم؟
- کاهش انتشار گازهای گلخانه ای
- تأمین پایدار انرژی
- بهرموری بالا
- کاهش وابستگی به منابع فسیلی
- پیشرفت های تکنولوژیک
- پتانسیل استقلال انرژی
- تأثیر مثبت بر توسعه اقتصادی
- کاهش فشار بر منابع طبیعی

انرژی هسته ای چیست؟

انرژی هسته ای به انرژی ای اطلاق می شود که از تجزیه یا همجوشی هسته های اتمی آزاد می شود. این انرژی می تواند به روش های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد که شامل تولید برق و کاربردهای پزشکی و صنعتی است. بر اساس نوع واکنش های هسته ای، انرژی هسته ای به دو دسته اصلی تقسیم می شود:

۱. همجوشی هسته ای

در این فرایند، دو یا چند هسته اتمی با هم ترکیب می شوند و یک هسته سنگین تر را تشکیل می دهند. این واکنش عموماً در خورشید و ستاره های دیگر رخ می دهد و مقادیر بسیار زیادی انرژی تولید می کند. به عنوان مثال، واکنش همجوشی بین ایزوتوپ های هیدروژن (دوتریوم و تریتیوم) می تواند انرژی زیادی تولید کند.

۲. تجزیه هسته ای

در این فرایند، یک هسته سنگین تر (مانند اورانیوم-۲۳۵ یا پلوتونیوم-۲۳۹) به هسته های کوچکتر تقسیم می شود و انرژی آزاد می شود. این نوع واکنش در رآکتورهای هسته ای برای تولید برق و در سلاح های هسته ای برای ایجاد انفجار به کار می رود.

معایب و مزایای انرژی هسته ای چیست؟

استفاده از انرژی هسته ای مزایا و معایب خاص خود را دارد. در زیر به تفکیک این مزایا و معایب اشاره می شود:

مزایای انرژی هسته ای:

در نتیجه، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا انرژی هسته ای می تواند به عنوان یک منبع کلیدی و پایدار در تأمین انرژی های آینده ایفای نقش کند و چه راهکارهایی می تواند به مدیریت بهینه این منبع انرژی کمک کند.

اهداف پژوهش:

هدف کلی: آیا انرژی هسته ای می تواند به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده استفاده شود؟
اهداف جزئی:

۱- تحلیل مزایای انرژی هسته ای: بررسی و تحلیل مزایای کلیدی انرژی هسته ای به عنوان منبع تأمین انرژی، شامل کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، افزایش امنیت انرژی و قابلیت تأمین انرژی پایدار در مقیاس وسیع.

۲- بررسی چالش ها و خطرات: پژوهش به شناسایی چالش های مربوط به امنیت، مدیریت پسماندهای هسته ای، و خطرات احتمالی ناشی از حوادث هسته ای می پردازد.

۳- ارزیابی نقش انرژی هسته ای در آینده: ارزیابی نقش انرژی هسته ای در سناریوهای مختلف آینده تأمین انرژی، به ویژه در مواجهه با چالش های مرتبط با تغییرات اقلیمی و افزایش جمعیت، و تحلیل پتانسیل آن برای جایگزینی منابع فسیلی.

۴- تجزیه و تحلیل اقتصادی: بررسی هزینه های ساخت و نگهداری تأسیسات هسته ای و مقایسه آن با سایر منابع انرژی نظیر تجدیدپذیرها و سوخت های فسیلی.

سوالات یا فرضیه های پژوهش

۱- انرژی هسته ای چه مزایایی نسبت به انرژی های تجدیدپذیر و فسیلی دارد؟

۲- آیا تولید انرژی هسته ای باعث آلودگی هوا می شود؟

۳- آیا انرژی هسته ای می تواند به عنوان یک منبع پایدار و موثر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای شناخته شود؟

۴- چالش های اصلی در مدیریت پسماندهای هسته ای چیست؟

۵- تکنولوژی های نوین در صنعت انرژی هسته ای چه پیشرفت هایی داشته اند؟

آلودگی‌ها و پسماند ایجاد شده ی صنایع هسته ای چقدر خطرناک است؟

آلودگی‌ها و پسماندهای ایجاد شده از صنایع هسته ای می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی خطرناک باشند و شامل مسائل زیر هستند:

۱. پسماندهای هسته‌ای
پسماندهای هسته‌ای به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

- پسماندهای با فعالیت بالا: شامل سوخت مصرف شده از راکتورها است که دارای سطح بالایی از تابش و رادیواکتیویته است و نیاز به مدیریت و ذخیره‌سازی خاص دارد.

- پسماندهای با فعالیت متوسط و پایین: شامل تجهیزات، لباس‌ها، و مواد دیگر که در فرآیندهای هسته‌ای استفاده می‌شوند و به‌زودی رادیواکتیویته آنها کاهش می‌یابد.

- ۲. خطرات رادیواکتیویته
• خطرات بهداشتی: قرار گرفتن در معرض مواد رادیواکتیو می‌تواند منجر به بیمارهای جدی مانند سرطان، مشکلات تولید مثل و سایر اختلالات جسمی شود.

- خطرات زیست‌محیطی: رادیواکتیو بودن پسماندها می‌تواند به آلودگی خاک، آب و هوا منجر شود و تأثیرات منفی بر حیات وحش و اکوسیستم‌ها داشته باشد.

- ۴. آلودگی‌های ثانویه
فرآیندهای صنعتی و ساخت و ساز مرتبط با صنایع هسته‌ای می‌توانند منجر به آلودگی‌های اضافی شوند، مانند آلودگی آب‌های زیرزمینی و هوای اطراف.

- ۵. حوادث هسته‌ای
حوادث هسته‌ای (مانند تصادف در راکتورها) می‌توانند عواقب جدی و بلندی برای انسان‌ها و محیط زیست داشته باشند، که نمونه‌های تاریخی مانند چرنوبیل و فوکوشیما نشان‌دهنده این خطرات هستند.

آلودگی‌ها و پسماندهای ناشی از صنایع هسته‌ای می‌توانند بسیار خطرناک باشند، نیاز به مدیریت و نظارت دقیق دارند تا تأثیرات منفی آنها بر سلامت انسان و محیط زیست کاهش یابد. توسعه فناوری‌ها و روش‌های بهبود یافته برای مدیریت ایمن این پسماندها امری ضروری است.

این روش یکی از منابع اصلی تولید برق در بسیاری از کشورهاست.

۲. پزشکی
- ایزوتوپ‌های رادیواکتیو: در تشخیص و درمان بیماری‌ها (به‌ویژه سرطان) استفاده می‌شوند. برای مثال، ید-۱۳۱ برای درمان مشکلات تیروئیدی و کبالت-۶۰ برای رادیوتراپی به کار می‌رود.

- تصویربرداری پزشکی: تکنیک‌های تصویربرداری مانند پت (PET) و سی‌تی‌اسکن (CT) از ایزوتوپ‌های هسته‌ای برای ارائه تصاویر دقیق از بافت‌ها و ارگان‌های بدن استفاده می‌کنند.

۳. تحقیقات علمی
انرژی هسته‌ای در تحقیقات بنیادی و علوم مواد به کار می‌رود. امکاناتی مانند شتاب‌دهنده‌های ذرات و مراکز تحقیقاتی هسته‌ای به پژوهشگران کمک می‌کند تا رفتار مواد در سطوح مختلف را بررسی کنند.

۴. صنعت
- رادیوگرافی صنعتی: از ایزوتوپ‌های رادیواکتیو برای بازرسی لوله‌ها و سازه‌های فلزی استفاده می‌شود تا وجود ترک‌ها و نقص‌ها را شناسایی کنند.

- تولید انرژی در فضا: برخی مأموریت‌های فضایی از راکتورهای هسته‌ای برای تأمین انرژی استفاده می‌کنند، مانند کاوشگرهای مریخ.

۵. تهیه آب سنگین و سوخت هسته‌ای
در فرآیندهای مربوط به تهیه سوخت هسته‌ای، از انرژی هسته‌ای برای تولید آب سنگین (در برخی راکتورها) و ایزوتوپ‌های لازم برای سوخت هسته‌ای استفاده می‌شود.

۶. کشاورزی
از ایزوتوپ‌های رادیواکتیو برای بهبود کیفیت بذرها، افزایش مقاومت گیاهان به آفات و بیماری‌ها و بهبود فرآیندهای کشاورزی استفاده می‌شود.

۷. تولید گرما برای صنایع بزرگ
در برخی از صنایع، انرژی هسته‌ای به منظور تأمین گرما برای فرایندهای تولیدی مانند ذوب فلزات استفاده می‌شود.

این کاربردها نشان‌دهنده توانایی‌ها و مزایای انرژی هسته‌ای در زمینه‌های مختلف هستند. با این حال، نیاز به مدیریت ایمن و مسئولانه برای بهره‌برداری از این منبع انرژی وجود دارد.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات :

اینترنت ، مقالات علمی و کتب درسی

شرح پژوهش:

با توجه به افزایش نیاز به انرژی در سطح جهانی و دغدغه‌های محیط‌زیستی ناشی از سوخت‌های فسیلی، سوالی که برای من مطرح شد این بود که آیا انرژی هسته‌ای می‌تواند به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده استفاده شود؟ بنابراین تصمیم گرفتم تحقیقاتی در این زمینه انجام دهم تا به درک بهتری از امکانات و چالش‌های انرژی هسته‌ای دست یابم.

قبل از هر چیزی، لازم بود مشکلات و نگرانی‌های موجود درباره انرژی هسته‌ای را شناسایی کنم. به همین منظور، با چند متخصص در این حوزه و همچنین دوستان و همکارانم صحبت کردم و متوجه شدم که بسیاری از آن‌ها دیدگاه‌های متفاوتی درباره انرژی هسته‌ای دارند. اکثر آن‌ها از خطرات احتمالی و حوادث ناشی از انرژی هسته‌ای می‌ترسند و ناآگاهی از مزایای آن و توانمندی‌هایش در کاهش آلودگی‌های محیط‌زیستی را دلیل اصلی بی‌اعتمادی خود می‌دانند.

این نگرانی‌ها مرا به چالش کشید؛ چرا که می‌دانستم اگر این مساله به خوبی بررسی نشود، ممکن است فرصت‌های مهمی برای آینده انرژی هسته‌ای از دست برود. بنابراین تصمیم گرفتم تحقیقاتی درباره پتانسیل‌های انرژی هسته‌ای انجام دهم و مزایا و معایب آن را به دقت بررسی کنم. در این راستا، به دنبال منابع معتبری بودم که اطلاعات جامع و دقیقی درباره فناوری‌های نوین و پیشرفت‌های صورت گرفته در این حوزه ارائه دهند.

پس از مطالعه و جست و جو در اینترنت، متوجه شدم که انرژی هسته‌ای می‌تواند به عنوان یک منبع پایدار و قابل اطمینان انرژی در کنار سایر منابع تجدیدپذیر، نظیر انرژی خورشیدی و بادی، مطرح شود.

نتیجه‌گیری من از این پژوهش نشان داد که با وجود چالش‌های موجود، انرژی هسته‌ای می‌تواند نقش مهمی در تامین انرژی آینده ایفا کند، به خصوص اگر به‌طور صحیح مدیریت و کنترل شود. این تجربیات به من کمک کرد تا بتوانم درک بهتری از فناوری‌های آینده انرژی داشته باشم.

تجزیه و تحلیل

با شروع پژوهش درباره این سوال که آیا انرژی هسته‌ای می‌تواند به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده استفاده شود، هرچه بیشتر پیش می‌رفتم، درک بهتری از پتانسیل‌ها و چالش‌های موجود در این حوزه پیدا می‌کردم. ابتدا احساس ناامیدی می‌کردم، زیرا اطلاعات ضد و نقیضی درباره مزایا و خطرات انرژی هسته‌ای وجود داشت. اما به مرور زمان و با مطالعه دقیق مقالات توانستم دیدگاه‌های مختلف را بررسی کنم و از این تحلیل‌ها لذت ببرم. این فرآیند پژوهش برای من به یک ماجراجویی تبدیل شد و احساس می‌کردم در حال یافتن راه‌حل‌هایی برای مسأله‌ای بزرگ هستم.

یکی از روش‌های مؤثر که در این مسیر به من کمک کرد، تکنیک سیستماتیک یادگیری بود. با برنامه‌ریزی روزانه برای مطالعه و جستجوی اطلاعات، توانستم به تدریج به درک عمیق‌تری از موضوع دست یابم. روزهای اول، موضوع به نظر پیچیده می‌آمد، اما هرچه بیشتر مطالعه کردم و داده‌ها را تجزیه و تحلیل کردم، توانستم لذت بیشتری از کشف یافته‌های جدید ببرم. این لذت ناشی از حل مسائل و سوالات پیچیده باعث انگیزه و اشتیاق بیشتری به ادامه کار می‌شد.

همچنین، استفاده از منابع آنلاین و دوره‌های آموزشی از طریق پلتفرم‌های مختلف به من کمک کرد تا قسمت‌هایی را که ممکن بود از دست داده باشم، به خوبی یاد بگیرم. این منابع به من این امکان را دادند که با مقالات و فیلم‌های آموزشی جدیدتر آشنا شوم و افق دید خود را گسترش دهم.

به‌طور کلی، این پژوهش به من نشان داد که انرژی هسته‌ای با وجود چالش‌های قابل توجه، دارای پتانسیل بسیار بالایی است که می‌تواند در کنار دیگر منابع انرژی تجدیدپذیر، به عنوان یک منبع پایدار در آینده مورد استفاده قرار گیرد. با استفاده از روش‌های مختلف یادگیری و تحقیق، توانستم به یک درک جامع و متوازن درباره این موضوع دست یابم و در نهایت به این نتیجه برسم که با مدیریت مناسب و فناوری‌های نوین، آینده انرژی هسته‌ای بسیار روشن به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی دقیق و عمیق موضوع انرژی هسته‌ای و پتانسیل آن به عنوان منبع اصلی انرژی در آینده،

مرتبط با این موضوع، به جای اجتناب از آن‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز درک و آگاهی بیشتری باشد. وقتی در مسیر پژوهش با پیچیدگی‌ها و داده‌های متضاد روبه‌رو شدم، تصمیم گرفتم که به جای ناامیدی، به جستجو و تحلیل ادامه دهم. این رویکرد نه تنها به من فهم بهتری از انرژی هسته‌ای بخشید، بلکه فرآیند یادگیری را برایم به تجربه‌ای جذاب و هیجان‌انگیز تبدیل کرد.

در طول انجام این پژوهش، با استفاده از منابع معتبر، توانستم پیچیدگی‌های موجود در این حوزه را بهتر درک کنم. اگرچه در ابتدا برخی از مفاهیم به نظر دشوار می‌رسیدند، اما با تداوم در مطالعه و تحلیل، لذت بیشتری از کشف نکات جدید و راه‌حل‌هایی برای مشکلات موجود کسب کردم. به ویژه، شرکت در سمینارها و کارگاه‌ها به من این امکان را داد که دیدگاه‌های مختلفی را با دقت بیشتری بررسی کنم و به تعادل رسیدن در درک مزایا و معایب انرژی هسته‌ای کمک کرد.

بنابراین، در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه انرژی هسته‌ای چالش‌های خاص خود را دارد، اما با مدیریت صحیح و پیشرفت‌های فناوری، می‌تواند به عنوان یک منبع پایدار و کارآمد در تأمین انرژی آینده ما مورد استفاده قرار گیرد. این تجربه پژوهشی به من یادآوری کرد که مواجه شدن با مسائل و تلاش برای حل آن‌ها از طریق تحقیق و یادگیری، نه تنها باعث افزایش آگاهی و توانمندی ما می‌شود، بلکه می‌تواند به بسیار غنی‌تر کردن زندگی‌ام و آینده‌ای روشن‌تر بینجامد.

منابع:

۱. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)
وبسایت: [www.iaea.org] (https://www.iaea.org)
 ۲. انجمن هسته‌ای آمریکا (ANS)
وبسایت: [www.ans.org] (https://www.ans.org)
 ۳. سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی ایران (SUNA)
وبسایت: [www.suna.org.ir] (http://www.suna.org.ir)
 ۴. اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده (EIA)
وبسایت: [www.eia.gov] (https://www.eia.gov)
 ۵. سازمان توسعه انرژی هسته‌ای ایران (AEOI)
وبسایت: [www.aei.org.ir] (http://www.aei.org.ir)
- مقالات علمی

۱. The Future of Nuclear Energy in a Carbon-Constrained World
نویسندگان: Judith A. Lean و دیگران
مجله: Energy Policy
۲. "Nuclear Power: A New Framework for a Sustainable Future"
نویسنده: A. A. S. Ali
مجله: Sustainability
۳. "The Role of Nuclear Power in Global Energy Futures"
نویسندگان: Per Peterson و دیگران
مجله: Nature Energy
۴. "Assessment of the Current Status of Nuclear Energy in the World"
نویسنده: Friedrich von Hochschild
مجله: Nuclear Engineering and Design



محیا السادات آصفی از مرکز فرهنگی هنری نور
مربی راهنما: هدی کریم



قهرمانان یک ملت

تشکر و قدردانی:

با تشکر از مربی راهنمایم، خانم کریم، که همیشه و در همه حال دلسوزانه همراهی‌ام کردند؛ و مادر و پدر عزیزم که در انجام کارهای مربوط به این پژوهش همکاری و همدلی کردند.

چکیده:

تاریخ سرگذشت انسان هاست؛ برخی از وقایع و افرادی که در طول تاریخ بشر وجود داشتند و زندگی همه‌ی انسان‌ها را در کل کره‌ی زمین تحت تأثیر قرار دادند. مانند بسیاری از دانشمندان که اکتشافات و اختراعات آن‌ها در زندگی بشر مؤثر بوده است. اما در تاریخ هر کشور و هر ملتی افرادی وجود دارند که به جهت کارهایی که برای مردم کشورشان انجام داده‌اند، با مرگ و یا شهادت، نه تنها از یاد نرفته‌اند بلکه برای همیشه در یادها ماندگار شده‌اند و به عنوان یک الگو از آن‌ها یاد می‌شود. این امر در مورد بزرگان دینی هر مذهب نیز صدق می‌کند. بنابراین برای من جالب شد تا راز ماندگاری و قهرمانی این افراد را در طول سال‌های متمادی در ذهن و یادها کشف کنم و شخصیتشان را بیشتر بشناسم و واکاوی کنم. از میان تمام قهرمانان ملی و مذهبی کشور عزیزم ایران چند تن و حتی از شخصیت‌های تأثیر گذار دنیا را انتخاب کرده‌ام. نتیجه‌ی تحقیقاتم؛ بعد از مطالعه‌ی زندگینامه‌ی آن‌ها و مصاحبه و گفتگو با افراد مختلف و بررسی ابعاد مختلف شخصیتشان دریافتم ویژگی‌های مشترکی در آن‌ها چون:

- * علاقه و عشق ورزیدن به سایر انسان‌ها
- * از خودگذشتگی و فداکاری
- * اعتماد و ایمان به خدا
- * رشد کردن در تمام ابعاد شخصیتی
- * شجاعت
- * رقم زدن افتخار برای کشورشان
- وجود دارد.

مقدمه:

شناخت تاریخ یک کشور و آدم‌ها و افرادی که مستقیم و غیرمستقیم در به وجود آمدن وقایع تاریخی یک کشور و سرنوشت یک ملت مؤثر بوده‌اند برای تمام مردم آن کشور امری واجب است. چرا که تاریخ درس عبرتی است از اتفاق‌های خوشایند و ناخوشایندی که در طول سال‌های متمادی بر مردم یک کشور گذشته است و می‌تواند برای آیندگان یک کشور راه‌گشا و مؤثر باشند. حتی خواندن تاریخ کشورها و ملل دیگر هم می‌تواند بسیار مفید باشد. با مطالعه تاریخ تمام دنیا نام افراد و اشخاصی را می‌بینیم که در به وجود آمدن یک اتفاق مهم مؤثر بوده‌اند. گاهی این اتفاق‌ها خوشایند و دلچسب بوده و گاه ناخوشایند. در هر دو صورت هردوی این افراد در تاریخ نامشان ثبت و در یادها ماندگار شده است؛ با این تفاوت که افراد مفید و مؤثر در تاریخ یک ملت به عنوان یک قهرمان و الگو همراه با محبوبیت از آن‌ها یاد می‌شود؛ و این در حالی است که از افرادی که در حق انسان‌ها بدی روا داشته‌اند به عنوان شخصی که درس عبرت و نزد همگان منفور است یاد می‌کنند.

بیان مسئله:

همه‌چیز از کارگاه پژوهش شروع شد. روزی که مربی‌ام خانم کریم از ما خواست سؤالاتی را، که ذهن ما را به خود مشغول کرده است، در برگه‌ای بنویسیم. مشغول نوشتن بودم که چشمم به پوستر یکی که عکس شهید قاسم سلیمانی روی آن بود افتاد؛ من علاقه خاصی به شخصیت شهید قاسم سلیمانی داشتم و همان عکس در گوشه پوستر جرقه ای شد که یکی از سؤالاتم این باشد: «چگونه برخی از افراد قهرمان یک ملت می‌شوند و برای همیشه در ذهن و یاد مردم کشورشان حک می‌شوند و از آن‌ها به نیکی یاد می‌شود؟»

اهداف پژوهش:

هدف کلی: چگونه یک شخص می‌تواند قهرمان یک ملت باشد؟

اهداف جزئی:

۱- آشنایی با قهرمانان ملی و مذهبی

۲- آشنایی با الگوی زندگی قهرمانان ملی و مذهبی

سؤالات یا فرضیه‌های پژوهش:

۱- آیا قهرمانان یک ملت انسان‌های معمولی بودند؟

۲- آیا خانواده‌های آن‌ها در قهرمان شدن آن‌ها مؤثر بودند؟

۳- آیا قهرمانان در تمام دنیا ویژگی‌های مشترکی دارند؟

۴- آیا دین و مذهب آن‌ها در قهرمان شدنشان مؤثر بوده است؟

ادبیات تحقیق:

ریشه‌ی واژه‌ی «قهرمان» «کهرمان» است. راست این است که قهرمان گونه‌ی عربی شده (مَعْرَب) واژه‌ی «کهرمان» است. کهرمان یا قهرمان پیوندی از «کهر» یا «کار» + «مَن» یا «مان» است. پس قهرمان یا همان کهرمان به معنی «مرد کار» است. منظور از مرد آدمی است. انسانی که کارکن و کارآمد است.

تاریخ به معنای صریح آن تعریف وقت و یا تعیین وقت می‌باشد؛ اما تاریخ در معنای اصطلاحی آن در معنای وقایع و حوادث گذشته می‌باشد و علم تاریخ علمی است که وظیفه‌ی آن گزارش از وقایع و حوادثی است که در گذشته رخ داده است.

امام علی (ع)

علی بن ابی طالب، ۲۳ پیش از هجرت، سال ۴۰ هجری قمری امام اول تمامی شاخه‌های مذهب شیعه، خلیفه چهارم از خلفای راشدین اهل سنت و نیز پسرعمو و داماد حضرت محمد (ص) بود. او فرزند ابوطالب و فاطمه بنت اسد، همسر فاطمه زهرا (س) و پدر حسن (ع)، حسین (ع)، محمد حنفیه، زینب و ام کلثوم است. وی از سال ۳۵ تا ۴۰ هجری قمری، کم‌تر از پنج سال به‌عنوان خلیفه بر خلافت اسلامی، حکومت کرد. او در میان طیف وسیعی از مسلمانان از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است.

علی‌رغم تأثیر اختلاف‌های مذهبی در تاریخ‌نگاری مسلمانان، منابع توافق دارند که حضرت علی (ع) شخصیتی عمیقاً مذهبی و سرسپرده به اسلام و حکومت عادلانه مطابق با قرآن و سنت بود. وی

وقتی سؤال را در کارگاه پژوهش برای مربی و بقیه‌ی بچه‌ها خواندم مربی‌ام بسیار از موضوع من استقبال کرد و گفت متأسفانه کودکان و نوجوانان ما بسیار اندک قهرمانان ملی و مذهبی تاریخ کشورمان را می‌شناسند. خودم هم در میان همکلاسی‌ها و همسالان خودم می‌دیدم که بسیاری از بچه اصلاً قهرمانان ملی و مذهبی ما را یا نمی‌شناسند یا اگر هم می‌شناسند از آن‌ها به عنوان قهرمان یاد نمی‌کنند و نمی‌خواهند آن‌ها الگویی برایشان در زندگی باشند.

بنابراین من تصمیم گرفتم موضوع تحقیق را با عنوان «قهرمانان یک ملت» در همین راستا انتخاب و انجام دهم.

اهمیت مسئله:

اهمیت و دلیل انتخابم برای موضوعی که انتخاب کردم این است که دوست دارم انسان‌های قهرمان و ویژگی‌های آن‌ها را بشناسم تا با شناخت این خصوصیات قهرمانان گمنام اطرافم را کشف کنم. دوست دارم این خصوصیات را بشناسم و در خودم تقویت کنم تا بتوانم به انسان بهتری در زندگی شخصی خودم و دنیای اطرافم تبدیل شوم. دوست دارم بدانم من چقدر با این انسان‌های قهرمان فاصله دارم و آیا می‌توانم روزی من هم کار مهمی انجام دهم تا قهرمان شوم؟ و این که آیا هرکسی کاری را برای مردم کشورش انجام دهد قهرمان می‌شود؟ یا علاوه بر اخلاق و ویژگی‌های خاص شخصیتی کاری که انجام می‌شود هم باید شرایط و شکل خاصی داشته باشد؟ من دوست دارم با شناخت ویژگی‌های یک قهرمان از نگاه ملت قهرمانان گمنام اطراف خودم را بشناسم و از آن‌ها به عنوان الگو در زندگی شخصی‌ام استفاده کنم، این ویژگی‌های قابل ستایش انسانی را در خودم ایجاد و یا تقویت کنم. و مهمترین دلیل و ضرورتی که برای انجام این تحقیق داشتم شناساندن بیشتر این قهرمانان به اطرافیانم به ویژه دوستان و همسالان خودم است تا بدانند که یک انسان می‌تواند در این دنیا محدود به جسم نباشد و با مرگ از بین نرود و یاد و خاطره و نامش تا سال‌های سال بعد مرگش در یادها باقی بماند.

دریافت جایزه‌ی نوبل در دو زمینه‌ی علمی متفاوت شد. او همچنین نخستین زنی بود که اجازه یافت در دانشگاه پاریس تدریس کند.

کوری به دلیل سال‌ها پژوهش در زمینه‌ی مواد پرتوزا و قرارگیری طولانی مدت در برابر این مواد، به ویژه در دوران کار در بیمارستان‌های صحرایی جنگ جهانی اول به کم‌خونی آپلاستیک مبتلا شد و سرانجام در سال ۱۹۳۴، در سن ۶۶ سالگی در بیمارستانی در فرانسه درگذشت.

مرتضی مطهری

مرتضی مطهری فریمانی (۱۳ بهمن ۱۲۹۸ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸) روحانی شیعه، استاد فلسفه و کلام اسلامی و تفسیر قرآن، عضو هیئت مؤتلفه اسلامی و از نظریه‌پردازان نظام جمهوری اسلامی ایران بود. وی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران بود و پس از انقلاب به ریاست شورای انقلاب منصوب شد. مطهری از شاگردان امام خمینی بود. وی در شامگاه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ در خیابان پارک امین الدوله، هدف گلوله‌ی یکی از افراد گروه فرقان قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان طرفه کشته شد. امام خمینی علاقه‌ی زیادی به وی داشت، تا آن جا که پس از مرگش گفت: «فرزند عزیزی را که پاره‌ی تنم و حاصل عمرم بود، از دست دادم.» از وی با عنوان «معلم شهید» یاد شده است.

شیوه جمع آوری اطلاعات:

مطالعه از کتاب، سایت‌های اینترنتی و مصاحبه.

شرح پژوهش:

واقعاً انتخاب بین قهرمان‌های ملی و مذهبی برایم سخت بود. چون تعدادشان بسیار زیاد است. این موضوع هم کار را برای من سخت می‌کرد. اما بسیار خوشحال بودم که در کشوری زندگی می‌کنم که قهرمانان و الگوهای زیادی دارد. برای این که نتیجه‌ی پژوهشم دقیق‌تر و علمی‌تر باشد سعی کردم از میان تمام قهرمانان ملی و مذهبی و همچنین غیر ایرانی از هر دو جنس زن و مرد انتخاب کنم. در رشته‌ها و شاخه‌های مختلف (ورزشی، مذهبی، ملی و علمی) تا تحقیق دقیق‌تر و جامع‌تری انجام داده باشم. از میان تمامی قهرمانان اول از همه شهید قاسم سلیمانی را انتخاب کردم کسی که با دیدن عکسش بر روی یک پوستر روی میزم جرقه سؤال زده شد. به نظر من او یک قهرمان بود. بعد از انتخاب اولین قهرمان تصمیم گرفتم با پرسیدن سؤال و مصاحبه با

نوشته شده، می‌روند و زائر شهید مفقودالاثر «ابراهیم هادی» می‌شوند. شهیدی که برای بچه‌های جنوب شرق تهران و کسانی که اهل دل هستند، خیلی عزیز است. البته این شهید برای جوان‌هایی که کتاب «سلام بر ابراهیم» را خواندند، حال و هوای دیگری دارد.

غلامرضا تختی

غلامرضا تختی، (۵ شهریور ۱۳۰۹ - ۱۷ دی ۱۳۴۶)، که با عنوان جهان‌پهلوان تختی نیز شناخته می‌شود، ورزشکار رشته کشتی آزاد و همچنین فعال سیاسی اهل ایران بود. او در کشتی پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای نیز فعالیت داشت و صاحب بازوبند پهلوانی ایران در سه سال پیایی بود. تختی همچنین از چهره‌های محبوب و مشهور فرهنگ عامه ایرانیان است و در فرهنگ ورزشی ایران، بسیاری وی را نماد «پهلوان» و «جوانمردی» می‌دانند. پس از رخداد زمین‌لرزه‌ی بوئین‌زهر که ۱۲ هزار کشته و هزاران مجروح در پی داشت، فعالیت‌های او و تنی چند از پهلوانان برای امداد رسانی و کمک به زلزله‌زدگان؛ موجی از شور و وحدت ملی را در ایران برانگیخت و کمک‌های فراوانی برای آسیب‌دیدگان ارسال شد.

حاج قاسم سلیمانی

قاسم سلیمانی (۲۰ اسفند ۱۳۳۵ - ۱۳ دی ۱۳۹۸) نظامی ایرانی بود که از ۱۳۷۶ تا زمان شهادتش در ۱۳۹۸ به‌عنوان دومین فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرد. وی در طی جنگ ایران و عراق فرمانده نیروهای سپاه کرمان و فرماندهان عملیات‌های والفجر هشت، کربلای چهار و پنج بود و چندین بار مجروح شد. سلیمانی پس از جنگ تا سال ۱۳۷۶، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان بود و مسئولیت امنیت بخش‌های شرقی ایران را بر عهده داشت. وی یکی از فرماندهان مبارز در فروپاشی گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه بوده است.

ماری کوری

ماری سالومنا اسکودوفسکا کوری (۷ نوامبر ۱۸۶۷ - ۴ ژوئیه ۱۹۳۴) فیزیک‌دان و شیمی‌دان لهستانی با تابعیت فرانسوی بود. او از پیشگامان پژوهش در زمینه‌ی واپاشی هسته‌ای بود. خانواده‌ی کوری در مجموع پنج جایزه‌ی نوبل دریافت کرد و خود او نخستین زن در جهان است که به جایزه‌ی نوبل دست یافت. ماری کوری تنها زن و اولین کسی است که دو بار جایزه‌ی نوبل گرفت و تنها کسی است موفق به

پوستر شکل گرفت. از نظر من ایشان یک انسان قهرمان و شجاع بود و این علاقه به شخصیت شهید سلیمانی زمانی در من بیشتر شد که کتاب از چیزی نمیترسیدم را از کانون امانت گرفتم و خواندم و ایشان را بیشتر شناختم. سردار سلیمانی نه تنها به برای برقراری کشور عزیزمان ایران مبارزه می کرد بلکه برای برقراری امنیت به برخی کشورهای همسایه مانند عراق و سوریه نیز کمک می نمود و این امر نشان از فداکاری و انسان دوستی ایشان برای سایر انسان ها فارغ از ملیت آن ها را داشت.

شهید مرتضی مطهری

به پیشنهاد مادرم درباره‌ی شهید مطهری تحقیق کردم و سپس از انتخاب ایشان مطمئن شدم چرا که ایشان در اخلاق‌مداری الگویی نمونه و انسانی عالم و فرهیخته بودند. ایشان در زمینه‌ی تحریفات عاشورا نیز کتابی به نام حماسه حسینی نوشته‌اند.

حضرت زینب کبری (س)

به دنبال قهرمانی خانم بودم که مادرم شخصیت حضرت زینب (س) را، برای مطالعه، پیشنهاد داد. ایشان بانویی الگو، نمونه و شجاع بودند، نقش مهمی در زنده نگه داشتن واقعه‌ی عظیم کربلا داشتند و با سخنرانی شجاعانه و فصیحی که در کاخ یزید در شام کردند سبب برملا شدن خیانت و ظلم یزید به امام حسین (ع) و اهل بیت آن حضرت داشتند. یزید ترسید و شهادت و ظلم روا داشته‌شده را گردن ابن زیاد انداخت. این سخنرانی چنان به زنده ماندن واقعه‌ی کربلا کمک کرد که می‌گویند «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود». ایشان به قدری مقاوم و شجاع بودند که در پاسخ به سؤال ابن زیاد که از ایشان پرسید: «کار خدا را با برادر و اهل بیت خود چگونه یافتی؟» حضرت زینب (س) فرمودند: «ما رأیت الا جمیلا (جز زیبایی چیزی ندیدم).»

از دیدگاه من ایشان با این حجم از شجاعت برابر این حجم از مصیبت و تلاش برای زنده نگه داشتن واقعه‌ی کربلا با وجود آن همه ظلم و ستم بنی امیه، یک قهرمان است.

غلامرضا تختی

پهلوان تختی علاوه بر این که افتخارات و قهرمانی‌های بسیاری برای ایران کسب کرده است که سبب شادی و غرور مردم ایران شده انسانی بسیار متواضع و جوانمرد در دنیای ورزش بودند. اگر متوجه می‌شدند حریفش از ناحیه‌ای مصدوم است با او مدارا می‌کرد

اطرافیانم قهرمانان دیگر را از نگاه آنان پیدا و از میان آن‌ها انتخاب کنم. قبل از آن باید می‌دانستم از نگاه مردم قهرمانان چه جور افرادی هستند و از نگاه مردم یک کشور قهرمان کیست؟ بنابراین علاوه بر مطالعه می‌بایست با افراد مختلف مصاحبه می‌کردم.

سعی کردم با افراد متفاوتی گفت‌وگو کنم اولین انتخاب در مصاحبه دوستان نزدیکم بودند. جواب هایی که از آن‌ها دریافت کردم شخصیت‌هایی چون: شهید ابراهیم هادی، امام حسین (ع) و شهید تهرانی مقدم بود و برایم جالب بود که تمام آن‌ها پدر و مادرهای خود را نیز قهرمان می‌دانستند.

مصاحبه را با پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ و دایی‌ام هم انجام دادم و اشخاصی که آن‌ها هم نام بردند شامل: شهدای ۸ سال دفاع مقدس، شهید سلیمانی، حضرت زینب (س)، امام علی (ع)، شهید مطهری و برخی از ورزشکاران چون تختی، حسن یزدانی و علی دایی می‌شدند.

بعد از ارائه‌ی نتایج مصاحبه‌ام به مربی راهنما به پیشنهاد ایشان از میان اسامی اشخاصی که خودم هم علاقه داشتم بیشتر راجع به خودشان و زندگی‌شان بدانم انتخاب کردم. بنابراین قهرمانانی که من انتخاب کردم به شرح زیر می‌باشد:

امام علی (ع)

امام علی (ع) جدای از این که پیشوا و رهبر و امام من هستند اما دلیل من از انتخاب این انسان بزرگوار شخصیت بی‌نظیر و بی‌بدیل ایشان است. ایشان در رعایت عدالت و شجاعت زبانزد بودند.

ایشان هیچ حقی را پایمال نکرده و با مسلمان و غیر مسلمان به عدالت و اعتدال رفتار کرده‌اند. ایشان برای حفظ جامعه اسلامی و جلوگیری از جنگ‌های داخلی مسلمانان ۲۵ سال خانه‌نشین شدند و از حق امامت خود گذشتند. این اوج گذشت و قهرمانی آن حضرت را نشان می‌دهد. و به جرئت می‌توان گفت در تاریخ انسانی جز امیرالمومنین با چنین ویژگی‌هایی وجود نخواهد داشت.

با خواندن زندگی‌نامه‌ی ایشان متوجه بسیاری از فضایل اخلاقی این حضرت شدم. این امام شیعیان در بخشندگی و فداکاری اسوه‌ای نیکو برای تمام انسان‌ها است.

حاج قاسم سلیمانی

همان‌طور که پیش‌تر نوشتم اولین جرقه برای این تحقیق با دیدن تصویر ایشان در گوشه‌ی یک

متعلق به یک کشور و ملت نبود و آثار تلاش‌هایش کمکی به همه‌ی مردم جهان بود، فارغ از دین مشترکش با ما، انتخاب کردم. با توجه به افتخاراتی که ماری کوری، به عنوان تنها زن در جهان برای کسب جایزه‌ی صلح نوبل و کمک به مردم جهان کسب کرده بود، شخصیت وی را انتخاب کردم. ماری کوری انسان فداکاری بود که در راستای پیشرفت علم و کمک به بهبود زندگی و سلامت همه‌ی انسان‌های دنیا جان‌ش را از دست داد؛ چرا که به دنبال راهی بود تا به سربازهایی که در جنگ آسیب می‌بینند کمک کند؛ آن هم با مواد رادیو اکتیو که بسیار خطرناک هستند. او راهی برای دیدن ارگان‌های داخلی یافت تا از آن طریق عفونت‌ها و مشکلات داخلی انسان‌ها شناسایی و درمان شود اما متأسفانه خودش بر اثر کار زیاد با مواد پرتوزا دچار سرطان خون شد و در ۶۷ سالگی درگذشت. امروزه با برخی مواد رادیو اکتیو بسیاری از بیماری‌ها را تشخیص و جان‌های بسیاری را نجات می‌دهند.

تجزیه و تحلیل

در تمام مراحل انجام تحقیق در جمع‌آوری مطالب از کتاب‌ها، اینترنت و مصاحبه با خانواده و اطرافیانم، چیزی که برای من جالب بود این بود که هم استنباط خودم و هم نتیجه‌ی مصاحبه نشان می‌داد اولین ویژگی قهرمان گذشت و فداکاری است. صفت دیگر یک قهرمان شجاعت، انسان‌دوستی و عشقی است که به سایر انسان‌ها، بدون قید و شرط و چشم‌داشت، می‌ورزد. برای همین بود که وقتی از هر کس در مصاحبه‌ام سؤال می‌پرسیدم «از نگاه شما قهرمان کیست؟» نام شهدا از اولین مواردی بود که می‌گفتند. همچنین ائمه نیز در میان آن‌ها بودند. آن‌هایی که به شجاعت، آزادی‌خواهی و عدالت بیشتر شناخته می‌شدند. افراد دیگری که در ذهن و یاد مردم به عنوان قهرمان ماندگار و الگو می‌شدند ورزشکارانی بودند که برای کشور افتخار آفریدند و به نوعی غرور و افتخار ملی بودند. اما تنها ورزشکارانی به عنوان قهرمان در ذهن‌ها باقی مانده‌اند که در عین شهرت در میان مردم محبوبیت دارند و همیشه کنار مردم ایستاده و خود را جدای از مردم و غم و شادی آن‌ها نمی‌دانند.

تا به آن نقطه آسیب بیشتری نزنند. برای همین او را به جوانمردی می‌شناسند.

علاوه بر دنیای ورزش جهان پهلوان تختی همیشه حامی مردم مظلوم و گرفتار کشورش بود و حتی هدایایی را، که در دوره‌ی قهرمانی از رژیم پهلوی به او اهدا می‌شد، قبول نمی‌کرد و اذعان می‌کرد که این حق مردم مظلوم کشور من است و من نمی‌توانم آن‌ها را قبول کنم. او در زلزله بویین زهرا کمک‌های مردمی بسیاری برای مردم زلزله‌زده فرستاد. به نظر من شخصی مانند پهلوان تختی که هم افتخارات ملی و بین‌المللی برای کشورش کسب کرده و هم همراه و یاور مردم مظلوم کشورش بود و سال‌ها پس از مرگش هم مردم او را دوست دارند و از او به نیکی یاد می‌کنند یک قهرمان است.

شهید ابراهیم هادی

از زمانی که کتاب «سلام بر ابراهیم» را خواندم بسیار به شخصیت ایشان علاقه‌مند شدم. زیرا ایشان بسیار از خودگذشته بود و به راحتی روی نفس خود پا می‌گذاشت. در بخش‌هایی از این کتاب خواندم در یکی از مسابقات کشتی زمانی که حریفش به او گفت به خاطر اقوام و مادرش که دارند مسابقه را می‌بینند به او آسان بگیرد شهید هادی با اینکه می‌توانست برنده باشد باخت. این موضوع نشان از جوانمردی ایشان دارد و برای من بسیار ارزشمند و تأثیرگذار بود.

مصطفی چمران

شهید مصطفی چمران یکی از شخصیت‌های علمی نابغه بود که در خارج از ایران زندگی و تحصیل می‌کرد اما با شروع جنگی تحمیلی برای دفاع از کشور و مردم میهنش به جبهه‌ها رفت. ایشان انسانی بسیار فداکار بود و با اینکه دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما داشت از همه‌ی این امتیازات گذشت و جان‌ش را فدای کشور و میهنش کرد. شخصی مانند دکتر چمران که می‌توانست در خارج از ایران و بعد از جنگ زندگی راحت و بی‌دغدغه‌ای داشته باشد اما جهت سرکوب کردن گروهک‌های منافقین در غرب کشور در مناطق جنگی حضور پیدا کرد و به شهادت رسید؛ او قهرمان یک ملت است.

ماری کوری

به پیشنهاد مربی‌ام، خانم کریم، یک انسان ماندگار را، در تاریخ دنیا، که ثمرات کارها و فعالیت‌هایش

نتیجه‌گیری

سعی کردم انسان‌های متفاوتی را، اعم از ایرانی، غیر ایرانی و افرادی که در جنبه‌های مختلف علمی، اخلاقی، اجتماعی، ورزشی، سیاسی و... رشد کرده‌اند و ثمرات این رشد و ترقی به مردمان کشورشان هم رسیده، انتخاب کنم. سعی کردم افرادی باشند که عموم مردم از آن‌ها به نیکی و قهرمانی یاد می‌کنند. من با مطالعه‌ی زندگی افراد مختلفی که از آن‌ها به عنوان قهرمانان ملی و مذهبی یاد می‌شد و در جامعه به عنوان الگو بودند متوجه شدم با این که این افراد با جنسیت و نوع زندگی متفاوتی که داشتند اما ویژگی‌های باارزش مشترکی داشتند که آن‌ها را به قهرمان تبدیل کرده است. اولین ویژگی آن‌ها فداکاری و از خود گذشتگی است. آن‌ها جان خود را برای مردم سرزمینشان فدا کردند تا امنیت را به ارمغان بیاورند. من با انجام این پژوهش متوجه شدم قهرمانان زیادی در سرتاسر جهان در هر دوره‌ای از تاریخ وجود داشته‌اند که ما می‌توانیم با الگو گرفتن از خصوصیات خوب و ویژه‌ی آن‌ها خود به قهرمانی برای زندگی خود و مردمان کشورمان تبدیل شویم. جالب‌ترین چیزی که در طول پژوهشم آموختم این بود که قهرمانان لزوماً سرشناس نیستند و حتی می‌توانند گمنام باشند اما مردم از ثمرات رفتار و منش قهرمانی آن‌ها برخوردار باشند، بدون آن که آن‌ها را بشناسند. مانند تمام شهدای هشت سال دفاع مقدس و یا پدرها و مادرهای زحمت‌کش و دلسوزمان.

منابع:

- ۱- آل احمد، میترا و... (دیگران)، دانستنی‌های اسلامی برای نوجوانان، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷
 - ۲- جمعی از نویسندگان، فرهنگ‌نامه‌ی نام‌آوران، تهران، انتشارات طلایی، ۱۳۸۸.
 - ۳- کریمیان منصور، زندگانی حضرت علی (ع)، تهران، انتشارات اشرفی، ۱۳۷۹
- www.wikipedia.org

اقدام پژوهی: سکینه فرمانی
مرکز فرهنگی هنری ادبی شماره یک چالوس

✓ اقدام پژوهی

**چگونه توانستم وضعیت
روان خوانی اعضای کودک
مرکز شماره یک چالوس را
با روش بازی بهبود ببخشم**



تقدیر و تشکر:

با تشکر و سپاس فراوان از حمایت‌های بی‌دریغ سرکار خانم سهیلا بابایی کارشناس محترم آموزش و پژوهش و راهنمایی‌های موثر سرکار خانم هدی کریم رابط محترم اقدام پژوهی استان و دیگر همکاران عزیزی که در تهیه این اقدام پژوهی مشوق اینجانب بودند.

چکیده:

اقدام پژوهی حاضر در بهار و تابستان ۱۴۰۳ و با جامعه آماری ۱۰ نفر عضو کودک بین سنین ۷ تا ۹ سال در کانون پرورش فکری شماره یک چالوس انجام شد.

عنوان مورد نظر در این اقدام پژوهی «چگونه توانستم وضعیت روان خوانی اعضای کودک مرکز شماره یک چالوس را با روش بازی بهبود ببخشم» می‌باشد. این اقدام پژوهی در جهت بهبود روان خوانی اعضای مورد نظر انجام شده است که البته در پی آن اهداف دیگری نیز همچون افزایش اعتماد به نفس، افزایش علاقمندی به مطالعه و فعالیت کتابخوانی، افزایش سرعت خواندن و افزایش دقت، تمرکز و توجه در اعضا را در پی داشت.

در این اقدام پژوهی بعد از گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده وضعیت روان خوانی اعضا، مصاحبه با والدین و معلمان و مربیان، و سنجش و ارزیابی‌های لازم از خود اعضا، به تشخیص مشکلات روان خوانی پرداخته شد و با انتخاب و طراحی‌های بازی‌های هدفمندانه که ارتباط مستقیم با ضعف‌های این اعضا داشتند و برگزاری کارگاه‌های متکی بر بازی، جنبه‌های مختلف موثر یادگیری در این اعضا را تقویت نموده است. بعد از مشاهدات و مصاحبه و ارزیابی مجدد از اعضا این نتیجه به دست آمد که روش بازی‌های هدفمند که در این اقدام پژوهی انتخاب و اجرا شد،

توانست باعث بهبود روان خوانی، افزایش دقت، تمرکز و توجه و افزایش درک مطلب و تقویت آگاهی واجی در بین این اعضا شد. کلید واژه‌ها:

عضو، روان خوانی، بازی‌های هدفمند، درک مطلب، آگاهی واجی

عضو: کودکان و نوجوانانی که جهت بهره برداری از امکانات کانون پرورش فکری به عضویت در می‌آیند عضو تلقی می‌شود.

روان خوانی: روان خواندن یعنی توانایی تشخیص سریع واژه‌ها و خواندن جمله‌ها و متن‌های طولانی‌تر به راحتی که نشان دهنده درک مطلب است.

بازی‌های هدفمند: بازی‌های هدفمند بازی‌هایی هستند که از ظرفیت‌های ارتباطی سرگرم‌کننده برای مقاصد در حوزه‌های آموزش، توان بخشی، مهارت‌افزایی و... اجرا می‌گردند.

درک مطلب: درک مطلب توانایی خواندن متن، پردازش آن و فهم معنایش است. درک مطلب خود وابسته به مهارت‌های دیگر از جمله تشخیص واژگان است. صرف زمان زیاد برای خواندن واژه‌ها می‌تواند در فرایند درک مطلب تداخل ایجاد نماید.

آگاهی واجی: به معنی این است که کودک درک کند زبان گفتاری از واج‌ها تشکیل شده است. نیز به معنی درک و شناخت صدا و ساختار صدایی کلمات می‌باشد. مقدمه:

روان خوانی از جمله توانایی‌های مهم در کودکان است. خواندن یکی از مهمترین و البته ابتدایی‌ترین مهارت‌هایی است که یک فرد با شروع آموزش رسمی آن را فرا می‌گیرد. کسب این مهارت برای دانش آموزان پایه‌های ابتدایی راهی برای یادگیری و فهم سایر علوم در سال‌های بالاتر است.

خواندن از مهمترین مهارت‌های پایه‌ای برای رشد توانایی‌های درونی کودک است. به دلیل همین اهمیت است که محققان بسیاری روی این مقوله تمرکز کرده و در مورد آن تحقیق کرده‌اند. خواندن از جمله وسایل مهم فهمیدن در دنیای کنونی است.

تقدیر و تشکر:

با تشکر و سپاس فراوان از حمایت‌های بی‌دریغ سرکار خانم سهیلا بابایی کارشناس محترم آموزش و پژوهش و راهنمایی‌های موثر سرکار خانم هدی کریم رابط محترم اقدام‌پژوهی استان و دیگر همکاران عزیزی که در تهیه این اقدام‌پژوهی مشوق اینجانب بودند.

چکیده:

اقدام‌پژوهی حاضر در بهار و تابستان ۱۴۰۳ و با جامعه آماری ۱۰ نفر عضو کودک بین سنین ۷ تا ۹ سال در کانون پرورش فکری شماره یک چالوس انجام شد.

عنوان مورد نظر در این اقدام‌پژوهی «چگونه توانستم وضعیت روان‌خوانی اعضای کودک مرکز شماره یک چالوس را با روش بازی بهبود ببخشم» می‌باشد. این اقدام‌پژوهی در جهت بهبود روان‌خوانی اعضای مورد نظر انجام شده است که البته در پی آن اهداف دیگری نیز همچون افزایش اعتماد به نفس، افزایش علاقمندی به مطالعه و فعالیت کتابخوانی، افزایش سرعت خواندن و افزایش دقت، تمرکز و توجه در اعضا را در پی داشت.

در این اقدام‌پژوهی بعد از گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده وضعیت روان‌خوانی اعضا، مصاحبه با والدین و معلمان و مربیان، و سنجش و ارزیابی‌های لازم از خود اعضا، به تشخیص مشکلات روان‌خوانی پرداخته شد و با انتخاب و طراحی‌های بازی‌های هدفمندانه که ارتباط مستقیم با ضعف‌های این اعضا داشتند و برگزاری کارگاه‌های متکی بر بازی، جنبه‌های مختلف موثر یادگیری در این اعضا را تقویت نموده است. بعد از مشاهدات و مصاحبه و ارزیابی مجدد از اعضا این نتیجه به دست آمد که روش بازی‌های هدفمند که در این اقدام‌پژوهی انتخاب و اجرا شد، توانست باعث بهبود روان‌خوانی، افزایش دقت، تمرکز و توجه و افزایش درک مطلب و تقویت آگاهی واجی در بین این اعضا شود.

کلید واژه‌ها:

عضو، روان‌خوانی، بازی‌های هدفمند، درک مطلب، آگاهی واجی

عضو: کودکان و نوجوانانی که جهت بهره‌برداری از امکانات کانون پرورش فکری به عضویت در می‌آیند عضو تلقی می‌شود.

روان‌خوانی: روان خواندن یعنی توانایی تشخیص سریع واژه‌ها و خواندن جمله‌ها و متن‌های طولانی‌تر به راحتی که نشان دهنده درک مطلب است.

بازی‌های هدفمند: بازی‌های هدفمند بازی‌هایی هستند که از ظرفیت‌های ارتباطی سرگرم‌کننده برای مقاصد در حوزه‌های آموزش، توان‌بخشی، مهارت‌افزایی و ... اجرا می‌گردند.

درک مطلب: درک مطلب توانایی خواندن متن، پردازش آن و فهم معنایش است. درک مطلب خود وابسته به مهارت‌های دیگر از جمله تشخیص واژگان است. صرف زمان زیاد برای خواندن واژه‌ها می‌تواند در فرایند درک مطلب تداخل ایجاد نماید.

آگاهی واجی: به معنی این است که کودک درک کند زبان گفتاری از واج‌ها تشکیل شده است. نیز به معنی درک و شناخت صدا و ساختار صدایی کلمات می‌باشد.

فرد می‌تواند نتیجه‌ی تحقیقات و مطالعات دیگران را بخواند و به کار بگیرند. امروز باید کودکان خود خواندن را بیاموزند تا فردا بتوانند بخواند و یاد بگیرند.

کودکی که روان می‌خواند، یک کتاب را برمی‌دارد و برای خودش مطالعه می‌کنند و لذت می‌برد. علاوه بر این، روان خواندن باعث پیشرفت بیشتر در نوشتن، غنی‌تر شدن دایره‌ی واژگان و درک بیشتر مفاهیم می‌شود. پس اهمیت روان خوانی داستان برای کودکان و سایر کتابها را در کودکان باید جدی گرفت.

از این رو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با منبعی غنی از کتابهای کودک و نوجوان و فعالیت‌های متنوع خود که اغلبشان کتاب محور هم هستند، می‌تواند یاری‌گر همه بچه‌ها در امر خواندن باشد.

در این راه مربیان کانون نیز با بهره‌گیری از علم و آگاهی و بهره‌گیری از انواع فعالیت‌ها و کارگاه‌های متنوع و شاد قدم‌های خوبی در این عرصه برمی‌دارند و کودکان در فضایی خارج از چارچوب مدرسه و غیرمستقیم به خواندن هدایت و سوق داده می‌شوند.

بیان ضرورت و اهمیت مساله:

آموزش مهارت خواندن به کودکان و دانش آموزان یکی از دغدغه‌های مهم والدین، معلمان و مربیان است. کودکان و دانش‌آموزان با کسب مهارت خواندن می‌توانند در درک و یادگیری سایر دروس به راحتی عمل کنند.

کانون پرورش فکری نیز که کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان است و پایه‌ی فعالیت‌ها و از اهم اهداف آن کتاب و کتابخوانی است، از این رو، روخوانی کتاب یکی از فعالیت‌های شاخص آن است. اما کودکانی هم هستند که به دلیل ضعف در خواندن از کتاب فراری هستند. کتابها را به امانت نمی‌برند یا از خواندن کتاب در مرکز در حضور بچه‌های دیگر امتناع می‌کنند. در این صورت و یا در بهترین حالت می‌خوانند اما بسیار کند، با مکث زیاد، اشتباهات زیاد و عدم درک مطلب و این یعنی لذت نبردن از خواندن و در نهایت بی‌زار شدن از خواندن.

از طرفی نیز یکی دیگر از فعالیت‌های مورد علاقه بچه‌ها در کانون بازی و سرگرمی می‌باشد. بازی‌های که بیشتر اوقات به صورت گروهی و با در نظر گرفتن اهداف خاصی با بچه‌ها در مراکز کانون انجام می‌شوند.

بنابراین در مواجهه با ضعف روان‌خوانی در بین اعضا بهترین ابزار بازی است. کام تلخ بچه‌های ناتوان در روان خوانی با بازی‌های هدفمند در این زمینه شیرین می‌شود. بنابراین در این اقدام‌پژوهی از بازی‌های آموزشی و هدفمند به عنوان یک ابزار قدرتمند و در عین حال خوشایند در بین بچه‌ها استفاده شد تا بچه‌ها با استقبال بیشتر به حل مشکل خود بپردازند.

اقدام‌پژوهی حاضر بعد از مواجهه با این دسته از اعضا در مرکز، در نتیجه تلاش نگارنده در کسب اطلاعاتی جهت ریشه‌یابی این مشکلات، مطالعه و گذراندن دوره‌های آموزشی با تعدادی از اساتید صاحب نظر در رشته اختلالات خواندن و نوشتن و به کار بردن راه حل‌ها و حصول نتایج مثبت روی اعضا چه با رویکرد بهبود روان‌خوانی و چه با رویکرد پیشگیری از آن انجام شد و با توجه به اهمیت موضوع با عنوان «چگونه توانستم وضعیت روان‌خوانی اعضای کودک مرکز شماره یک چالوس را با روش بازی بهبود ببخشم» نگاشته شد.

توصیف وضعیت موجود:

مرکز فرهنگی هنری شماره یک چالوس یکی از مراکز استان مازندران می‌باشد که نگارنده به عنوان مربی مسئول با سابقه ۲۲ سال کار در مراکز مختلف شهرستان چالوس از سال ۱۳۹۸ در این مرکز مشغول به خدمت برای کودکان و نوجوانان این شهرستان می‌باشد.

این مرکز در سال ۱۳۵۲ تاسیس شده است. مساحت این مرکز ۶۰۰ مترمربع است که به صورت دوبلکس احداث شده است. ورودی شامل سالن مطالعه، دو کارگاه، نمازخانه و آبدارخانه می‌باشد و طبقه بالا شامل: یک کارگاه و یک سالن نمایش با ظرفیت ۱۳۰ نفر می‌باشد.

تعداد نیروهای شاغل در این مرکز دو نفر شامل مربی مسئول و نیروی خدمات است.

با توجه به اینکه یکی از مهمترین اهداف و فعالیتهای کانون فعالیت کتابخوانی است و بیشتر فعالیتهای کتاب محور هستند، در طی سالیانی که با اعضای کانون یا دانش آموزانی که در قالب بازدید از مدرسه در فعالیتهای کانون شرکت می کنند، متوجه می شدم که بچههایی هستند که با وجود گذراندن پایههای اول و دوم و حتی بالاتر در زمان انجام فعالیت کتابخوانی قادر به خواندن روان متون کتاب نبودند، بچههای دیگر مدام اشتباه این بچهها را گوشزد می کردند و گاهی پیچ می کردند و کارگاه از ریتم خود خارج می شد. در نتیجه این بچهها از خواندن طفره می رفتند و اعلام می کردند که «ما نمی خوانیم! نفر بعدی بخواند.» مشاهدهی این وضعیت در بچهها باعث ناراحتی می شد و به این فکر افتادم که چگونه می توانم این مشکل را رفع کنم تا این بچهها هم روان بخوانند و از خواندن در جمع بچههای دیگر لذت ببرند.

نظرات معلمان این بچهها و خانوادههایشان را در زمینهی عدم توانایی در روان خوانی بچهها جویا شدم که مشخص شد که این بچهها، غالبا علاوه بر روان خوانی در دیکته نویسی و ریاضیات نیز مشکلاتی داشتند. از آنجا که در کانون و در کارگاههای روخوانی کتاب این ضعف بسیار مورد توجه بود، برآن شدم تا با مطالعات بیشتر و کسب اطلاعات از افراد آگاه و صاحب نظر و شرکت در دورههای آموزشی اختلال خواندن و نوشتن و البته با بهره گیری از تجربیات قبلی و استفاده از بازیها به عنوان ابزاری قدرتمند، فعالیتیم را در این زمینه آغاز کنم چون می دانستم که بازی فعالیت مورد استقبال بچههاست. لذا از آن در زمینه بهبود اوضاع بچههای مورد نظر و هم در جهت پیشگیری از به وجود آمدن این مشکل برای سایر اعضا و به ویژه برای اعضای زیر ۷ سال بهره ببرم.

اهداف پژوهش:

هدف کلی :

- بهبود روان خوانی اعضا

اهداف جزئی :

- افزایش اعتماد به نفس.

- افزایش علاقمندی به مطالعه و فعالیت کتابخوانی.

- بهبود کیفیت کارگاه کتابخوانی و افزایش سرعت خواندن.

- افزایش دقت، تمرکز و توجه اعضا.

- افزایش رضایتمندی اعضا از کارگاه کتابخوانی.

سوالات اقدام پژوهی:

- چرا اعضای مورد نظر به شرکت در کارگاه کتابخوانی علاقه ندارند؟

- چگونه می توانم با روشهای خلاق و فعالیتهای کانونی روان خوانی اعضا را بهبود بدهم؟

- از چه بازیهایی برای رفع این مشکل می توانم استفاده کنم؟

- چه کمکهایی از والدین می توانم بگیرم؟

- آیا بازیهای موثری برای رفع این مشکل می توانم طراحی کنم؟

- چه دورههایی را باید بگذرانم و چه کتابهایی را باید مطالعه کنم؟

گروه مورد مطالعه:

گروه مورد مطالعه در این اقدام پژوهی ۱۰ نفر از اعضا با مشکل روان خوانی پایه (اول و دوم) ۷ تا ۹ سال مرکز شماره یک چالوس می باشد.

پیشینهی تحقیق:

مبانی نظری:

امروزه اهمیت و ارزش بازی در دوران کودکی به وسیله پژوهشهای گسترده مورد توجه قرار گرفته است. بازی روی رشد جسمی، عاطفی، ذهنی، آموزشی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی تاثیر می گذارد و ارزش تشخیصی و درمانی نیز دارد. (عاشوری، ۹۸)

اینکه از چه زمانی نظر متفکران به اهمیت بازی در رشد کودک جلب شده است، تاریخ مشخصی ندارد، ولی شاید فلاسفه یونان از جمله افلاطون، از اولین کسانی باشند که به ضرورت و نقش بازی در رشد کودک توجه کرده‌اند. در بین مربیان، شاید برجسته‌ترین کسی که به مطالعات منظم در زمینه‌ی بازی و اهمیت آن در تربیت کودک پرداخته است، فروبل باشد. از اواخر قرن ۱۹ به بعد، تحقیقات بسیار وسیعی در این زمینه انجام شده و روان‌شناسان نظرات متعددی در این باره داده‌اند (مهرجو، ۱۳۹۰).

بازی آموزشی خوب، تفکر و برنامه‌ریزی را در دانش آموزان تشویق می‌کند (ذوفن و لطفی‌پور، ۱۳۸۰). براساس نظریات پیازه و ویگوتسکی، بازی اصلی‌ترین عامل رشد شناختی کودک و یکی از روش‌های فکری قابل دسترس برای خردسالان است. کودکان در قالب بازی با درک واقعیت‌ها و کنترل مهارت‌های شخصی به تعادل دست می‌یابند (انگجی و عسکری، ۱۳۸۵).

بازی‌های آموزشی می‌توانند به عنوان رسانه‌های مفید و کارآمد در سطوح رسمی و غیررسمی مورد استفاده ی معلمان قرار گیرند. هدف غایی این بازی‌ها فقط تفنن یا پرکردن اوقات فراغت نیست، بلکه چنین بازی‌هایی، در ضمن ایجاد لحظاتی لذت بخش و فرح‌انگیز برای مخاطبان، با فراهم ساختن تجربه‌هایی نزدیک به تجربه‌های دست اول، یادگیری سریع‌تر و پایدارتر را سبب می‌شوند (امیر تیموری، ۱۳۸۷).

پیشینه عملی:

۱- رقیه کریمی لیچاهی، آلمان آذریان و بهمن اکبری در تحقیقی با عنوان اثر بخشی بازی درمانی بر عملکرد خواندن، مهارت‌های سازشی و مشکلات رفتاری دانش آموزان نارساخوان، با جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان نارساخوان پایه دوم ابتدایی شهر رشت در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بود که از بین آن‌ها، ۳۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب، و بر حسب شرایط ورود به پژوهش به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جای دهی شده بودند به این نتیجه رسیدند که بازی درمانی از طریق برقراری پیوند میان اطلاعات ادراکی و حرکتی و تعمیم دادن آن‌ها به محیط اطراف خود، چارچوبی مؤثر برای یادگیری‌های بیشتر فراهم می‌سازد. این نتایج نشان داد که روش‌های به کار برده شده بر بهبود مؤلفه‌های عملکرد خواندن و مهارت‌های انطباقی و همچنین کاهش مشکلات رفتاری در گروه آزمایش به طور معنی دار مؤثر بوده است.

مهناز عنایتی و زهره رئیسی در تحقیقی با عنوان اثر بخشی بازی درمانی والد- کودک بر بهبود عملکرد خواندن در دانش آموزان ۸ تا ۱۰ ساله درگیر با اختلال یادگیری، به روش زیر عمل کرده و به نتایج زیر رسیدند. روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی و طرح پژوهش از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل والدین دانش آموزان ۸ تا ۱۰ ساله مراجعه کننده به کلینیک‌های تخصصی کودک (مرکز مشاوره توحید) در شهر اصفهان در سال ۱۴۰۰ بودند. که از میان آن‌ها با توجه به ملاک ورود تعداد ۲۸ نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه آزمایش (۱۴ نفر) و کنترل (۱۴ نفر) گمارده شدند. گروه آزمایش در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای هفته‌ای یکبار به صورت گروهی تحت بازی درمانی والد- کودک قرار گرفت در حالی که گروه کنترل هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که بازی درمانی والد- کودک موجب بهبود عملکرد خواندن در دانش آموزان درگیر با اختلال یادگیری می‌شود.

۳- سکینه نخعی عبدل آبادی با تحقیقی با عنوان بررسی کارایی بازی درمانی در بهبود مهارت‌های خواندن دانش آموزان ابتدایی مبتلا به دیسلکسیا به این نتیجه رسید که بازی درمانی می‌تواند در بهبود مهارت‌های خواندن، درک مطلب و انگیزه یادگیری دانش آموزان مبتلا به دیسلکسیا مؤثر می‌باشد.

۴- محسن رفیع خواه، علی اکبر ارجمند نیا و علی شریف نیا با مقاله‌ای که تحت عنوان (تأثیر بازی‌های مبتنی بر بازداری شناختی بر حافظه فعال و برنامه ریزی دانش آموزان با اختلال خواندن) داشتند. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزانی با اختلال خواندن شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. بدین منظور ۲۶ دانش‌آموز پسر با اختلال خواندن به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار داده شدند (هر گروه ۱۳ نفر). پس از اجرای پیش‌آزمون، گروه آزمایش به مدت ۱۰

جلسه ۳۰ دقیقه‌ای تحت آموزش بازداري شناختي قرار گرفتند در حالی که گروه گواه هیچ‌گونه مداخله‌ای را دریافت نکردند. در پایان جلسات، هر دو گروه مجدداً توسط ابزارهای ذکر شده مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بازی‌های مبتنی بر بازداري شناختي بر ارتقای عملکرد خرده‌مقیاس‌های یادآوری مستقیم و معکوس مکعب‌ها، نمره برنامه‌ریزی و تعداد کوشش‌ها مؤثر بود.

۵- حسن غریبی، بهزاد احمدی، هیوا محمدی، عدالت کریمیان، جلال غریبی جلال غریبی در مقاله‌ای با عنوان «اثر بخشی بازی‌های توجهی بر توانایی خواندن کودکان مبتلا به نارساخوانی» نوشتند. در این مقاله ۳۰ نفر از دانش‌آموزان مبتلا به نارساخوانی از مدارس ابتدایی شهرستان سقز به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در دو گروه ۱۵ نفره، آزمایش و کنترل مورد مطالعه قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای طی یک ماه تحت آموزش بازی‌های توجهی قرار گرفت و گروه کنترل آزمایش دریافت نکردند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد که آموزش بازی‌های توجهی بر بهبود توانایی خواندن کودکان مبتلا به نارساخوانی تأثیر داشته است و می‌توان گفت بازی درمانی می‌تواند عامل مؤثری در کاهش اختلال خواندن باشد و بر این اساس توجه ویژه معلمان و دست‌اندرکاران را می‌طلبد.

گردآوری اطلاعات (شواهد یک)

این اقدام‌پژوهی از نوع هدف کاربردی می‌باشد و سایر مراکز نیز می‌توانند جهت پیشگیری از نارساخوانی اعضا در سنین پایین‌تر و قبل از دبستان و تقویت روان‌خوانی اعضا و نیز متنوع کردن کارگاه بازی و سرگرمی که در مرکز دارند در قالب بازی‌های هدفمند انجام دهند. در این اقدام‌پژوهی ۱۰ نفر از اعضای دختر و پسر ۷ تا ۹ ساله که ضعف در روان‌خوانی داشتند در نظر گرفته شدند و اقدامات مربوطه برای آن‌ها انجام شد.

مشاهده:

در کارگاه‌های روخوانی کتاب که به صورت روزانه در مرکز انجام می‌شد و در بازدیدهایی که دانش‌آموزان از مرکز داشتند و در این کارگاه شرکت می‌کردند، کودکانی را مشاهده می‌کردم که بسیار کند و پر غلط می‌خوانند. این کودکان اصلاً برای روخوانی کتاب داوطلب نمی‌شدند.

در کارگاه‌های نوشتن خلاق کودکانی دیده می‌شدند که در نوشتن نیز مشکلات زیادی داشتند. اصلاً یک جمله معنادار نمی‌توانستند بنویسند، کلمات دارای غلط املایی، بسیار بدخط و ناخوانا از خصوصیات نوشتاری آن‌ها بود.

در زمان ثبت نام، خانواده‌ها به شرکت فرزندانشان در کارگاه کتابخوانی تأکید داشتند که جهت بهبود روان‌خوانی فرزندانشان در کارگاه شرکت کنند و عدم رضایتمندی خود را از میزان روان‌خوانی آن‌ها اعلام می‌کردند.

در زمان اجرای کارگاه‌های روخوانی کتاب بچه‌هایی را مشاهده می‌کردم که اصلاً به کتاب و فعالیت‌های کتاب محور علاقه نشان نمی‌دهند و کتاب به امانت نمی‌گیرند.

معلمان مدارس نیز با مربیان مرکز تماس می‌گرفتند که این دانش‌آموزان را جهت تشویق به کتابخوانی به کانون معرفی کنند تا شاید به واسطه مطالعه کتاب‌های غیر درسی در روان‌خوانی پیشرفت کنند.

مربی نقاشی از عدم توانایی عضو در به دست گرفتن درست مداد، عدم رنگ آمیزی با حوصله و درست، به پایان نرساندن کار و... شکایت داشتند.

مراجعه به نرم افزار کتابداری:

با جستجو در نرم افزار کتابداری و گزارش گرفتن از امانت عضو نشان داده می‌شد که این اعضا کتاب‌های کمتری نسبت به سایر اعضا امانت گرفته‌اند و حتی در صورت گرفتن کتاب از کانون یا کتاب‌های امانتی را نمی‌خوانند یا از والدین در خواست می‌کنند تا کتاب را برایش بخوانند.

مصاحبه با والدین:

- در این خصوص از والدین به ویژه مادران سوالاتی پرسش می‌شد.
۱. شکایت اصلی خانواده از وضعیت آموزشی و یادگیری فرزندشان
 ۲. تاریخ تولد
 ۳. دوره بارداری سالم بدون سابقه بیماری خاص و ضربه یا حادثه
 ۴. نارس به دنیا آمدن

۱. داشتن استرس مادر و فرزند در اثر اختلافات خانوادگی یا حوادث
۲. داشتن یا نداشتن تاخیر رشدی در دوران نوزادی و کودکی
۳. طی مراحل رشدی پیوسته از سینه خیز رفتن تا راه رفتن
۴. رشد کلامی درست
۵. تعداد فرزندان
۶. میزان رضایت از مدرسه و معلمان
۷. میزان سپری کردن اوقات مشترک والدین با فرزندان و انجام بازی و گفتگو و...
۸. میزان کافی خواب شبانه
۹. آزمایش و سنجش پزشکی:
۱۰. درخواست آزمایش سلامتی جسمانی، آزمایش‌های روتین و سنجش بینایی و شنوایی در اعضای مشکوک:
۱. ارزیابی هماهنگی چشم و دست.
۲. آیا کودک یک طرف بدنش به طرف دیگر بدنش غلبه دارد یا نه؟ با کدام دست می‌نویسد یا غذا می‌خورد یا اجسام را می‌گیرد؟ با کدام پا توپ را شوت می‌زند؟
۳. ارزیابی‌های حرکتی شامل راه رفتن روی خط راست، لی لی و...
۴. ارزیابی‌های حافظه‌ای.
۵. ارزیابی سرعت و صحت خواندن کودکان.
۶. ارزیابی درک مطلب از داستان‌ها و متن‌های خوانده شده.
- تجزیه و تحلیل شواهد یک :
- با توجه به داده و اطلاعاتی که از روش‌های مختلف گردآوری شد، تجزیه و تحلیل داده‌ها در موضوع و مساله مطروحه به قرار ذیل می‌باشد.
- جدول آمار امانت کتاب:

میانگین آمار امانت کتاب در بین اعضا مورد مطالعه در سه ماهه اول سال 1403
4 کتاب

جدول سرعت و صحت مطالعه

پایه تحصیلی	میانگین سرعت خواندن در هر دقیقه	درصد صحت خواندن در هر دقیقه
اول	13 کلمه	55 درصد
دوم	50 کلمه	60 درصد

با توجه به مشاهدات، مصاحبه و در نظر گرفتن آمار و ارزیابی‌های مورد نظر اعضا در دسته بندی‌های مختلفی قرار گرفتند.

مشخص شد که اعضا از خواندن و نوشتن گریزان هستند، درک مطلب درستی از متون خوانده شده ندارند، بعضی از حروف الفبا را درست نمی‌شناسند، سرعت و صحت خواندن پایینی دارند، در انجام مهارت‌های حرکتی راه رفتن روی خطوط باریک و لی لی و جفت پا ضعیف هستند، هماهنگی خوبی در چشم و دست ندارند، عموماً خانواده‌ها وقت کافی برای آن‌ها نگذاشته‌اند، در تلفظ کلمات محاوره‌ای مشکل دارند و اشتباه تلفظ می‌کنند و خانواده نیز در این زمینه بی‌تفاوت بوده‌اند.

خانواده‌ها عامل اصلی ضعف بچه‌ها را دوره قرنطینه کرونا و آموزش نادرست معلمان می‌دانند. خوشبختانه بچه‌ها از سلامت جسمانی خوبی برخوردار هستند و مشکلات مغزی ندارند اما تعدادی از اعضای دچار کم خونی و کمبود ویتامین‌های ضروری هستند که باید تحت درمان قرار گیرند. بچه‌ها از اعتماد به نفس پایینی برخوردارند و خیلی زود دچار استرس می‌شوند. بچه‌ها آگاهی واجی خوبی ندارند و باید در این زمینه تقویت شوند. پس بنابراین باید اقدامات مناسب برای رفع این مساله در بین این کودکان انجام داد. انتخاب راه حل‌های موقتی:

پس از مشاهده وضعیت موجود در بین این کودکان و مصاحبه با والدین و همکاران و ارزیابی‌هایی که از خود کودک انجام شد راه حل‌های زیر پیشنهاد شد.

۱. تدوین بازی‌های هدفمند با توجه به تشخیص مشکلات در بین کودکان با توجه به فراوانی آن مشکلات در کل گروه که به صورت گروهی با همه این اعضا انجام شود.

۲. تدوین بازی‌هایی که خاص هر کودک است که به هر کودک آموزش داده شود تا خودش در منزل نیز تمرین کند.

۳. برگزاری جلسه توجیهی با والدین که اهمیت مساله به آن‌ها بازگو شود و همکاری‌های لازم از آن‌ها جهت رفع مشکلات فرزندانشان گرفته شود.

۴. با معلمان این بچه‌ها صحبت شود و توصیه‌های لازم به آن‌ها داده شود تا معلمان همکاری بیشتر با کانون و بچه‌ها داشته باشند.

۵. برنامه ریزی کارگاه ویژه این کودکان به صورت دو روز در هفته انجام شود.

۶. یک گروه در فضای مجازی برای خانواده‌ها جهت گزارش فعالیت کارگاه و تمرین در منزل ایجاد شود. اجرای راه حل‌های موقتی:

۱. بعد از شناسایی اعضا، با خانواده‌ها تماس گرفته شد و از هر کدام خواسته شد که به مرکز بیایند و یک جلسه ۴۵ دقیقه‌ای تحت عنوان ارزیابی و تشخیص با حضور مربی، کودک و مادر برگزار شد.

در آن جلسه کودک تحت ارزیابی‌های لازم قرار گرفت و یک مصاحبه با مادر داشتیم و سوابق پزشکی و رشدی و شاختی کودک در فرم‌های مورد نظر نوشته شد.

ارزیابی‌ها با روش بازی و با نشاط با کودک انجام شد به طوری که فضایی بسیار امن و با نشاط برای کودک ایجاد شد و کودک به مربی اعتماد کرد.

وضعیت کودک و پیش نیازها و توضیحات مربوطه به مادر داده شد و از او خواسته شد که در روند کار با کودک قرار گیرد و همکاری‌های لازم را با مربی و کودک داشته باشد.

۲. برای مادران یک گروه در فضای مجازی تشکیل شد و تصاویر و ویدئوهای مربوط به هر کلاس در گروه قرار داده شد و بازی‌ها و توصیه‌هایی نیز در گروه برای مادران قرار داده شد تا تمرین‌های لازم با بچه‌ها را در منزل داشته باشند.

۳. کارگاه بازی‌های هدفمند با حضور این ۱۰ کودک و اجرای بازی‌های مرتبط با نیازهای این اعضا برگزار شد. بازی‌ها با اهداف تقویت چند منظوره پیش نیازهای یادگیری و به ویژه روان‌خوانی برای این کودکان در نظر گرفته شد و در هر کارگاه ۴۵ دقیقه‌ای دو الی سه بازی با کودکان انجام شد.

در زیر تعدادی از این بازی‌ها با تقسیم بندی تقویت هدفمند کودکان در بخش‌های جدا گانه انجام شد.

۱. بازی های حرکتی:

مهارت های حرکتی یکی از مهم ترین مهارت های پیش نیازهای یادگیری در کودکان هستند. مهارت در فعالیت های جسمانی و حرکتی، هم به رشد فیزیکی و هم به رشد استخوانی و عصبی عضلانی ارتباط دارد. از طرفی بازی های حرکتی محبوب و مورد علاقه اغلب کودکان هستند. فعالیت هایی مانند انواع مختلف راه رفتن، راه رفتن روی جدول راه رفتن و پریدن از روی موانع، بالا رفتن از نردبان و سایر تمرین هایی که در جهت بهبود توانایی حفظ تعادل بدن می باشد، به تقویت این مهارت در کودکان کمک زیادی می کنند.

بازی لی لی و جفت پا

در این بازی از اعضا خواستیم که روی خط سرامیک کف مرکز یک بار به صورت لی لی مسیری را طی کنند. در نوبت بعدی با در نظر گرفتن خانه های سرامیک از آن ها خواستیم در هر خانه سرامیک جفت پا بپزند. در ادامه با ترکیب این دو حرکت به صورت دستوری برای بچه ها بازی ادامه پیدا می کرد. به این صورت که از بچه ها می خواستیم مثلاً در این دور، دو لی لی و یک جفت پا بروند. در مرحله بعد که ممکن است جلسات بعدی باشد، بعد از اینکه بچه ها مسلط به حرکات شدند، کلام نیز اضافه می شد. مثلاً دستور بازی به این صورت می شد: دو لی لی بعد دو جفت پا، با حرکت لی لی بگویید گل، با حرکت جفت پا نیز اسم خود را بگویید.

نکته: در این بازی مراقبت از بچه ها بود. چون تعدادی از بچه ها قادر به لی لی رفتن یا جفت پا پریدن در جلسات اول نبودند.

توصیه به والدین: در رابطه با این تمرین گروه مجازی توصیه شد که راه رفتن روی جدول خیابان یا باغچه با بچه ها انجام شود.

بازی های هماهنگی دست و چشم

هماهنگی چشم و دست توانایی انجام حرکات با دست می باشد در حالی که انجام حرکات توسط چشم نیز هدایت می شود. این مهارت که هماهنگی دست و چشم نیز نامیده می شود، یک مهارت درکی حرکتی بوده و تلاش مشترک بین سیستم حسی (حس بینایی) و مهارت های حرکتی می باشد. کودکانی که مهارت هماهنگی چشم و دست خوبی را داشته باشند، چه در خانه، چه در مدرسه و چه در مراحل بعدی زندگی، نقاط قوت زیادی دارند.

بازی توپ را بگیر

ابتدا در این بازی از کودکان می خواهیم یک توپ را دوبه دو برای هم پرتاب کنند و بگیرند. در مرحله بعد می خواهیم هر کس یک توپ را به بالا بیندازد و بگیرد. زمانی که در مرحله قبل تسلط کافی پیدا کردند. در این مرحله از بچه ها می خواهیم وقتی توپ را بالا می اندازند یک بار دست بزنند و توپ را بگیرند. در مراحل بعدی می توان بازی را کمی ماهرانه تر ادامه داد مثلاً دو بار دست بزنند یا یک دور بچرخند و توپ را بگیرند. در مرحله بعدی کلام اضافه می شود مثلاً وقتی توپ را گرفتید کلمه ای را بگویند. مثلاً بگویند سیب.

۲. بازی های تقویت حافظه فعال:

حافظه فعال توانایی نگهداری و دستکاری اطلاعات به صورت همزمان است که به ما امکان می دهد با اطلاعات کار کنیم. این حافظه به ما کمک می کند کارهای اساسی را نیز یاد بگیریم و انجام دهیم. حافظه فعال مسئول بسیاری از مهارت هایی است که کودکان را قادر می کند تا بتوانند بخوانند.

بازی معکوس تکرار کن

سه کلمه می گوییم مثلاً باران، شب، نماز. کودک بعد از شنیدن این سه کلمه و به خاطر سپردن کلمات را معکوس بگویند: نماز، شب، باران.

بازی دست بزن، پا بکوب

پنج مهره ی رنگی انتخاب می کردم و از بچه ها می خواستیم رنگ های آن ها را تکرار کنند. از بین مهره ها دو رنگ را انتخاب می کردم. مثلاً مهره های زرد و قرمز. به بچه ها می گفتم هر وقت مهره های زرد را دیدند دست بزنند و هر وقت مهره های قرمز را دیدند پا بکوبند و با دیدن بقیه رنگها فقط اسمشان را بگویند. در

این مرحله مهره‌ها را یکی یکی به بچه‌ها نشان می‌دادم و بازی را با بچه‌ها شروع می‌کردم. به تدریج تعداد کل مهره‌ها و تعداد مهره‌هایی که همراه با دستور خاصی هستند بیشتر می‌کردم. بازی داری چی کار می‌کنی؟

در این بازی بچه‌ها دست همدیگر را می‌گرفتند و یک حلقه درست می‌کردند. نفر اول به صورت پانتومیم یک کار را انجام می‌داد مثلاً مسواک می‌زد، نفر کناری از او می‌پرسید که، داری چی کار می‌کنی؟ او در حالی که داشت مسواک می‌زد کار دیگری را می‌گفت مثلاً می‌گفت دارم موهایم را شست می‌کنم. نفر بعدی باید کاری را که او می‌گفت انجام می‌داد و آن وقت نفر بعدی مثل دور اول با گفتن موارد دیگر ادامه می‌داد.

توصیه به والدین: برای تقویت حافظه فعال از خانواده‌ها در گروه خواستم بازی پازل یا جورچین و تانگو را در خانه بچه‌ها انجام دهند

۳. بازی‌های تقویت آگاهی واجی

واج کوچکترین واحد صداست و آگاهی واج شناختی به معنی این است که کودک درک کند زبان گفتاری از واج‌ها تشکیل شده است. نیز به معنی درک و شناخت صدا و ساختار صدایی کلمات می‌باشد. کلمات از صداها تشکیل شده‌اند به هر کدام از صداهایی که با آن یک کلمه تشکیل می‌شود واج می‌گویند. مانند کلمه "توپ" که سه صدا یا واج ت - و - پ دارد.

بازی آدم‌آهنی

در این بازی من صداها را یک کلمه را مثل آدم‌آهنی به صورت تقطیعی می‌گفتم و از بچه‌ها می‌خواستم که تشخیص دهند من چه کلمه‌ای را می‌گویم. مثلاً می‌گفتم باران بچه‌ها می‌گفتند باران. یا می‌گفتم سی‌ب بچه‌ها می‌گفتند سیب.

در دور بعد از بچه‌ها می‌خواستم که حالا شما آدم‌آهنی بشوید و مثل من کلمه‌ای را بگویید تا دوست کناری شما کلمه را تشخیص دهد و بگوید و بعد خودش آدم‌آهنی شود و یک کلمه دیگر را بگوید و دوست بعدی تشخیص دهد و همینطور بازی ادامه پیدا می‌کرد.

قافیه بازی:

در این بازی از بچه‌ها خواستم که ابتدا صداها را تشکیل شده چند کلمه را بگویند مثلاً مار که می‌شود. م. آ. ر. کلمه ی بعدی کار که می‌شود، ک. آ. ر. از بچه‌ها پرسیدم تشابه این دو کلمه در صداهاشان چیست؟ بله. هر دو سه صدا دارند و صداها آخرشان آر می‌باشد. خوب حالا از بچه‌ها می‌خواهم کلمات دیگری هم که همین خصوصیت را دارند بگویند. مثل دار، بار، زار و... همه کلمات را روی تخته نوشتم و دور کلمات را دایره کشیدم در مرحله بعد از بچه‌ها خواستم که کلمات را نشانه‌گیری کنند و با توپ بزنند. هر کس تعداد بیشتری از کلمات را درست نشانه‌گیری کند و بزند برنده‌ی این بازی محسوب می‌شود.

در نشانه‌گیری نیز هدفمان تقویت توجه و تمرکز و به کارگیری عضلات درشت و ریز در بدن و دستانشان است که علاوه بر روان‌خوانی، در نوشتن نیز به آن‌ها کمک خواهد کرد.

توصیه به والدین: برای تقویت واج آگاهی در گروه از خانواده‌ها خواستم بازی اسم فامیل را در خانه با بچه‌ها انجام دهند.

۴. بازی‌های تقویت دو نیم‌کره‌ی مغز

فعالیت هماهنگ هر دو نیم‌کره مغزی، می‌تواند توانایی‌های شناختی، حل مسئله، خلاقیت، توانایی‌های حرکتی و توانایی‌های زبانی را در فرد بهبود ببخشد. به علاوه، فعال سازی هماهنگ هر دو نیم‌کره مغزی می‌تواند به کاهش تنش و اضطراب کمک کند و خلاقیت و ابتکار را در فرد تقویت کند و سرعت عمل را بالا ببرد.

بازی با حبوبات:

در این بازی جلوی همه بچه‌ها مقداری نخود و لوبیا گذاشتم و از آن‌ها خواستم تا با دو دست به صورت همزمان یک دست نخود و یک دست لوبیا را جدا کنند. در دوره‌های بعدی بازی برای آن‌ها زمان گذاشتم و به صورت مسابقه‌ای اجرا کردم که بچه‌ها سرعت عملشان را هم بالا ببرند.

بازی شکل‌سازی با دو دست همزمان

در این بازی یا تمرین بچه‌ها با دو مداد در دست به صورت همزمان اشکالی را بر روی کاغذ به صورت قرینه می‌کشند. مثلاً بعد از ترسیم یک خط عمود از بالا تا پایین صفحه با دو مداد در دست چپ و راست همزمان نیم‌دایره‌هایی را در دو طرف خط می‌کشند تا یک دایره به دست بیاید.

۵. تقویت درک مطلب

درک مطلب همانطور که از نامش پیداست به معنی درک و فهم مطالبی است که می‌شنویم و یا می‌خوانیم. درک مطلب، ارتباط تنگاتنگی با مهارت دانش آموزان در روان‌خوانی متون فارسی دارد. خود ما اگر با مطلبی مواجه شویم که معنای برخی از واژه‌های آن را ندانیم به احتمال زیاد درک درست و کاملی از معنا و مفهوم آن مطلب پیدا نخواهیم کرد.

افرادی که از درک مطلب پایینی برخوردارند، در یادگیری نیز با مشکلات جدی مواجه هستند، زیرا لازمه یادگیری یک مطلب آموزشی در وهله اول توانایی فهم و برقراری ارتباط ذهنی با آن مطلب است. به عنوان مثال، بسیاری از دانش آموزانی که در آزمون‌های کتبی و یا در حل مسئله‌های ریاضی با مشکل مواجهند، از پایین بودن میزان درک مطلب خوانداری رنج می‌برند.

درک مطلب برای کودکان قبل از دبستان به شکل شنیداری می‌باشد، زیرا افزایش سطح درک مطلب شنیداری در کودکان، پیش از ورود به مدرسه، می‌تواند مقدمه‌ای برای افزایش درک مطلب خوانداری آن‌ها پس از یادگیری خواندن و نوشتن محسوب شود.

بازی چه خواندیم؟

کتاب‌های داستانی، با متن‌های کوتاه برای کودکان خوانده شد و بعد از پایان آن سوالاتی را در مورد آن قصه از آن‌ها پرسیده شد.

مثال:

در قصه کدام فصل بود؟

چند تا حیوان در قصه بود؟

نام شخصیت‌های قصه چه بودند؟

چگونه آن اتفاق افتاد؟

موضوع قصه چه بود؟

نظر شما در مورد پایان قصه چیست؟

اگر آن شخصیت آن کار را انجام می‌داد یا انجام نمی‌داد چه می‌شد؟

سوالاتی که از بچه‌ها می‌پرسیدیم از ساده به دشوار بود تا مطمئن شویم که بچه‌ها درک درستی از متن خوانده شده پیدا کردند یا نه؟

در مرحله بعد از بچه‌ها خواستم تا قصه یا متن کتاب را با کمک یا بدون کمک ما بازگو کنند.

توصیه به والدین: در گروه از والدین خواستم تا قصه‌گویی‌های شبانه برای بچه‌ها داشته باشند و در مورد قصه‌ها با بچه‌ها صحبت کنند.

بازی قصه بسازیم

بچه‌ها را به چند گروه تقسیم کردم و به هر گروه تعدادی از کتاب‌های تصویری را در اختیار بچه‌ها قرار دادم. حال با توجه به تصاویر کتاب از بچه‌ها خواستم تا قصه‌ای بسازند و بعد برای دوستانشان تعریف کنند.

شواهد دو

ارزیابی طرح‌های اجرا شده

بعد از انجام تمرینات کارگاه در طی دو ماه برای این بچه‌ها، طبق مشاهدات عینی پیشرفت‌های خوبی در اجرای بازی‌ها در کلاس دیده شد.

میانگین آمار امانت کتاب در بین اعضا مورد
مطالعه در سه ماهه دوم سال 1403

9 کتاب

جدول سرعت و صحت مطالعه

پایه تحصیلی	میانگین سرعت خواندن در هر دقیقه	در صد صحت خواندن در هر دقیقه
اول	19 کلمه	90 درصد
دوم	65 کلمه	85 درصد

طبق نظرخواهی از خانواده‌ها:

سرعت عمل بچه‌ها در انجام کارهای روزانه، توجه و تمرکز بیشتر، بهبود روان‌خوانی، بهبود در دیکته، افزایش سرعت خواندن کاملاً قابل مشاهده بود.

طبق نظرخواهی از معلمان مدرسه:

افزایش دقت و توجه در کلاس، بهبود در خواندن، کمتر شدن اشتباهات در دیکته، علاقمندی بیشتر به خواندن کتاب و شرکت در کلاس، افزایش درک مطلب، افزایش اعتماد به نفس در بچه‌ها مشاهده شده است.

طبق مشاهدات در مرکز:

شرکت داوطلبانه اعضا در کارگاه‌های روخوانی کتاب، درخواست معرفی کتاب‌های مناسب از مربیان، افزایش اعتماد به نفس و کم شدن استرس و شادابی بیشتر بچه‌ها مشاهده شد.

طبق آمار گیری از سامانه کتابداری:

با توجه به آمارگیری از سامانه کتابداری مرکز میزان امانت کتاب این بچه‌ها افزایش یافته است.

اعتبارسنجی:

با توجه به اظهارات والدین و معلمان و نیز روند روخوانی کتاب بچه‌ها در کارگاه‌های مرکز به خوبی شاهد پیشرفت آن‌ها در زمینه سرعت و صحت روان‌خوانی آن‌ها بودم که در جداول بالا به صورت کمی نیز آورده شده است. از طرفی شاهد میزان افزایش شادی و نشاط کودکان و بالا رفتن اعتماد به نفس این کودکان در گروه همسالان خود در کانون بوده‌ام. طبق اظهارات خانواده‌ها، مهارت‌های حرکتی و سرعت عمل در انجام امورات روزمره در فرزندانشان افزایش پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری:

اهمیت روان‌خوانی برای کودکان در سنین آغاز دبستان بر کسی پوشیده نیست و البته پایه‌های آموزش نیز در این سنین بنا نهاده می‌شود. اگر کودکانی در این زمینه ضعف داشته باشند قاعدتاً نمی‌توانند بقیه مراحل آموزشی را در همان پایه و پایه‌های بالاتر به درستی ادامه دهند.

خوشبختانه در مراکز کانون پرورش فکری بستر خوبی برای کمک این بچه‌ها وجود دارد که می‌توان با فعالیت‌های شاد و متنوع کانونی تا حدود زیادی از به وجود آمدن مشکلات یادگیری و رفع آن‌ها به بچه‌ها کمک کرد.

در اقدام‌پژوهی حاضر با توجه ارزیابی‌های انجام شده و مقایسه شواهد یک و دو و اجرای بازی‌هایی که کاملاً متناسب و برای رفع این مشکل در نظر گرفته شده بودند، شاهد رشد و پیشرفت بچه‌ها در روان‌خوانی، ایجاد علاقمندی به کتاب‌خوانی و افزایش درک مطلب بودیم.

بازی‌هایی که برای بچه‌ها انتخاب یا طراحی شده بود، هر کدام با هدف اثر گذاری بر بخشی از ضعف این کودکان در نظر گرفته و با بچه‌ها انجام شد. از طرفی با بچه‌ها به صورت مستقیم وارد آموزش مستقیم نشدم و با بازی‌ها توانستم به صورت غیرمستقیم تأثیرات مطلوب را روی آن‌ها گذاشتم. به طور کل می‌توان اینطور نتیجه گرفت که بازی‌هایی که در این اقدام‌پژوهی به صورت هدفمند انتخاب و طراحی شده بود نقش بسزایی در بهبود روان‌خوانی بچه‌ها داشته است. پیشنهادها

با توجه به نتایج این اقدام‌پژوهی می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد.

۱. این اقدام‌پژوهی برای بچه‌هایی که مشکل روان‌خوانی دارند انجام شد و کارگاه‌هایی برای آن‌ها در نظر گرفته شد. اما همه این بازی‌ها و کارگاه‌هایی از این دست به خوبی می‌تواند جنبه پیشگیری نیز داشته باشد و پیشنهاد می‌شود این کارگاه‌ها و اقدامات برای بچه‌های قبل از دبستان نیز اجرا شوند.
۲. در نظر گرفتن اتاق بازی در مراکز کانون پرورش فکری که همه شرایط و امکانات لازم را داشته باشد که به منظور این اقدام‌پژوهی و هم به منظور اجرای فعالیت بازی و سرگرمی در سطوح دیگر برای تنوع بخشی به فعالیت‌های کانون و هم کمک بیشتر و اجرای راحت‌تر بازی‌ها به اعضا و مربیان کمک کند.
۳. پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های آموزش بازی‌های هدفمند برای مربیان علاقمند تأثیرات خوبی در جهت پیشگیری و رفع مشکلات یادگیری بچه‌ها داشته باشیم.

۴. یکی از اهداف کانون پرورش فکری افزایش علاقمندی قشر کودک و نوجوان به مطالعه و کتابخوانی می‌باشد. کودکانی که ضعف در روان‌خوانی دارند، در جلسات اولی که به کانون مراجعه می‌کنند با احتیاط بیشتری با آن‌ها برخورد شود تا از کارگاه‌های روان‌خوانی دوری و پرهیز نکنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در صورت برخورد مربیان با چنین مواردی در بین کودکان با صبر و حوصله زیاد با چنین کودکانی رفتار کنند. دادن اعتماد به نفس و تشویق نقاط قوت این کودکان بسیار کمک کننده خواهد بود. از طرفی عدم اجبار به روخوانی کتاب و نوشتن و ترغیب آنان به گوش دادن در کارگاه‌های روخوانی کتاب و پرسش و پاسخ در جهت درک مطلب، کمک موثرتری به این بچه‌ها خواهد کرد.

محدودیت‌ها

۱. در مراکز کانون پرورش فکری کتاب‌های تصویری و کارتهای قصه‌گویی بسیار محدود هستند. هم به لحاظ عناوین و هم به لحاظ تعداد در نسخه‌های ارسالی به استان.
۲. نبود اتاق بازی در مرکز با امکانات کافی و شرایط مطلوب.

پیوست:

بازی راه رفتن روی خطوط





قافیه بازی



بازی با حیوانات



بازی شکل سازی با دو دست



بینیم چه خواندیم



منابع:

- ۱- اعضای شورای فرهنگی مدیریت استان تهران. «استاندارد فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ادبی». تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۸۷
- ۲- کریمی لیچاهی، رقیه؛ آذریان، آلاء؛ اکبری، بهمن. «اثر بخشی بازی درمانی بر عملکرد خواندن، مهارت‌های سازشی و مشکلات رفتاری دانش آموزان نارساخوان». فصلنامه سلامت روان کودک شماره ۶ سال ۱۳۹۸
- ۳- عنایتی، مهناز؛ رئیسی، زهره. «اثر بخشی بازی درمانی والد- کودک بر بهبود عملکرد خواندن در دانش آموزان ۸ تا ۱۰ ساله درگیر با اختلال یادگیری». نشریه مطالعات روانشناسی تربیتی. دوره ۱۹، شماره ۴۶. تابستان ۱۴۰۱
- ۴- غریبی، حسن؛ احمدی، بهزاد؛ محمدی، هیوا؛ کریمیان، عدالت؛ غریبی، جلال. «اثر بخشی بازی‌های توجهی بر توانایی خواندن کودکان مبتلا به نارساخوانی». فصلنامه علمی ناتوانی یادگیری، دوره ۱۱، شماره ۳. اردیبهشت ۱۴۰۱
- ۵- رفیع خواه، محسن؛ ارجمند نیا، علی اکبر؛ شریف نیا، علی. «تاثیر بازی‌های مبتنی بر بازداری شناختی بر حافظه فعال و برنامه ریزی دانش آموزان با اختلال خواندن». نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی، سال پانزدهم، شماره ۱. بهار ۱۴۰۳



چگونه توانستیم انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی را در اعضای نوناگاه دختر مرکز فرهنگی هنری ادبی کتالم افزایش دهیم؟

اقدام پژوهان: سعید عشوریان- فتانه برنده
مربی مسئول و مربی فرهنگی مرکز فرهنگی هنری ادبی کتالم

چکیده

پژوهش حاضر در تابستان سال ۱۴۰۲ در مرکز فرهنگی هنری کتالم با فراوانی ۸ نوناگاه دختر صورت گرفت. موضوعی که مورد بررسی قرار گرفت: "چگونه توانستیم انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی را در اعضای نوناگاه دختر مرکز فرهنگی هنری کتالم افزایش دهیم؟" این اقدام پژوهی به منظور دستیابی به یک هدف کلی و پنج هدف جزئی اجرا شد. این اهداف عبارتند از:

هدف کلی: پرورش نگاه جستجوگرانه در اعضا نوناگاه دختر

اهداف جزئی: ۱- لذت بردن اعضا از فعالیت پژوهشی

۲- یادگیری روشهای پژوهشی جهت حل مسائل در زندگی روزانه خود.

۳- ترغیب اعضای نوناگاه دختر به شرکت در فعالیت های گروهی

۴- ترغیب اعضای نوناگاه به حضور مستمر در مرکز

۵- کیفیت بخشی به فعالیت پژوهشی مرکز.

در این پژوهش ابتدا از همه ی اعضای نوناگاه دختر دعوت شد که در یک روز و ساعت مشخص در مرکز حضور پیدا کنند. سپس در کلاس با مطرح نمودن سؤالاتی علت بی علاقهگی اعضا نوناگاه دختر به فعالیت پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین برای شناسایی عوامل موثر بر این مسئله و یافتن راه حل مناسب، جلسه ی دوم با حضور دیگر اعضای مرکز و والدین آنها برگزار شد و همچنین فعالیتها و تعداد شرکت کنندگان اعضای نوناگاه دختر در داده های آماری سیستم نرم افزار کتابداری مورد بررسی قرار گرفت. راه حل هایی که در این پژوهش توسط اعضا، مربیان و والدین ارائه شد:

- ۱- همکاری بیشتر مربیان والدین اعضای گروه پژوهش در انتخاب موضوع پژوهشی اعضا. ۲- مشارکت بیشتر اعضا در فعالیت های گروهی به ویژه پژوهش. ۳- زمانبندی مناسب برای کارگاه پژوهشی با مشورت اعضا. ۴- تشویق اعضای که در مرکز به فعالیت های گروهی می پردازند. ۵- روخوانی گروهی کتاب و قصه خوانی گروهی و اجرای نمایش خلاق. ۶- شاهنامه خوانی و خوانش شعرهای مورد علاقه اعضا به صورت گروهی. ۷- نمایش فیلم. ۸- اختصاص یک پانل مجزا و جداگانه برای کارگاه پژوهشی و...

پس از اجرای چند جلسه فعالیت های پیشنهادی با بررسی نرم افزار کتابداری شاهد افزایش تعداد کارگاه ها و میزان شرکت اعضای نوناگاه بودیم. همچنین میزان علاقه اعضا به گونه ای بود که دوستان دیگر خود را برای عضویت و شرکت در فعالیت های کانون تشویق می کردند. به این ترتیب با به کارگیری این روش ها شاهد افزایش تعداد اعضای نوناگاه دختر بودیم. همچنین یافته های حاصل از این پژوهش حاکی از آن بود که از میان فعالیت های مختلفی که در این مرکز برای اعضای نوناگاه اجرا شده بود فعالیت شاهنامه خوانی و نمایش خلاق بیشترین و فعالیت های نمایش فیلم و روخوانی کتاب کمترین نقش را در علاقه مندی اعضای نوناگاه به فعالیت پژوهش ایفا می کنند و مربیان کانون پرورش فکری مرکز کتالم با استفاده از شیوه های نوین و کاربرد ماهرانه از فنون و شیوه های فعالیت های گروهی می تواند گامهای موثری در نهادینه نمودن علاقه به فعالیت های گروهی پژوهشی در اعضای نوناگاه این مرکز داشته باشد.

کلید واژه ها: اعضای نونگاه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مربی، پژوهش اعضا
تعریف کلید واژه ها:

تعریف نونگاه: نونگاه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به اعضای اطلاق می شود که در گروه سنی ۱۲+ (بین ۱۲ تا ۱۴) قرار دارند .

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کانون از سال ۱۳۴۴ مشغول به فعالیت گردیده است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان ، از طریق بیش از ۸۵۰ مرکز فرهنگی و هنری ثابت ، سیار شهری و روستایی و پستی در سراسر ایران با ارائه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و ادبی با مخاطبین کودک و نوجوان خود ارتباطی چهره به چهره و نزدیک برقرار می کند. مربیان کانون در این مراکز ، علاوه بر امانت کتاب ، فعالیت‌های فرهنگی و هنری و ادبی برای اعضای کودک و نوجوان برگزار می کنند.

مربی:

مربی فرهنگی یا مربی مسئول فرهنگی (رسمی یا قراردادی) علاقه مند به فعالیت هنری پژوهش که در مراکز فرهنگی هنری کانون به اجرای فعالیت گروهی پژوهش مشغول است.
اعضا:

منظور از اعضا در این پژوهش کودکان و نوجوانانی هستند که در تقسیم بندی گروه‌های سنی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جزء گروه نونگاه قرار می گیرند و عضو کتابخانه ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر کتالم هستند. تقسیم بندی های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به شرح زیر است:
گروه سنی نوخوان (۷+) گروه سنی نونهال (۹+) گروه سنی نونگاه (۱۲+) گروه سنی نوجوان (۱۵+) اعضای ارشد (۱۸ تا ۲۲)

مقدمه

ایجاد علاقه مندی به فعالیت گروهی به ویژه پژوهش می بایست قسمتی از برنامه موسسات آموزشی ، مدارس ابتدایی و متوسطه اول و دوم باشد و در هر سنی مطابق با امکانات و احتیاجات همان سن کار مداوم و مطابق با برنامه معین انجام گیرد. فعالیت گروهی پژوهشی تاثیر بسزایی در رشد و بالندگی منطق و تفکر انتقادی اعضای نونگاه داشته باشد. بنابراین توجه به این امر مهم موجب تربیت افرادی محقق و سالم و در نهایت شکل گیری جامعه سالم خواهد شد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نقش بی بدیلی در این فرایند دارد و کوشش های مربیان هم متمرکز بر این موضوع است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان امروزه بیش از ۸۵۰ مرکز فرهنگی هنری ثابت ، سیار شهری، سیار روستایی و پستی در سراسر ایران و با ارائه فعالیت‌های فرهنگی ، هنری و ادبی با مخاطبین کودک و نوجوان خود ارتباطی چهره به چهره و نزدیک برقرار می کند. رسالت مراکز فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بر مبنای غنی سازی اوقات فراغت اعضا ایجاد زمینه مثبت و مناسب جهت پر کردن این اوقات به همراه کسب لذت و اشتیاق به شرکت در فعالیت ها است. بدین منظور فعالیت‌های فرهنگی هنری و ادبی گوناگونی با اهداف مشخص و برنامه ریزی شده جهت غنی سازی اوقات فراقت و نیز به منظور شناخت و پرورش استعداد های فکری و ذوقی کودکان و نوجوانان با حضور و مشارکت آنان که با روش خاصی انجام می گیرد طراحی شد. راه های علاقه مند کردن اعضا نونگاه به فعالیت‌های گروهی یکی از مهمترین اهداف مراکز کانون پرورش فکری است. اما همیشه اکثر مراکز و مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با مشکل عدم علاقه به شرکت در فعالیت پژوهش در اعضای نونگاه مواجه بوده اند. در این اقدام پژوهی پس از اجرای راه حل هایی کارآمد و متنوع در زمینه علاقه مندی به فعالیت‌های پژوهشی به بازخوردی مثبت در زمینه افزایش فعالیت پژوهش اعضا نونگاه دختر مرکز فرهنگی هنری کتالم رسیدیم. بنابراین توجه به این مهم و ارتباط موثر عوامل مختلف بر استقبال اعضای نونگاه از فعالیت‌های پژوهشی در مراکز فرهنگی، هنری و ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مربیان را برآن داشت تا اقدام پژوهی خود را با این عنوان مطرح کنند: چگونه

توانستم انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی را در اعضای نونگاه دختر مرکز فرهنگی هنری کتالم افزایش دهم؟

هدف کلی

پرورش نگاه جستجوگرانه در اعضاء نونگاه

اهداف جزئی:

۱- لذت بردن اعضا از فعالیت پژوهشی

۲- یادگیری روشهای پژوهشی جهت حل مسائل در زندگی روزانه خود.

۳- ترغیب اعضای نونگاه دختر به شرکت در فعالیت های گروهی.

۴- ترغیب اعضای نونگاه به حضور مستمر در مرکز ۵

۵- کیفیت بخشی به فعالیت پژوهشی مرکز.

تشخیص و توصیف مسئله

یکی از مراکز استان مازندران مرکز فرهنگی و هنری کتالم می باشد که اینجانب فتانه برنده به عنوان مربی فرهنگی به مدت ۲۴ سال و همکارم جناب آقای سعید عشوریان به عنوان مربی مسئول به مدت ۲۶ سال در خدمت کودکان و نوجوانان این مرکز هستیم. مرکز کتالم به عنوان یکی از قدیمی ترین مراکز استان مازندران، در سال ۱۳۵۰ در شهر کتالم و در مجاورت شهرداری و شورای شهر تأسیس شد. زیربنای مرکز ۷۲۰ متر، شامل ۱ سالن مطالعه، ۱ سالن آمفی تئاتر، ۳ کلاس فرهنگی و هنری و ادبی است. تعداد اعضای دختر و پسر این مرکز تا به امروز ۵۵۰ نفر و تعداد کتابهای مرکز ۱۰۷۵۸ جلد می باشد و این مرکز تنها کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان این شهر است. اعضای مرکز از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در وضعیت متوسطی هستند. این مرکز تک شیفت بوده و اعضای دختر هفته ای سه روز زوج و اعضای پسر هفته ای سه روز فرد به فعالیت می پردازند. این مرکز فرهنگی و هنری همواره مورد استقبال کودکان و نوجوانان شهر می باشد و از فعالیتهای مختلف فرهنگی و هنری و ادبی بهره مند می باشند. کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که بیشتر با عنوان مراکز فرهنگی و هنری نامیده می شود یکی از مهمترین مراکز فعال در زمینه های فرهنگی، هنری و ادبی برای گروه سنی کودک و نوجوان در ایران به شمار می روند. که مرکز فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر کتالم از جمله آنها می باشد که با ارائه فعالیتهای فرهنگی و هنری متنوع و نیز با برخورداری از مربیان فرهنگی و هنری و ادبی مجرب و کار آزموده می تواند در جهت پرورش ذوق و افکار کودکان و نوجوانان و تقویت گامهای موثر در نهادینه نمودن علاقه به فعالیتهای پژوهشی در اعضای نونگاه این مرکز داشته باشد.

پیشینه فعالیت تحقیقی در مرکز کتالم در سال ۱۳۹۸ توسط یک گروه سه نفره با مربی گری آقای رضا اسماعیل زاده با موضوع بررسی تفاوت رنگ های شیمیایی و طبیعی انجام گرفت. با شروع کرونا و فاصله اجتماعی گروه به مرکز مراجعه نکرد و مربی مربوطه به مرکز رامسر انتقال پیدا کرد. بعد از گذراندن دروره کرونا و با تشکیل و حضور اعضا گروه رویش سبز کتالم با مربی گری سعید عشوریان با حضور اعضای نونگاه به مرکز سه گروه سه نفره یک گروه پسر و دو گروه دختر با شرکت در کارگاه های نگاه جستجوگر و بعد با موضوعات پژوهشی شروع به کار کردند اما طولی نکشید که گروه ها اعلام بی علاقه می کردند. در پایان سعی کردیم با توجه به علاقه مندی اعضا به فعالیت ها سه گروه جدید سه نفره در سال ۱۴۰۳ تشکیل و در کنار فعالیتهای دوست دانی شان به فعالیت پژوهشی پردازیم.

با توجه به ارتباط موثر فعالیتهای متنوع و مشرثرمر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در عرصه پژوهش، ایجاد انگیزه و علاقه به فعالیتهای گروهی پژوهش در اعضای نونگاه، مربیان را بر آن داشت تا موضوع اقدام پژوهی خود را در این زمینه قرار دهند. این پژوهش در مورد بررسی علل و عوامل نبود انگیزه و علاقه اعضای نونگاه دختر به فعالیت پژوهشی و چگونگی علاقه مند کردن آنها به این فعالیت در مرکز کتالم می باشد، و در نهایت سعی در ارائه راهکارهای ایجاد علاقه و انگیزه به حضور اعضای نونگاه، به فعالیت پژوهش دارد. با توجه به اینکه بخش عمده ای از مخاطبین کانون اعضای نونگاه هستند ولی متأسفانه در مرکز کتالم حضور اعضای نونگاه دختر در فعالیت پژوهشی کم است. و از آنجایی که مایل نبودیم فعالیت پژوهش

را به اجبار برای اعضا اجرا کنیم و دوست داشتیم اعضا با علاقه خود در این فعالیت شرکت کنند پس تصمیم گرفتیم به دنبال دلایل بی علاقه گی اعضا به فعالیت پژوهش باشیم و راه حلی برای علاقه مند کردن آنها به این فعالیت بیابیم و این انگیزه شد برای انجام اقدام پژوهی. با عنایت به عدم علاقه مندی اعضا نونگاه دختر مرکز و با توجه به جلسات متعدد با خانواده ها و اعضا، برنامه علاقه مندی اعضای نونگاه به فعالیت های کانونی را مورد توجه قرار دادیم. از میان ۴۲ فعالیت فرهنگی و هنری اعضا به نمایش خلاق و شاهنامه خوانی و بازی علاقه مند بودند. لذا سعی کردیم در هر جلسه ای که این فعالیت ها انجام می گرفت دقایقی را هم در ارتباط با نگاه جستجوگری اعضای نونگاه صحبت و گفتگو داشته باشیم. همچنین برای حل مشکل عدم علاقه به فعالیت پژوهش اعضای نونگاه دختر در مرکز کتالم به جمع آوری اطلاعات با استفاده از مشاهده، مصاحبه، یادداشتهای روزانه و نرم افزار کتابداری اقدام نمودیم. سوالی که اینجا مطرح می شود این است که :

چگونه توانستیم انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی را در اعضای نونگاه دختر مرکز فرهنگی هنری کتالم را افزایش دهیم؟

سوالات اقدام پژوهی

- ۱- ارائه کدام فعالیت ها می تواند اعضا را به فعالیت پژوهش ترغیب کند؟
- ۲- کدام شیوه ارائه ی فعالیت در درگیر نمودن اعضا به فعالیت پژوهش بیشترین تاثیر را دارد؟
- ۳- آیا نحوه ارائه فعالیت های پژوهشی در جذب اعضای نونگاه تاثیر گذار است؟

پیشینه تحقیق

پیشینه نظری

از آنجا که پیش زمینه فعالیت پژوهشی مطالعه کتابهای مناسب در این زمینه برای اجرای یک فعالیت پژوهشی با موضوع مناسب است بر آن شدیم تا پیشینه نظری راههای افزایش میزان مطالعه نوجوانان را بیابیم تا به هدف نهایی کارگاه که انتخاب یک موضوع منایب بود دست یابیم.

کفاشی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی روشهای افزایش علاقه مندی کودکان به پژوهش و کتابخوانی"، با چندین راهکار عملی توانسته یک سری عادات و علایق مرتبط با مطالعه و پژوهش در دانش آموزان ایجاد نموده و به این نتیجه دست یابد که نقش و جایگاه پژوهش و کتابخوانی در آموزش حائز اهمیت است.

عباسی (۱۳۸۴) در یک اقدام پژوهی با اجرای راهکارهای عملی شامل آموزش صحیح نحوه مطالعه، بازدید از کتابخانه های عمومی و ... توانست میزان علاقه مندی دانش آموزان را به کتابخوانی افزایش دهد.

محمد بابایی در پژوهشی با عنوان "چگونه می توان دانش آموزان را به مطالعه علاقه مند نمود؟" به بررسی عوامل موثر در علاقه مند کردن دانش آموزان به مطالعه پرداخته است. او تعیین کرده است که میان عواملی همچون تحصیلات خانواده و مدرسه و رسانه ها و کتابخانه های مدارس، و برنامه ریزی صحیح رابطه نزدیکی دارد.

لاجوردی (۱۳۸۵) در اقدام پژوهی خود با عنوان "چگونه توانستم دانش آموزانم را به مطالعه علاقه مند کنم؟" با روش هایی از قبیل :

- بیان احادیث در باره مطالعه
 - نوشتن خلاصه کتاب توسط بچه ها
 - قصه گویی
 - ارائه روش صحیح مطالعه
- توانست میزان علاقه به مطالعه را در دانش آموزان افزایش دهد.

پیشینه علمی

کلرک و و فوستر (۲۰۰۵) در پژوهشی عادت ها و اولویت های خواندن ۸۰۰۰ نفر از دانش آموزان دبستانی و دبیرستانی لندن را نسبت به خواندن بر اساس سن و جنسیت مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش از نرم افزار SPSS استفاده شده است و تحلیل داده ها در سطح یک درصد معنادار می باشد. یافته ها نشان می دهد که دختران بیشتر از پسران از خواندن لذت می برند و پسران نگرش های منفی تری نسبت به خواندن دارند. پسران خواندن را بیشتر برای به دست آوردن شغل و دختران بیشتر برای سرگرمی انجام می دهند. خواندن با سن رابطه عکس نشان می دهد، بچه های دبستانی نسبت به دبیرستانی ها از خواندن بیشتر لذت می برند و نگرش مثبت تری نسبت به خواندن دارند. نیمی از آزمودنی ها بیان کردند که از خواندن لذت می برند و خود را خواننده ماهر می دانند. اکثر دانش آموزان نشان دادند که آنها هر روز یا یک بار یا دو بار در هفته می خوانند. تقریباً نیمی از نمونه ها معتقد بودند که آنها به اندازه کافی نمی خوانند و علاقه ای هم به بهتر شدن ندارند.

اشرف نظری و فریده عصار در سال ۱۳۸۹ در تحقیق خود به این نتیجه رسیده اند که سرانه مطالعه بسیار پایین است و مطالعه در دختران بیشتر از پسران است. آن در در تحقیق خود به این موضوع اشاره کرده اند که معلمان و مدارس می توانند نقش قابل توجهی در زمینه ارتقای میزان مطالعه دانش آموزان داشته باشند و با ارائه ی دروسی در ارتباط با آموزش مطالعه، کارهای عملی و پژوهشی، برگزاری کلاس های آموزشی روش صحیح مطالعه، برگزاری مسابقات کتابخوانی و غنی نمودن کتابخانه های مدارس و نگرش نسبت به مطالعه را در دانش آموزان گسترش دهند.

گردآوری اطلاعات

شواهد ۱

هدف اصلی این پژوهش بررسی علل بی علاقه بودن اعضای نونگاه دختر مرکز فرهنگی و هنری کتالم به فعالیت پژوهش و راهکار ایجاد انگیزه و علاقه در اعضای نونگاه دختر به فعالیت پژوهش این مرکز است. این شناخت و بررسی می تواند ما را در جهت برنامه ریزیهای بهتر با دید کارشناسانه برای کودکان و نوجوانان در زمینه پژوهش، لذت بردن اعضا از فعالیت پژوهشی، آموزش روشهای پژوهشی جهت حل مسائل در زندگی روزانه اعضا، ترغیب اعضای نونگاه دختر به شرکت در فعالیت های گروهی و حضور مستمر در مرکز و همچنین کیفیت بخشی به فعالیت پژوهشی مرکز یاری کند. در این تحقیق تقویت انگیزه های دخیل در فعالیت های گروهی پژوهش، اصولی و هدفمند و با برنامه و نیز تقویت انگیزه و علاقه به پژوهش مد نظر بوده است. این اقدام پژوهی از آن جهت که به بررسی عوامل افزایش انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی اعضای نونگاه دختر می پردازد حائز اهمیت و ضرورت است. چرا که قشر عظیمی از اعضای مرکز را دختران نونگاه تشکیل می دهد، و با وجود این که در کتابخانه عضو می شوند ولی به فعالیت پژوهشی روی نمی آورند. متأسفانه طی چند سال اخیر انگیزه ی فعالیت گروهی پژوهشی به شدت کم شده است که برای رفع این مسئله نقش خانواده به عنوان کوچکترین و در عین حال مهمترین واحد اجتماعی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مدرسه و کتابخانه های عمومی بسیار پررنگ تر است. از نتایج این پژوهش نیز می توان در جهت بازنگری در فعالیتهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتابخانه های عمومی استفاده کرد.

ابزار گردآوری اطلاعات

- ۱- استفاده از نرم افزار کتابداری
- ۲- بررسی آمار اعضای نونگاه
- ۳- انتخاب نمونه مورد مطالعه
- ۴- مصاحبه با اعضا و والدین و کارشناسان حوزه

روش گردآوری اطلاعات

در گام نخست به نرم افزار کتابداری مرکز مراجعه نمودیم و اعضای که با توجه به سن شان نونگاه محسوب می شدند و در گروه سنی مورد مطالعه نیز قرار می گرفتند را مشخص کردیم. گام دوم ابتدا با والدین اعضای مورد تحقیق صحبت کردیم و در مورد تحقیق مورد نظر توضیحاتی به آنها داده شد و مقرر شد در این مسیر ما را یاری نمایند.

سوالات مصاحبه و گفتگو با اعضا

- ۱- فعالیت های گروهی و پژوهشی را دوست دارید؟
- ۲- میزان علاقه شما به فعالیت پژوهش چقدر است؟
- ۳- دلایل علاقه یا عدم علاقه شما چیست؟
- ۴- والدین شما چقدر شما را به فعالیت پژوهش علاقه مند کرده اند؟
- ۵- فعالیت های دیگر کانون چقدر شما را به فعالیت پژوهش علاقه مند کرده اند؟
- ۶- ارتباط مربیان باشما و فضای فعالیت های پژوهشی چه تاثیری بر انگیزه و علاقه شما به شرکت در فعالیت پژوهش داشته است؟

بعد از مصاحبه با اعضا متوجه شدیم که هریک از آنها دلایل مختلفی برای علاقه یا عدم علاقه به فعالیت پژوهش دارند:

- ۱- عدم مهارت لازم در انتخاب موضوع مورد پژوهش و مراحل اجرا
- ۲- بعضی از اعضا از فعالیت گروهی و پژوهش گریزانند.
- ۳- فعالیت های شاهنامه خوانی و نمایش خلاق و بازدید های علمی را از جمله فعالیت هایی دانستند که باعث علاقه آنها به فعالیت پژوهشی را زیاد میکند.
- ۴- استفاده بیش از حد از تکنولوژی جدید و استفاده از تلفن همراه.
- ۵- تاثیر رفتار مربی بر میزان علاقه آنها به فعالیت پژوهشی زیاد بوده است.
- ۶- کمبود منابع اهم از کتاب و فیلم و ... در کانون و کتابخانه ها جهت تحقیق.

سوالات مصاحبه و گفتگو با والدین

- ۱- آیا میزان تشویق والدین به فعالیت پژوهشی ، بر پیشرفت تحصیلی اعضا موثر است ؟
 - ۲- آیا میزان حمایت و تشویق والدین در علاقه مند سازی اعضا به فعالیت پژوهش موثر است ؟
 - ۳- چه مقدار از درآمد خود را صرف خرید کتاب های غیردرسی می نمایید؟
 - ۴- میزان علاقه ی شما به فعالیت های پژوهشی چقدر است و از میزان علاقه فرزند خود به فعالیت پژوهش چقدر اطلاع دارید؟
 - ۵- رفتار مربی را تا چه میزان بر فعالیت پژوهشی و افزایش انگیزه و علاقه عضو به فعالیت پژوهش موثر می دانید؟
 - ۶- کدام فعالیت کانون را در افزایش میزان علاقه اعضا به فعالیت پژوهش موثر میدانید؟
- بعد از صحبت با والدین نتایج زیر بدست آمد:
- ۱- اکثر والدین فعالیت پژوهش و مطالعه کتابهای غیر درسی را در پیشرفت تحصیلی اعضا موثر می دانستند.
 - ۲- تعدادی از والدین علاقه به فعالیت پژوهشی نداشتند که این خود می تواند بر میزان فعالیت پژوهشی اعضا تاثیر داشته باشد.

می توان گفت میزانی که والدین از درآمد خود برای خرید کتابهای غیر درسی هزینه می کنند کمتر از ۱۰ درصد است.

۴- اکثر والدین از میزان علاقه فرزند خود به فعالیت پژوهشی اظهار بی اطلاعی می کردند به همین دلیل از تشویق به این فعالیت هم خبری نیست.

۵- تقریباً همه ی والدین رفتار مربی را بر میزان علاقه عضو و شرکت در فعالیت پژوهش بسیار موثر می دانند.

۶- بیشتر والدین فعالیتهای کتابخوانی و معرفی کتاب ، بازدیدهای علمی و نمایش فیلم را برای تشویق اعضا به شرکت در فعالیتهای پژوهشی موثر می دانستند.

تجزیه و تحلیل داده ها

جدول شماره ۱

آمار فعالیتهایی که بیشترین شرکت کننده ی اعضای دختر نونگاه را در آن شاهد بودیم و تعداد دفعات اجرا و تعداد اعضای دختر نونگاه براساس نرم افزار کتابداری مرکز :

سه ماهه اول ۱۴۰۲

فعالیت ها	تعداد دفعات اجرا	تعداد اعضای دختر
شاهنامه خوانی روخوانی کتاب	25	225
نمایش خلاق	14	225
بازدید علمی	1	9

راه حل پیشنهادی

پس از صحبت با همکاران و کارشناسان و والدین و مشاهده نرم افزار کتابداری راهکارهای زیر پیشنهاد شد:

۱- همکاری بیشتر مربیان والدین اعضای گروه پژوهش در انتخاب موضوع پژوهشی اعضا.

۲- مشارکت بیشتر اعضا در فعالیتهای گروهی به ویژه پژوهش.

۳- زمانبندی مناسب برای کارگاه پژوهشی با مشورت اعضا .

۴- تشویق اعضای که در مرکز به فعالیتهای گروهی می پردازند .

۵- روخوانی گروهی کتاب و قصه خوانی گروهی و اجرای نمایش خلاق.

۶- شاهنامه خوانی و خوانش شعرهای مورد علاقه اعضا به صورت گروهی .

۷- بازدید های علمی و ...

۸- اختصاص یک پانل مجزا و جداگانه برای کارگاه پژوهشی و ...

اجرای راه حل ها

راهکارهایی که در این مرحله ارائه شده با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات بخش شواهد ۱ ، مصاحبه با والدین و مربیان و مطالب بخش پیشینه پژوهش بدست آمده است.

تهیه پانل پژوهش توسط اعضا و مربی

اعضا به صورت گروهی با کمک مربی پانلی را در مرکز به آثار و نامه ها و فراخوان های پژوهشی اختصاص دادند و با کمک هم به تزئین آم پرداخته و طبق قراری که با هم در کارگاه پژوهشی گذاشتند روز و زمان کارگاه را تعیین نموده و مدیریت پانل را با هم برنامه ریزی نمودند و قرار بعدی اعضای گروه پژوهش این بود که قبل از شرکت در کارگاه پانل پژوهش را مطالعه نمایند.

اجرای فعالیت روخوانی کتاب (شاهنامه خوانی)

با توجه به سوالات و گفتگوهایی که با اعضا و والدین آنها صورت گرفت و پاسخ هایی که دادند و با توجه به مشاهدات که نشان از علاقه اعضا به فعالیت های گروهی و مشارکتی هست فعالیت روخوانی کتاب و شاهنامه خوانی برای اعضای نونگاه دختر به اجرا گذاشته شد. به این شکل که هر جلسه بخش هایی از یکی از جلد های کتاب شاهنامه در کارگاه توسط اعضای گروه روخوانی شد و سوالات اعضا در مورد داستانها و شخصیت های شاهنامه توسط مربی پاسخ داده می شد و به انتخاب خود اعضا هر جلسه نمایش خلاق داستان خوانده شده توسط اعضا اجرا می شد.

اجرای نمایش خلاق

نمایش خلاق یکی از مهمترین ابزار انتقال مفاهیم به اعضای نونگاه است و هنگامی که عضو نونگاه برای اجرای یک قطعه نمایش آموزشی خود به دنبال درک موضوع می رود دیگر مربی به طور مستقیم به او درس نمی دهد. بلکه سوالی که برای او پیش می آید پاسخ می دهد. این هدف آموزش نوین است. در این فضا عضو نونگاه زمینه ای برای خلاقیت و بروز خود می بیند، حرف می زند، ابراز وجود می کند. او کتاب را می خواند متن نقش خود را حفظ میکند تا آن را درست بازی کند. با توجه به علاقه اعضا به اجرای نمایش بعد از روخوانی داستانهای شاهنامه و انتخاب نقش ها این فعالیت به صورت پانتومیم، نمایش خلاق و نمایشنامه خوانی اجرا شد. نمایش خلاق یکی از فعالیت هایی بود که مورد علاقه زیاد اعضا قرار گرفت و باعث افزایش میزان مطالعه و و کتابخوانی و همچنین علاقه مندی به فعالیت گروهی پژوهش در اعضای نونگاه دختر شد.

نتیجه گیری

از آنجایی که فعالیت گروهی در دوران کودکی و نوجوانی یکی از عناصر اصلی و تاثیرگذار در شکل گیری شخصیت است، آشنا کردن این نسل با جستجوگری و روشهای تحقیق و مراحل پژوهش تاثیر بسزایی در رشد و تکامل ابعاد مختلف شخصیتی دارد و کودکانی جستجوگر و با اعتماد به نفس بالایی به ثمر می نشاند. بنابراین توجه به این امر مهم موجب تربیت افرادی سالم و در نهایت شکل گیری جامعه سالم خواهد شد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نقش بی بدیل و شایسته ای در این فرایند دارد و کوشش های مربیان هم متمرکز بر این موضوع است. ترویج فرهنگ مطالعه و فعالیت های گروهی از اهداف مهم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. با توجه به اینکه یکی از دغدغه های مرکز فرهنگی هنری کتالم عدم علاقه به فعالیت پژوهش نونگاه دختر بود و در این مسیر با ارائه راه حل های مختلف و اجرای آنها توانستیم به وضعیت مطلوبی دست یابیم. بر همین اساس این پژوهش با عنوان " چگونه توانستم انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی را در اعضای نونگاه دختر مرکز فرهنگی هنری کتالم افزایش دهیم؟" انجام گردید. در این پژوهش با ارائه راه حل هایی چون " همکاری بیشتر مربیان، والدین و اعضای گروه پژوهش در انتخاب موضوع پژوهشی اعضا" مشارکت بیشتر اعضا در فعالیت های گروهی به ویژه پژوهش " زمانبندی مناسب برای کارگاه پژوهشی با مشورت اعضا " "تشویق اعضای که در مرکز به فعالیت های گروهی می پردازند " "روخوانی گروهی کتاب و قصه خوانی گروهی و اجرای نمایش خلاق " "شاهنامه خوانی و خوانش شعرهای مورد علاقه اعضا به صورت گروهی " "نمایش فیلم " اختصاص یک پانل مجزا و جداگانه برای کارگاه پژوهشی و ... به نتایجی در این زمینه دست یافتیم و توانستیم اعضای نونگاه مرکز فرهنگی هنری کتالم را به فعالیت گروهی پژوهش علاقه مند سازیم. و سه گروه سه نفره علاقه مند به شرکت در کارگاه های پژوهش آقای سعید عشوریان شدند.

لازم به ذکر است در سال جاری سه عنوان پژوهش در دستور کار اعضا قرار گرفت. که عبارتند از:

- بررسی تفاوت زندگی ماهیان سرد آبی (ماهی سفید) و ماهیان گرم آبی (قزل آلا)
- بررسی مسئله حجاب در قرآن و جامعه اسلامی.
- تاثیر نماز و روزه بر اخلاق و سلامت روح و روان نوجوانان.

و در سال ۱۴۰۳ دو مورد اول به واحد پژوهش استان ارایه شد. و مورد آخر هم در دست اقدام می باشد. با انجام این اقدام پژوهی اینطور می شود نتیجه گرفت که برای فعالیت گروهی پژوهش در انتخاب موضوع و اجرا باید در کنار اعضا بود و با صبر و حوصله به سوالات آنها گوش و پاسخ مناسبی داده شود و در این راه از فعالیت‌های متنوع و تشویق‌ها دریغ ننمود. مربی مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مرکز کتالم که خود مربی کارگاه پژوهش اعضا می باشد در جذب مخاطبین کودک و نوجوان به ویژه گروه سنی نونگاه دختر، در ارائه فعالیت‌های خود با برنامه ریزی متناسب با نیازهای گوناگون و متنوع اعضای نونگاه را برطرف و آنها را هدایت و شکوفا کند. فعالیت‌هایی که با تجربه‌ها، نیازها و توانایی‌های این گروه سنی هماهنگ باشد و بر وسعت تجربه آنها بیفزاید. و با تقویت روحیه تفکر و پژوهش در جهت تشویق و علاقه مند شدن آنها به این فعالیت پژوهشی کمک کند. با در نظر داشتن موارد مطرح شده باید اذعان داشت که مراکز کانون پرورش فکری نقش بسزایی در ارتقاء سطح مطالعه کودکان و نوجوانان و تحقق این فرهنگ در جامعه دارد. راه‌های اجرایی پیش رو نیز می تواند نقش بسزایی در افزایش میزان علاقه اعضا به فعالیت‌های پژوهشی داشته باشد البته نقش مربیان و والدین در تاثیرپذیری موضوع اقدام پژوهی " چگونه توانستم انگیزه و علاقه به فعالیت پژوهشی را در اعضای نونگاه دختر مرکز فرهنگی هنری کتالم افزایش دهیم؟" کاملاً مشاهده می شود.

پیشنهادهات:

- فعالیت‌های پژوهشی در مراکز در قالب یک عنوان گروهی یا انجمن باشد تا اعضا فعال در این حوزه خود را نسبت به سایر اعضا متفاوت ببیند و در گروه تلاش کند.
- نتیجه‌ی فعالیت پژوهشی در مراکز و ستاد باید در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد تا از تجارب گروه تحقیق به نفع جامعه استفاده شود.
- پژوهشگران مورد تشویق مادی و معنوی قرار گیرند.
- مربی تسهیلگر پژوهشی برای مراکز فرهنگی و هنری جهت شناسایی آموزش اعضا در نظر گرفته شود.
- اعضای پژوهشی در کانون به بازدید علمی از موسسات و مراکز تحقیقاتی دعوت شوند.
- امکانات مطالعاتی اهم از کتاب و مجلات و مقالات متنوع جهت مطالعه گروه مورد نظر در مراکز به اندازه کافی موجود باشد.
- راهکارهای جدید برای علاقه‌مند سازی گروه نونگاه پسر را در دستور کار قرار دهیم.

محدودیت‌ها:

عدم دسترسی به آمار دفعات اجرا و تعداد شرکت کنندگان اعضای نونگاه دختر در فعالیت‌های ذکر شده در بخش تجزیه و تحلیل از طریق سامانه کتابداری. همچنین گوشی‌های هوشمند و اینترنت به جای مطالعه کتابهایی با موضوعات مناسب، متنوع و مختلف، نوجوانان را از فعالیت‌های گروهی (پژوهشی) غافل می نماید. عدم بودجه لازم برای اجرای منظم فعالیت بازدید علمی که مورد علاقه اعضای این کارگاه بوده است.

تقدیر و تشکر:

- جا دارد اینجا و در این فرصت پیش رو با سپاس از خداوند منان، از تمام کسانی که ما را در این راه یاری نمودند تشکر کنیم.
- مدیرکل محترم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران جناب آقای حامد فاضلی کبریا به پاس حمایت‌هایشان و تشویق و ترغیب مربیان به انجام پژوهش‌های موثر
- کارشناس محترم پژوهش سرکار خانم سهیلا بابایی
- اعضای نهاد پژوهش استان خانم‌ها فاطمه نعمتی و هدی کریم

پیوست

کارگاه پژوهش



اجرای نمایش خلاق



هم‌اندیشی با والدین اعضا



نشست اعضا و مربیان با عضو نهاد پژوهش استان خانم نعمتی



بازدید علمی تقدیر و تشویق اعضای پژوهش



پانل مخصوص کارگاه پژوهش



منابع

- ۱- شیوه عملی اقدام پژوهی
- ۲- امیرحسینی، خسرو (۱۳۸۴) مهارت پژوهشگری در آموزش (اقدام پژوهی)، تهران، عارف کامل، چاپ دوم
- ۳- مک نیف، جین-لوماکس، پاملا-وایهند، جک (۱۳۸۲)، اقدام پژوهی (محمدرضا آهنچیان، مترجم) تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۴۱)
- ۴- مورداد، کت-همکاری گروهی/کت مرداد، جنی ویلسون؛ مترجم حسین دانش فر-تهران: فاطمی، ۱۳۸۸. (آموزش و ارزشیابی مهارت های زندگی)
- ۵- لاریک، نانسی-چگونه بپه هایمان را به مطالعه تشویق کنیم/مترجم مهین محتاج؛ مقدمه و حواشی احمد صافی-تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۹.
- ۶- اسپیدکار، محبوبه، ۱۳۵۱-لحظه های یافتن: روش کاوشگری و پژوهش در کلاس درس برای نوجوانان ۱۲ تا ۱۴ ساله/همکاران تالیف عطیه احمدزاده-ویراستار مهرنوش تنهایی- تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۴۰۱
- ۷- بلاغت، رهاشمی، ا. (۱۳۹۱). پژوهش در علوم تربیتی و روانشناسی. تهران: انتشارات خسروشیرین



جهان کمیک؛ پلی به دنیای کتاب

ر.ب.ه. هاشمی

کارشناس آفرینش‌های فرهنگی کانون استان مازندران

دیگران به اشتراک بگذارم. با همکار خوبم آقای محمدجواد کشوری، در کتابخانه شماره ۲ ساری جلسه‌ای ترتیب دادیم و با گروهی از کودکان علاقه مند به این ژانر و والدین و مربیان مراکز گفتگو کردیم. مشاهده اشتیاق کودکان در این جلسه، باورهای پیشین مرا تقویت کرد. آن‌ها به دلیل قدرت تخیل، ارتباط بصری، و ساختار جذاب داستان های کمیک جذب آن‌ها شده بودند. این سبک، خواندن را به یک فعالیت سرگرم‌کننده تبدیل می‌کند و به کودکان کمک می‌کند تا با سرعت و لذت بیشتری وارد دنیای کتاب شوند. در این جلسه آقای کشوری برگه‌هایی را که از قبل در آن ابر سخن طراحی کرده بود در اختیار بچه‌ها قرار داد تا آن‌ها نوشتن و نقاشی را برای انتقال احساس خود به کار ببندند. نتیجه بی نظیر بود.

کمیک‌ها می‌توانند پلی برای عبور از دنیای تصویر به دنیای کلمات باشند. آن‌ها دروازه‌ای برای ورود کودکان به دنیای ادبیات محسوب می‌شوند، به‌ویژه برای آن‌هایی که مانند سپهر، ابتدا با دنیای بصری ارتباط بهتری برقرار می‌کنند.

کمیک‌ها با داستان‌های جذاب، شخصیت‌های به یاد ماندنی و روایت‌های پرماجر، می‌توانند اولین قدم در مسیری باشند که به مطالعه عمیق‌تر و علاقه به انواع دیگر کتاب‌ها منتهی می‌شود. این ژانر نه تنها یک سرگرمی، بلکه یک ابزار آموزشی و فرهنگی ارزشمند است که می‌تواند به کودکان کمک کند تا مهارت‌های درک مطلب، تجزیه و تحلیل بصری و خلاقیت خود را تقویت کنند. در نهایت، متوجه شدم که مهم‌ترین نکته این است که فرزندانمان را در دنیایی که به آن علاقه دارند همراهی کنیم، چرا که گاهی پلی که برای ورود به دنیای کتاب‌ها نیاز داریم، از جنس جوهر و کاغذ

کتاب‌ها برای من همیشه نمادی از دانش، آرامش، و ماجراجویی بوده‌اند. از کودکی با آن‌ها انس گرفته‌ام و این عادت را در فرزندانم نیز جست‌وجو می‌کردم. پسر بزرگم به راحتی در این مسیر قرار گرفت، اما برای پسر، این راه متفاوت بود. او برخلاف برادرش، چندان به کتاب‌های متنی علاقه‌ای نشان نمی‌داد و این موضوع برای من به عنوان یک والد همچنین مربی کانون دغدغه بود. با این حال، متوجه شدم که او به علائم و نشانه‌های تصویری واکنش خوبی نشان می‌دهد و مفهوم آن‌ها را به سرعت درک می‌کند.

نقطه عطف این ماجرا زمانی بود که او به خواندن کتاب‌های کمیک روی آورد. در ابتدا، ذهن مقایسه‌گر من، این علاقه را به سادگی متن و سرعت بالای به پایان رسیدن داستان نسبت می‌داد، اما مدتی بعد دریافتم که دنیای کمیک بسیار فراتر از این تصورات است. گفتگو با یک کتابفروش در بخش کودک «شهر کتاب» دیدگاه مرا تغییر داد. او توضیح داد که ناشران متعددی به این ژانر روی آورده‌اند و کمیک‌ها مخاطبان گسترده‌ای دارند. این سخن، جرقه‌ای در ذهن من زد تا درباره این جهان جدید بیشتر مطالعه کنم.

برای شناخت عمیق‌تر، کتاب «تاریخچه کمیک در جهان»، تألیف مرجان نعمتی از انتشارات نظر را تهیه کردم. مقدمه کوتاه و دو صفحه‌ای فرشید مثقالی به تنهایی دریچه‌ای نو به روی من گشود و ارزش یک کلاس آموزشی را داشت. به تدریج فهمیدم که کمیک‌ها تنها مجموعه‌ای از تصاویر و متن‌های کوتاه نیستند، بلکه یک فرم هنری با تاریخچه‌ای غنی و ساختاری پیچیده هستند. آن‌ها داستان‌گویی را با زبان بصری ترکیب می‌کنند و یک تجربه خوانش پویا و چندبعدی را برای خواننده فراهم می‌آورند. این درک جدید مرا بر آن داشت تا تجربه خود را با



استفاده از کمیک در معرفی‌ها:

برای آموزش مفاهیم تاریخی، علمی، یا ادبی، به جای استفاده از متون سنگین، از کمیک‌های مرتبط استفاده کنید. برای مثال، می‌توان از کمیک‌هایی که زندگی مشاهیر یا داستان‌های تاریخی را به تصویر کشیده‌اند، برای جذاب‌تر کردن آموزش بهره برد. این روش، یادگیری را برای اعضا آسان‌تر و لذت بخش‌تر می‌کند.

برگزاری نشست با نویسندگان و تصویرگران:

با همکاری واحد کارشناسی، از نویسندگان و تصویرگران این ژانر دعوت کنید تا در کانون حضور پیدا کنند و درباره فرآیند خلق یک کمیک صحبت کنند. این کار می‌تواند انگیزه اعضا و مربیان را برای تولید محتوای خلاقانه افزایش دهد و درهای جدیدی از هنر و ادبیات را به روی آن‌ها بگشاید.

در نهایت، مهم این است که ما به دنیای کودکان احترام بگذاریم و از ابزارهایی که برایشان جذاب است، برای رسیدن به اهدافمان در کانون استفاده کنیم.



نیست، بلکه از جنس رنگ و تصویر است.

پیشنهاد می‌کنم شما هم تجربیات خودتان را در این باره با ما در واحد کارشناسی به اشتراک بگذارید شاید بتوانیم گام‌های خوبی برای کانون و مخاطبان عزیز آن برداریم.

پیشنهادهایی برای همکاران مراکز:

با توجه به این تجربه، در ادامه چند پیشنهاد عملی برای مربیان و همکاران گرامی ارائه می‌شود تا بتوانند از کمیک‌ها به عنوان ابزاری مؤثر در مراکز کانون استفاده کنند:



تشکیل گروه‌های کمیک‌خوانی:

در مراکز خود، ذیل برنامه‌های توسعه و ترویج کتابخوانی گروه‌های کتابخوانی با محوریت کمیک‌ها تشکیل دهید. از اعضا بخواهید تا کمیک‌های مورد علاقه خود را معرفی کنند. در این جلسات، می‌توان درباره شخصیت‌ها، داستان‌ها و تصاویر گفتگو کرد و با طرح سؤالاتی ساده، اعضا را به تحلیل بصری و داستانی تشویق نمود. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از داستان پیدا کنند.

برگزاری کارگاه‌های «خودت یک کمیک بساز»:

با استفاده از برگه‌های «اُبر سخن» یا ابزارهای مشابه، کارگاه‌هایی برگزار کنید که اعضا در آن داستان کوتاه خود را بنویسند و آن را به صورت کمیک به تصویر بکشند. این فعالیت به آن‌ها کمک می‌کند تا مفاهیم داستان‌پردازی مانند شخصیت‌سازی، پیرنگ و روایت را به شکل عملی تمرین کنند. همچنین، برای اعضا علاقه‌مند به تاریخ و هواپیما، می‌توان کمیک‌هایی با همین موضوعات تهیه کرد تا آن‌ها را به مطالعه و تصویرسازی در زمینه‌های مورد علاقه‌شان ترغیب کرد.



قدرت جادویی شارلی

فائزه رسکتی، مربی فرهنگی و رابط آفرینش های ادبی مرکز قائمشهر

یادداشتی بر کتاب «واقعاً جدی جدی»، نوشته امیلی ریوار و ترجمه پرناز نیری

علم، روانکاوی و دارودرمانی نتوان به آن دست یافت. معجزه ارتباط در این داستان به خوبی نشان داده شده ارتباط از سالها قبل شکل گرفته صمیمیتی که پدربزرگ در سالهای کودکی شارلی ایجاد کرده، فضایی که با قصه های هیجان انگیز در ذهن کودک ساخته، مقدمه های می شوند برای رسالت جدید کودک، اینکه حالا نوبت من است، چوب جادوگری در دستان من است پس از کلاه شعبده ها بیرون می آورم، به قیمت لبخندی کمرنگ حتی.

شارلی در تلاطم بیماری، تنهایی و سکوت پدربزرگ و غصه های خانواده اش، مسیرش را یافته. او نمی دهد مستاصل و بلا تکلیف و ناامید نمی ایستد، به بیماری پدربزرگ تن نمی دهد، در دنیای کودکانه اش قصه ها جریان دارند، هنوز هم می شود با قصه شادی را به قلبی هدیه کرد، حتی اگر آن قلب، قلب بیمار پدربزرگ باشد که اسیر فراموشی شده است.

شارلی به مدد قصه گویی و داستان پردازی هایی که از پدربزرگش آموخته به جنگ بیماری آلزایمر می رود، به جنگ یک بیماری خیلی بد که به سراغ پدربزرگ آمده حافظه و کلمه هایش را خورده حتی خنده هایش را هم قورت داده است.

جادوی کلمات در قصه های پدربزرگ در عمق جان کودک نشسته است جوری که مانند چوب جادوگران در دست هایش به حرکت در می آیند و هر بار با قصه های تازه و روایتی جدید گره از مشکلات پدربزرگ باز می کنند. هرچند ری اکشن های پدربزرگ بسیار پیش پا افتاده و ساده اند، ولی برای پسرک موفقیتی بزرگ محسوب می شوند. لبخندی که بر لب های پدربزرگ می نشیند، غذایی که خورده می شود و حتی نگاه های پدربزرگ وقتی دیگر به ماشین ها نگاه نمی کند، پیروزی بزرگی در دنیای کودکانه شارلی است. موفقیتی که شاید به مدد



می‌توان نماد دو قشر از جامعه دید دو قشر از جامعه که از هم دور مانده‌اند و گفتگو، پل ارتباطی و تعامل بین آنهاست کودکانی از نسلی نو و کهنسالانی از سال‌های دور که کلید ارتباط را گم کرده‌اند و پر کردن فاصله بین آنها با یاری واژه‌ها، قصه‌ها و افسانه‌ها ممکن خواهد شد.

داستان از کلیشه‌های همیشگی پدربزرگ دانا و همه چیزدان، فاصله گرفته، این بار پدربزرگ به ظاهر قدرتش را از دست داده، تسلیم بیماری شده غذا نمی‌خورد، از پنجره به خیابان نگاه می‌کند و سکوت بی‌لبخند. کودک داستان هم منتظر راه حل بزرگترها نمی‌ماند با روش خودش جلو می‌رود. نقش منفعل پدر و مادر در داستان، پررنگ است شاید تعمد نویسنده بر این امر باشد تا دو شخصیت اصلی، برجسته‌تر دیده شوند.

انتخاب زاویه دید اول شخص و روایت از زبان کودک، بر صمیمیت فضای داستان می‌افزاید، کودکی که تا انتهای داستان امیدوار پیش می‌رود و با قدرت جادوی اش می‌تواند لبخند را به لب‌های پدربزرگ برگرداند، واقعاً جدی جدی.

نوشتن برای کودکان راه رفتن روی لبه تیغ است خصوصاً نوشتن در خصوص موضوعاتی مانند غم ناراحتی و بیماری - که به ظاهر مسائل مبتلا به گروه سنی مخاطبین کتاب نیستند - مهارت نویسنده در این کتاب به خوبی نمایان می‌شود وقتی به جای جملات غمبار و کلیشه‌ای از زاویه دیگر و شیوه‌های نو با این پدیده مواجه می‌شود، جوری که برای کودکان قابل درک و باور باشد. درسی برای مقابله با بحران‌ها زندگی‌شان.

کودکان جز زیبایی نمی‌بینند آنها لایه‌های درد را کنار می‌زنند و لبخند را به لب‌های بی‌رمق بزرگترها برمی‌گردانند این مهارت را از تجربه‌های خردسالی‌شان، لمس دنیا و احساسات پاکشان آموختند، الواح سفیدی که آینه وار می‌درخشند.

کودک صرف نتیجه کارش، مهارت حل مسئله را به خوبی به کار می‌برد. از مدت‌ها قبل به داستان جدیدش فکر می‌کند، تخیلش را پر و بال می‌دهد، حتی از شخصیت‌های داستان‌های پدربزرگ هم کمک می‌گیرد، بازسازی می‌کند و داستانی جدید می‌سازد با هدفی جدید.

شاید اگر پدربزرگ داستان‌ها را صرفاً برای لذت بردن و هیجان انگیز بودن و سرگرمی بازگو می‌کرد، این بار نوه کوچک هدفمند است برنامه‌ریزی دارد، در ذهنش برای هر مشکل راهکاری جدید می‌یابد. کودک بی‌خیال قضاوت‌ها و درست و نادرست بودن کارش جلو می‌رود و هر عکس‌العملی از سوی پدربزرگ، امید را در او ریشه‌دارتر می‌کنند، دست از تلاش بر نمی‌دارد حتی از اینکه پدربزرگ او را نشانسد غمگین نمی‌شود، ناامید نمی‌شود، نقشه را تغییر می‌دهد "چون اسم واقعی من این نیست من کلودیو اسپرانزو یک شعبده باز ماهرم که قیافم را عوض کردم تا مرا نشاناسید"

در داستان "واقعاً جدی جدی" کودک و پدربزرگ را



یک تجربه در دل سایه ها قصه ها جان می گیرند

رقيه رحمان پور، مربی فرهنگی مرکز فرهنگی هنری ادبی آمل

قصه گویی خلاق با نمایش سایه ای: تجربه ای مشارکتی با کودکان در ساخت عروسک و اجرای داستان

چکیده:

تجربه ای عملی از ترکیب قصه گویی، ساخت عروسک با مواد دورریختنی و اجرای نمایش سایه ای توسط کودکان ۷ تا ۱۰ ساله ارائه می شود. این فعالیت با هدف تقویت خلاقیت، مشارکت گروهی، و مهارت های ارتباطی کودکان طراحی و اجرا شد. انتخاب داستان هایی مانند «شبه خیر خرس کوچولو» و «هر کاری راهی دارد»، زمینه ای مناسب برای هم ذات پنداری و بازآفرینی شخصیت ها فراهم کرد. در ادامه، مراحل اجرا، دستاوردهای آموزشی و بازخوردهای کودکان بررسی می شود.

مقدمه:

قصه گویی یکی از کهن ترین و مؤثرترین ابزارهای آموزشی در فرهنگ های مختلف است. ترکیب قصه با عناصر نمایشی، به ویژه نمایش سایه ای، می تواند تجربه ای چندحسی و مشارکتی برای کودکان خلق کند. در این پروژه، تلاش شد تا کودکان نه تنها شنونده ی داستان باشند، بلکه در بازآفرینی و اجرای آن نیز نقش فعال ایفا کنند.

مراحل اجرا:

- انتخاب و روایت قصه.
- در آغاز، دو داستان کوتاه و تأثیرگذار برای کودکان روایت شد.
- شبه خیر خرس کوچولو (داستانی درباره ی امنیت، محبت و خواب آرام).
- هر کاری راهی دارد (داستانی درباره ی پشتکار، خلاقیت و حل مسئله).

قصه ها با لحن نمایشی و همراهی با موسیقی ملایم اجرا شدند تا فضای ذهنی کودکان برای ورود به دنیای داستان آماده شود.



□ گفت‌وگو درباره شخصیت‌ها

پس از قصه‌گویی، با کودکان درباره‌ی شخصیت‌های داستان گفت‌وگو شد کدام شخصیت را بیشتر دوست داشتند؟ اگر جای آن شخصیت بودند، چه کار می‌کردند؟ آیا می‌خواهند شخصیت جدیدی به داستان اضافه کنند؟ این مرحله باعث تقویت تفکر خلاق و هم‌ذات‌پنداری شد.

□ ساخت عروسک با مقوای دورریختنی

کودکان با استفاده از مقوای دورریختنی ی، چوب بستنی، نخ، چسب و قیچی شخصیت مورد علاقه‌ی خود را به شکل عروسک سایه‌ای ساختند. برخی کودکان حتی شخصیت‌های جدیدی خلق کردند که در داستان اصلی وجود نداشت.

□ تمرین و اجرای نمایش سایه‌ای

با استفاده از یک جعبه نمایش (ساخته‌شده از کارتن و پارچه سفید) و چراغ مطالعه، صحنه‌ی نمایش سایه‌ای آماده شد. کودکان در گروه‌های کوچک، داستان را بازآفرینی کردند و با عروسک‌های خود به اجرا پرداختند. برخی گروه‌ها دیالوگ‌های جدیدی برای شخصیت‌ها نوشتند و برخی از موسیقی و افکت‌های صوتی استفاده کردند.

□ مهارت نحوه تقویت

□ خلاقیت طراحی شخصیت و ساخت عروسک

□ مهارت‌های کلامی گفت‌وگو، دیالوگ‌نویسی

□ روایت داستان

□ کار گروهی هماهنگی در اجرا، تقسیم نقش‌ها

□ بازیافت و محیط‌زیست استفاده از مواد دورریختنی

□ اعتماد به نفس اجرای نمایش در برابر دیگران

نتیجه‌گیری:

این تجربه نشان داد که ترکیب قصه‌گویی با نمایش سایه‌ای، نه تنها یک فعالیت سرگرم‌کننده، بلکه ابزاری مؤثر برای رشد عاطفی، اجتماعی و خلاقانه‌ی کودکان است. مشارکت فعال در ساخت و اجرا، به کودکان حس مالکیت و اعتماد به نفس می‌دهد و آن‌ها را از شنونده‌ی منفعل به خالق داستان تبدیل می‌کند.

پیشنهاد برای مربیان:

□ از داستان‌های ساده و قابل لمس برای کودکان استفاده کنید.

□ اجازه دهید کودکان شخصیت‌های جدید خلق کنید.

□ از موسیقی، نور و صدا برای غنای اجرا بهره ببرید.

یک تجربه

چرا بچه ها شنیدن قصه های تکراری را دوست دارند؟

مریم فلاحتی نرمی، مربی مسئول مرکز فرهنگی هنری ادبی نشتارود



دهند. پس، از گفتن قصه های تکراری امتناع نکنیم و با مهربانی قصه هایی را که دوست دارند بارها و بارها تکرار کنیم.

این بدان معنا نیست که کلمات را عمداً جا بیندازیم و یا حتی از چند صفحه بخاطر تکراری بودن عبور کنیم. اتفاقاً من معتقدم قصه های تکراری را باید با توجه و دقت بیشتری برای کودکان اجرا کرد زیرا کودک بنا بر علاقه و دلایل شخصی به قصه خاص توجه و کشش زیادی دارد و به آن حساس است. همچنان کودکان به شدت کنجکاو و دقیق هستند و اگر هر بار به درستی اجرا نشود، حس دست کم گرفته شدن را از جانب شما احساس کرده و بی اعتماد می شوند.

پیشنهاد می کنم: برای اینکه از خواندن یک کتاب تکراری و یا گفتن یک قصه ی تکراری لذت ببریم و آن را راحت تر تحمل کنیم، بهتر است در پایان برخی از جملات که می دانیم دیگر به خاطر سپرده اند کمی مکث کنیم و با لبخند کودک را به بازی کشیده و از او بخواهیم جمله را کامل کند. این شیوه در کودکان رقابت ایجاد کرده و حس خوشایندی از بلد بودن و اعتماد به نفس به او می دهد.

۱- دکتر دیورا رایت، روانشناس کلینیکی و مدیر سلامت روانی

شاید جمله «خانم مربی، دوباره اون قصه را برامون تعریف می کنین؟» را بارها از بچه ها شنیده باشید. که از شما تقاضای شنیدن یک قصه ی تکراری را دارند.

واقعاً چرا کودکان شنیدن قصه های تکراری را دوست دارند؟

کودکان تشنه ی یادگیری هستند و این یادگیری از طریق تکرار قصه ها و حرف ها برای شان آسان تر است و در عین حال لذتی غیرقابل وصف دارد. هر تکرار به خلق ارتباطاتی میان نوروں های مغزی کودک منجر می شود و به این ترتیب فرایند یادگیری در او تقویت شده و کودک می تواند ارتباط قوی تری پیدا کند. ۱

برای مربیان و والدین خواندن یک داستان تکراری و یا اجرای چند باره ی یک قصه کاری خسته کننده و ملال آور است اما برای کودکان کاری بس مهیج و جذاب. کودک به قصه گوش می دهد و محو صدا و گفتار و اجرای شما شده و به تصویرسازی ذهنی پرداخته و پیش بینی می کند که قرار است از زبان شما چه بشنود. دقیقاً مانند تماشای چند باره ی یک فیلم خوب است که با یک یا چند شخصیت فیلم

همزادپنداری می کنیم. کودک هم به همین شکل هنگام گوش سپردن به قصه خود را برای بار چندم به جای شخصیت ها گذاشته و با آنها احساس نزدیکی پیدا می کند. از طرفی کودکان دوست دارند از پایان قصه ها آگاه باشند. در واقع این کار به آنها احساس قدرت و دانایی می دهد و اگر در سن زیر دبستان باشند برای به خاطر سپردن قصه که لذت بخش ترین کار دنیاست نیاز دارند تا قصه را چندین بار گوش





بررسی تطبیقی دو داستان «بز زنگوله‌پا» به روایت فضل‌الله مهتدی و داستان «کی هستی؟ چه می‌خواهی؟»

از کتاب افسانه‌های مردم ترکیه، تألیف باربارا کی. واکر

فاطمه احسانی، کارشناس آفرینش‌های فرهنگی کانون مازندران

تحلیل تطبیقی از گرایش‌های مهم در مطالعات ادبی عصر جدید می‌باشد. در این حوزه، بررسی تأثیر و تأثر ادبیات ملی بر دیگر فرهنگ‌ها می‌تواند به تبیین پیوندهای تاریخی و اجتماعی ملت‌ها بیانجامد و ریشه‌های مشترک فرهنگی ملل را، در عین داشتن تفاوت‌های بسیار، آشکار سازد. مطالعه‌ی تطبیقی حاضر بر اساس مکتب آمریکایی صورت گرفته است؛ به آن معنا که اصل بر تفاوت‌ها و شباهت‌های موضوع مورد پژوهش می‌باشد.

این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تطبیقی دو داستان «بز زنگوله‌پا» و «کی هستی؟ و چه می‌خواهی؟» صورت گرفته است. پرسش اینجاست که شباهت و تفاوت‌های ساختاری در دو داستان متناظر چه می‌باشد و برخورد شخصیت‌های اصلی در مواجهه با چالش به‌وجود آمده چگونه است؟

با بررسی افسانه‌های مردم ترکیه در کتابی از باربارا واکر و افسانه‌های متفاوتی از ایران با نویسندگان مختلف، به یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در درون‌مایه‌های پرداخته شده است و متعاقب آن می‌توان شباهت‌هایی در دل تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی پیدا کرد.

در نوشتار حاضر، چند مورد از این افسانه‌ها ذکر می‌شود:

- افسانه‌ی ایرانی «بز زنگوله‌پا» متناظر با «کی هستی؟ و چه می‌خواهی؟»
- افسانه‌ی «تخودی» متناظر با افسانه‌ی «حسن، بچه‌موش»
- قهرمان داستان «روبه‌دم‌بریده» متناظر با «زاغی و شیر»
- داستان «مرغ ماهی‌خوار و خرچنگ» متناظر با «داستان سمور و خرچنگ»
- داستان «لبخند دختر پادشاه» متناظر با «کل‌اغلان»

افسانه‌های ایرانی با نام‌های متفاوت و اندک اختلافی در محتوا، در میان علاقه‌مندان سینه‌به‌سینه گشته‌اند؛ لذا ممکن است داستان‌هایی با محتوای مشترک، نام‌های متفاوتی داشته باشند. دلیل انتخاب افسانه‌ی «بز زنگوله‌پا»، نوشتار و فراگیر بودن آن می‌باشد. افسانه‌ی «بز زنگوله‌پا» از جمله داستان‌هایی است که روایت‌های متفاوتی دارد. فضل‌الله مهتدی در کتاب خود «افسانه‌های کهن» از این قصه، روایت فارسی، کردی و تاجیکی نوشته است.

خلاصه‌ی افسانه‌ی بز زنگوله‌پا:

مامان بزی برای پیدا کردن غذا به بیرون از خانه می‌رود. بزغاله‌ها «شنگول»، «منگول» و «حبه‌انگور» را در خانه تنها می‌گذارد و به آن‌ها سفارش می‌کند که در را برای غریبه باز نکنند. بعد از رفتن مامان بزی، گرگی که در همسایگی آن‌هاست به خانه می‌آید و در حین تلاش‌های ناموفق برای فریب دادن بزغاله‌ها، در نهایت موفق به باز کردن در و خوردن دو بزغاله می‌شود. بزغاله‌ی سوم که در سوراخ راه‌آب پنهان شده بود، بعد از بازگشت مادر، ماجرا را برای او تعریف می‌کند. مادر هم برای نجات فرزندش به سراغ گرگ می‌رود. روزی را برای جنگ مشخص می‌کنند و ماده‌بزرگ تا رسیدن آن روز، شاخ و دندان‌هایش را تیز می‌کند. در روز موعود، شکم گرگ را پاره می‌کند و بزغاله را نجات می‌دهد.

خلاصه‌ی افسانه‌ی «کی هستی؟ و چه می‌خواهی؟»:

ماده‌بزرگ دو بزغاله به نام‌های «مدیک» و «مدوک» دارد. وقتی برای آوردن غذا به جنگل می‌رود، خرس سیاهی که در همسایگی آن‌هاست به خانه‌ی او می‌آید و با نیرنگ (نرم کردن صدا و رنگ کردن دست) وارد خانه می‌شود. یکی از بزغاله‌ها در کیسه‌ی قاشق قایم می‌شود و خرس، بزغاله‌ی دوم را می‌خورد. مادر بعد از بازگشت، وقتی از ماجرا خبردار می‌شود، نقشه‌ای می‌کشد و با دعوت خرس به خانه، او را در چاله‌ای که از قبل آماده کرده بودند می‌اندازد، شکم خرس را پاره می‌کند و بزغاله را نجات می‌دهد.

به گفته‌ی اولریش مارزلف، ایران‌شناس آلمانی، انتشار این قصه بیش از قصه‌های دیگر است و این نشان از محبوبیت آن نزد مردم دارد. وی معتقد است ریشه‌ی این قصه به قرن پنجم میلادی می‌رسد و قصه‌ی یونانی است که بسیار کوتاه‌تر از قصه‌ی حاضر می‌باشد. در قصه‌ی ایرانی، سه بچه وجود دارد که هر سه نام‌گذاری شده‌اند، ولی در نمونه‌های غربی، هفت بچه هستند که هیچ‌کدامشان نامی ندارند. علاوه‌بر آن، در قصه‌ی ایرانی، بز به سمت گرگ درنده می‌رود و بچه‌ی خود را نجات می‌دهد؛ اما در نمونه‌های غربی، شکارچی این کار را می‌کند.

بررسی شباهت‌ها:

ماده‌بزر که در هر دو افسانه جزو شخصیت‌های اصلی می‌باشد، شخصیتی پویاست و از مادری مهربان که برای پیدا کردن غذا به جنگل می‌رود، به فراخور شرایط، تبدیل به مادری جنگجو و مبارز شده است. شخصیت‌های اصلی دیگر، گرگ و خرس می‌باشند که در هر دو قصه ایستا هستند؛ چراکه هر دو از ابتدای داستان، شخصیتی منفی داشتند. شخصیت‌های فرعی داستان، بزغاله‌ها هستند که در هر دو داستان، به‌نظر می‌رسد حضورشان برای این است که خورده شوند و این که مادر برای مادر بودن، نیاز به حضور فرزند دارد. بزغاله‌ها شخصیت‌های فرعی و ایستا هستند. مهم‌ترین نقش‌شان همان نقش خبررسانی به مادر می‌باشد. هرچند در نمونه‌ی ترکی، یکی از بزغاله‌ها به مادر در کندن زمین کمک کرد که البته مادر بدون کمک او هم می‌توانست همین مسیر را طی کند و عدم حضورش در این قسمت آسیبی به روند ماجرا وارد نمی‌کند.

در هر دو داستان، شیوه‌ی روایت‌گری خطی و به‌گونه‌ای است که از یک مقدمه شروع می‌شود: با رفتن مادر به جنگل، تنها شدن بزغاله‌ها، آمدن گرگ و تلاش‌های او، جریان قصه ادامه می‌یابد و با خورده شدن بزغاله‌ها به اوج می‌رسد. همراه با بازگشت مادر به خانه و آگاه شدن از اتفاقی که افتاده و آماده شدن ماده‌بزر برای مبارزه، شاهد جریان کاهنده در قصه هستیم. در نهایت، هر دو قصه با نجات بزغاله‌ها توسط مادر به پایان می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت الگوی ساختاری در هر دو داستان یکی می‌باشد که شامل مقدمه، جریان خیزنده، اوج، جریان کاهنده و پایان ماجرا است و در قالبی خطی روایت شده است.

در دسته‌بندی قصه‌های فرهنگ عامه از حیث درون‌مایه، هر دو داستان در دسته‌ی قصه‌های حیوانات قرار می‌گیرند و از نظر نوع ادبی، در زمره‌ی قصه‌های پندآموز می‌باشند. حیوانات چهره‌های اصلی هستند و احساسات و اعمال انسانی به آن‌ها نسبت داده شده است. در هر دو داستان، حوادث به‌صورت پیاپی و ساده اتفاق افتاده و گره‌ی اصلی در میانه‌ی ماجرا قرار دارد: مادر بزغاله‌ها را تنها می‌گذارد و به‌دنبال غذا می‌رود. دشمن می‌آید. ابتدا موفق نمی‌شود، چند بار تلاش می‌کند و بالاخره وارد خانه می‌شود. یکی از بزغاله‌های زیرک نجات پیدا می‌کند. مادر برای نجات فرزند دیگر می‌رود و بزغاله را نجات می‌دهد.

مشاهده می‌شود که شیوه‌ی بیان در هر دو قصه با گفتار عادی مردم نزدیک می‌باشد که می‌تواند از دلایل همه‌گیر بودن این افسانه باشد. هر دو افسانه‌ی متناظر از زبان سوم شخص نقل شده و همه‌چیز به‌صورت ساده و سریع، بدون پیچیدگی و ریزه‌کاری بیان شده است.

از نکات مورد توجه دیگر می‌توان به برخورد مادر هنگام تنها گذاشتن فرزندان اشاره کرد که در هر دو داستان، به‌دلیل همسایه بودن دشمن و آگاهی از خطر احتمالی، مادر نگران است و به بزغاله‌ها سفارش می‌کند که مراقب خودتان باشید و برای شیوه‌ی محافظت، به آن‌ها راهکار هم می‌دهد که حاکی از میزان نگرانی مادر و جدی بودن خطر می‌باشد. نگرانی‌های مادرانه و هشدارهای مراقبتی در هر دو فرهنگ به‌وضوح مشاهده می‌شود.

بررسی تفاوت‌ها:

مقدمه‌ی داستان «کی هستی؟ و چه می‌خواهی؟» با جزئیات بیشتر، شرایط خانواده و خانه را تشریح می‌کند. تصویری از محل سکونتشان ارائه می‌دهد که با جزئیات دربارهی در و پنجرهی چوبی موجود صحبت می‌کند. البته در میان داستان نیز از این جزئیات بهره می‌برد. می‌توان گفت این توصیف به ساختن تصویر ذهنی مخاطب کمک می‌کند و از سویی باید توجه داشت که این‌همه جزئیات و توصیف مکان ممکن است مانعی برای خیال‌پردازی ذهن کودک باشد و هر کودک نتواند محل وقوع داستان را آنگونه که می‌خواهد تصور کند.

در داستان «بز زنگوله‌پا»، تعداد فرزندان سه بزغاله است؛ اما در داستان متناظر ترکی، دو بزغاله حضور دارند. در داستان «بز زنگوله‌پا»، «جبهی انگور» در سوراخ راه‌آب پنهان می‌شود و در نمونه‌ی ترکی، در کیسه‌ی قاشق.

در داستان «کی هستی؟ و چه می‌خواهی؟»، خرس سیاه با خوردن مواد غذایی، خودش را به هدفش نزدیک می‌کند که می‌تواند حاکی از نقش پررنگ فرهنگ غذا در این سرزمین باشد. اما در «بز زنگوله‌پا»، گرگ به پاهایش حنا می‌گذارد، دستانش را با کیسه‌ی آرد سفید می‌کند و صدایش را خودش ظریف می‌سازد.

در داستان «کی هستی؟ و چه می‌خواهی؟»، ماده‌بزر، خرس سیاه را با نقشه‌ی قبلی دوباره به منزل خودش دعوت می‌کند؛ اما در «بز زنگوله‌پا»، ماده‌بزر خودش پا به قلمرو گرگ می‌گذارد.

تفاوت عمده‌ی داستان در این بخش مربوط به رجزخوانی بین گرگ و بز زنگوله‌پا می‌باشد که در داستان متناظر ترکی خبری از آن نیست. پیروزی ماده‌بزر با بهره‌گیری از تله‌ای است که برای خرس سیاه گذاشته شده؛ اما پیروزی بز زنگوله‌پا قهرمانانه و توأم با مبارزه است.

تفاوت در نوع مبارزه می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌های تاریخی و اجتماعی در هر دو فرهنگ باشد. در جامعه‌ای مانند ایران که در تاریخ خود جنگ‌ها و نبردهای فیزیکی و قهرمانانه‌ی بیشتری دارد، مانند آنچه در اسطوره‌های قهرمانی شاهنامه دیده می‌شود، مبارزات مستقیم و نبردهای تن‌به‌تن تعریف می‌شود و به ایستادگی و دفاع از ارزش‌ها در جامعه اشاره دارد. در مقابل، در فرهنگ‌هایی که به تدبیر و هوش بیشتر اهمیت می‌دهند، مانند ترکیه، قهرمانی ممکن است به استفاده از نیرنگ برای رسیدن به اهداف و حفاظت از خانواده مرتبط باشد. در فرهنگ ترکیه، این رفتار می‌تواند نشان دهنده‌ی هوش اجتماعی باشد؛ در حالی که در فرهنگ ایرانی، معنایی مانند نیرنگ، بار منفی دارد و به ذهن متبادر می‌سازد.

البته شخصیت نیرنگباز و فریبکار خودِ گرگ در برخورد با مزدخواهی دلاک نیز بی تأثیر نبود و مثل «از هر دست بدی، از همون دست می گیری» را به ذهن متبادر می کند.

بر این اساس، می توان به ساختار روانی در فضای فکری و فرهنگی ایرانی اشاره کرد که مادر برای نجات فرزند خود بی محابا وارد عمل می شود و با به خطر انداختن جان خود، اقدام به نجات جان فرزندش می کند. این رفتار از مشابهت های شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران و ترکیه سرچشمه می گیرد. البته دسته ای از پژوهشگران، این شباهت را ناشی از یکسانی قانون تکامل اجتماعی در جوامع بشری ارزیابی می کنند.

نتیجه:

داستان ها درون مایه های مشترکی دارند: حفاظت مادر از فرزند، نکوهش مکر و نیرنگ، و گوش دادن به حرف بزرگ ترها.

در داستان «بز زنگوله پا» شاهد رجزخوانی هستیم که از ویژگی های اساطیر و افسانه های ایرانی است و تحت تأثیر حال و هوای حماسی فرهنگی ایرانی می باشد. احتمال دارد این عنصر پس از ایرانیزه شدن داستان به آن اضافه شده باشد یا در داستان ترکی، با توجه به فرهنگ عثمانی، حذف شده باشد. همین نکات، مهر تأییدی است بر سفر قصه ها از فرهنگی به فرهنگی دیگر.

داستان از ریشه های قدیمی برخاسته که شأن نزول جغرافیایی آن در جوامع دام پرور می باشد. با توجه به این که فرهنگ غالب در داستان، فرهنگی شرقی است و خبری از اصول فلسفی غربی در روایت آن نیست، روایت داستان دل نشین و آرام پیش می رود. شخصیت ها بسیار ساده معرفی شده اند.

بنابراین به نظر می رسد، برخلاف اعتقاد مارزولف، ایران شناس آلمانی، این داستان نمی تواند ریشه های یونانی داشته باشد. شاید سفر قصه از ایران به یونان بوده و بنا بر شرایط اجتماعی و فرهنگی آن سرزمین، کوتاه تر شده است.

در نهایت می توان گفت با وجود همبستگی شباهت های بارز و برجسته، هر فرهنگ سعی کرده تأثیر خود را در سفر قصه بر عناصر مختلف داستان، نظیر فضا، شخصیت پردازی، گفت و گو و لحن بگذارد؛ که این امر می تواند متأثر از ویژگی های بومی و فرهنگی دو منطقه جغرافیایی باشد.

از طرفی، با بررسی درون مایه های داستان ها و نوع روایت آن ها، مشهود است که شباهت های بسیاری بین ساختار دو داستان متناظر وجود دارد. این شباهت ها ممکن است به دلیل آن باشد که تا پیش از دوره عثمانی، در بخشی از ترکیه، ساختار نوشتاری و دیوانی فارسی رایج بوده و از زمان آتاتورک، به رسم الخط ترکی تغییر یافته است.

با توجه به این که در دوران های مختلف - هخامنشی، تیموری، سلجوقی، ساسانی و اشکانی - بخش هایی از ترکیه به صورت رفت و برگشت جزئی از ایران بوده اند، به نظر می رسد این اشتراکات فرهنگی در نوع برخورد شخصیت های اصلی داستان با مشکل، اجتنابناپذیر باشد.

باید توجه داشت که داستان ها نه تنها جنبه های سرگرمی و پندآموز دارند، بلکه آینه ای از فرهنگ و تاریخ اقوام نیز هستند. تفاوت ها در داستان می تواند به شرایط اجتماعی و فرهنگی هر جامعه مربوط باشد. با توجه به فضای داستان در جوامع دام پرور و کشاورز، حیوانات در داستان ها می توانند نمادهایی از زندگی روزمره باشند؛ بنابراین نحوه معرفی و پردازش شخصیت آن ها می تواند نشان دهنده نگرش مردم نسبت به محیط زیست و چالش های روزمره آنان باشد.





آرامش

سیده نرگس حسینی

مربی آفرینش‌های ادبی مرکز فرهنگی هنری ادبی محمودآباد

آنجا از میان جمعیتی که هیچ توجهی به من نداشت، رد شدم و به پیرمرد عریان توی رودخانه نگاه کردم. این اولین تجربه‌ی من از مرگ و دیدن جنازه‌ی یک انسان بود. قبلاً بارها مردن جوجه‌های کوچکم را دیده و دفنشان کرده بودم! من غم را درک می‌کردم.

پیرمرد بی‌حرکت خوابیده بود و سرمای زیاد آب اذیتش نمی‌کرد. همه مدام صلوات می‌فرستادند. با یک لیف او را شستند و به این طرف و آن طرف غلتانددند و هنگام آب‌کشیدن چیزهایی می‌گفتند. بعد دورش را با پارچه‌ای سفید پیچیدند و حتی چهره‌اش را هم پوشانددند و دوباره در تابوت قرار دادند و راه افتادند. «لااله الا الله» گویان مسیر رودخانه تا قبرستان را طی کردند.

من نگران ظرف‌هایم شدم. دویدم تا کسی قبل از من آن‌ها را برندارد. خوشبختانه کسی آن دور و برها نبود. فقط یک گاو مهربان دنبال غذا می‌گشت که چون چیزی نیافت، راهش را کج کرد و رفت.

به چهره‌ی آرام پیرمرد فکر کردم. به سرمایی که حس نمی‌کرد. حالا چه می‌شد؟ کجا می‌رفت؟ کجا رفته بود؟ یا چه کسی قرار بود به دام‌هایش رسیدگی کند؟ می‌گفتند صبح زود رفته بود تا به اسبش کمک کند که کره‌اش را بزیاید. وقتی اسب به دنیا آمده بود، او همان‌جا سکت کرده و مرد! چه مرگ عجیبی! در آخرین لحظه‌ها، یک حیوان به دنیا آمد و یک انسان از دنیا رفت.

باز صدای صلوات آمد. آدم‌بزرگ‌ها زیاد راجع به نوع مردنش حرف می‌زدند و از این‌که چقدر آدم خوبی بوده و چه زمان خوبی رفته، هنگام نماز صبح...

می‌خواستم بشقاب‌های کج و کوله و زیبایم را توی حیاط بگذارم و ادامه‌ی ماجرا را ببینم. از کنار یک طویله رد شدم. صدای شیهه‌ی یک اسب آمد که صاحبش داشت آن را برای آوردن هیزم از جنگل

هشت‌ساله بودم. روی تپه‌ای کنار رودخانه‌ی روستا نشسته بودم؛ همان‌جا که مردم ظروف شکسته و به‌دردنخورشان را می‌ریختند تا لابد تجزیه شود! تجزیه شدن را این روزها می‌فهمم، اما آن موقع نمی‌فهمیدم چرا باید جایی باشد که مردم نخواستنی‌هایشان را در دیدرس و سر راه دیگران بریزند.

آن‌جا زباله‌ی تر نبود چون همه را گاوها و گوسفندها می‌خوردند! گاوها حتی کاغذ و کارتن هم می‌خوردند. دیدن این مناظر چقدر برایم سرگرم‌کننده و عجیب بود. یک بشقاب سرامیکی پیدا کرده بودم و داشتم با تلاش زیاد آن را به تکه‌های مساوی می‌شکستم تا برای عروسک‌هایم سرویس غذاخوری درست کنم و آشی را که با علف‌ها و گل‌های آبی و صورتی پخته بودم به خورده‌شان بدهم!

صدای صلوات از دور آمد. یکی «لااله الا الله» می‌گفت و بقیه تکرار می‌کردند و صلوات هم می‌فرستادند. صدا دور بود و مدام نزدیک می‌شد. صدای صلوات... جماعتی را دیدم که تابوتی بر شانه داشتند. آن را تا کنار رودخانه آوردند و بر زمین گذاشتند.

تابوت را قبلاً در حیاط مسجد دیده بودم؛ یک مستطیل فلزی نقره‌ای‌رنگ که خیلی به درد قایق سواری می‌خورد، اما مرا از رفتن به داخلش منع کرده بودند و می‌گفتند کثیف است و آمد ندارد! هرچه نگاهش می‌کردم، متوجه کثیفی‌اش نمی‌شدم. برق می‌زد و کنار اتاق بزرگی قرار داشت که همیشه درش بسته بود.

باز صدای صلوات آمد. زن‌ها و مردهای سیاه‌پوش دور تابوت جمع شدند. زن‌ها جیغ می‌زدند و گریه می‌کردند، اما مردها با آرامش آن آدم توی تابوت را درآوردند و وسط رودخانه گذاشتند. با خودم فکر کردم این دیگر چیست؟ چرا این کار را می‌کردند؟ برخاستم و به سمتشان رفتم. مادرم همیشه می‌گفت کنجکاو زیادت کار دست می‌دهد! اما نداد!

آماده می‌کرد. این اسب هم قرار بود مردن صاحبش را ببیند؟
تابستان‌ها که به روستای مادر بزرگم می‌رفتم، چیزهایی می‌دیدم که هیچ‌وقت امکان نداشت حتی شبیهش را در شهر تجربه کنم.

یک ماشین زیبا با راننده‌ی خانم کنارم ایستاد و گفت: «دخترم، قبرستون این‌جا کجاست؟»
نمی‌دانم چرا به تته‌پته افتادم. انگار زیبایی و تمیزی زیاد آن در مقابل سر و وضع شلخته‌ام، خجالت‌زده‌ام می‌کرد. خواستم آدرس بدهم، یادم آمد بلد نیستم. گفتم: «منم می‌رم اون‌جا، دنبالم بیاید.»
شنیدم که گفت: «سوار شو»

اما من به سرعت شروع به دویدن کردم، به سمت همان‌جا که جنازه را بردند. ماشین در میان تپه‌چاله‌ها آرام به دنبالم می‌آمد تا راه را پیدا کند. من هنوز می‌دویدم. کنارم رسید و گفت: «دخترم، ممنونم! پیدا کردم، دیگه ندو.»

من در خودم حس دویدن داشتم. تا توی قبرستان دویدم. داشتند تلقین می‌کردند. این را از میان حرفه‌های آدم‌بزرگ‌ها فهمیدم. باز هم صدای صلوات پخش شد. دلم می‌خواست بدانم چرا این‌قدر صلوات می‌فرستند! به خانه که رفتم، از خاله‌ام پرسیدم. گفت: «تو رفتی قبرستون؟ جنازه دیدی؟!»

از واکنش من می‌ترسید انگار؛ از این‌که ترس در وجودم لانه کند. من آن‌قدرها با موضوع احساس ناراحتی نمی‌کردم. همیشه در ذهنم سوالاتی بود و مدام دنبال جواب آن‌ها می‌گشتم. تمام روشنی من به آن جواب‌ها بستگی داشت.

پرسیدم: «چرا این‌قدر صلوات؟ چرا قرآن پخش کردن؟ چرا کسی گوش نمی‌کرد؟!»
گفت: «برای آرامش روح آدمی که مرده، و برای آرامش کسانی که باقی موندن. این‌طوری روح اون آدم به بهشت می‌رسه. چون مسلمونیم، این رسم رو داریم.»

هنوز در مراسم جشن تکلیف شرکت نکرده بودم. می‌دانستم ما مسلمانی. گاه‌گذاری کنار پدر و مادرم به نماز ایستاده بودم. توی خانه‌مان، قرآن در بالاترین و محترم‌ترین قسمت خانه قرار داشت و همیشه حرفه‌هایی از پیامبر نقل‌قول می‌شد. این نزدیک‌ترین تجربه‌ی من از دیدن آداب دینی هنگام یک مراسم غمگین و ناگزیر بود.

به حیاط رفتم و برای عروسک‌هایم غذا گذاشتم و به آن‌ها گفتم برای آرامش روح کسی که مرده، صلوات بفرستند. قلبم به هم فشرده شد. تازه انگار تمام آن ماجراها توی قلبم ته‌نشین شدند. به آشپزخانه دویدم تا کنار خاله‌ام باشم و نترسم. گفتم: «صلوات بفرست. قلبت آروم می‌شه!»





با چشمان بسته

فاطمه طالشی، ۱۴ ساله، مرکز فرهنگی هنری ادبی نشتارود

راه یافته به مرحله نهایی دهمین دوره جشنواره خاتم: داستان نویسی با

موضوع سیره پیامبر اکرم: حضرت محمد (ص)

مربی: مرضیه آقاجان کردی

نفس عمیقی کشید. چشمانش داشت کم کم به نور خورشید عادت می کرد. باید می رفت. اما آن خواب. خواب عجیبی بود. نمی توانست مثل دیگر خواب ها با آن رفتار کند.

هیاهوی تجارتخانه به چشمش نمی آمد، تمام فکرش پیش آن رویا بود. چشمانش را مالید و به سمت یکی از حجره هایش رفت. در حجاز هیچ زنی ثروتش به پای ثروت او نمی رسید. تجارت را به خوبی بلد بود انگار که او را برای این کار ساخته باشند. در آبی حجره مثل همیشه باز بود. یکی از کنیزان بانو با عجله وارد حجره شد.

– بانو جان! مژده دهید که کاروان شام با سودی چندان، به حجاز رسیده است. غلامان می گویند تاکنون همچین سودی در تجارت نداشتیم.

تجربه زیادی در این کار داشت و چندین بار کاروان های زیادی را به یمن و شام فرستاده بود، باورش نمی شد امین حجاز در تجارت اولش بتواند چنین سودی برای او بیاورد.

کاروان کم کم به حجاز نزدیک می شد و بانو مشتاقانه منتظر امین حجاز بود. هوای درون حجره با اینکه آن در چوبی هیچ وقت بسته نمی شد اما باز هم پر حرارت بود. دستانش خیس شده بود، بادبزنی حصیری خود را تندتر تکان می داد. چشمش به در حجره بود که نسیمی خنک روی صورتش حس کرد. ناگهان کنیزان داد زدند: «کاروان شام رسید، کاروان شام رسید.»

چندین اسب و شتر با بارهایشان وارد حجاز شدند. پیش تاز همه آنها مردی خوش قامت سوار بر اسب مشکی بود. اسب می تاخت و گرد و خاک به پا می کرد، با نزدیک شدن به حجره از سرعت اسبش کم می کرد. جلوی در حجره ایستاد. انگار می دانست بانو در حجره کوچک منتظرش است. پا در رکاب کرد و به آرامی از اسب پایین آمد. با رسیدن بقیه کاروان به تجارتخانه هیاهوهای همیشگی بیشتر شد.

– سلام پسر عمو! خسته نباشی! گفته بودند کاردانی. تا این موقع این را تنها یک حرف می دانستم. تا اینکه امروز با چشمان خودم دیدم.

نگاهی به پسر عمویش کرد. خورشید بیشتر از همیشه می تابید و چهره پسر عمویش در پرتوهای نور گم شده بود. اما آن موهای تا به شانه رسیده اش باز هم دیده می شد.

امین حجاز زیاد پیشش نمی ماند و بعد از گزارش کاری کوتاه می رود.

نگاهش به رفتن پسر عمو بود که صحبت های تاجران توجهش را جلب کرد.

– فکر می کردم فقط از پس امانات مردم برمی آید و نه از پس تجارت.

– اصلاً انگار وجود او به این تجارت برکت بخشیده.

– شما هم آن تکه ابر بالای کاروان را دیدید؟ اگر آن نبود حتماً از گرما هلاک می شدیم.

– من هم دیدمش. برایم عجیب بود که در کل مسیر همراهمان بود.

– من که می گویم آن تکه ابر مامور حفاظت از امین حجاز در برابر گرما بود.

– چه می گویی؟ آخر مگر می شود تکه ابری قادر به انجام چنین کاری شود.

از گوش دادن به حرف کاروانیان خسته شده بود. حجره را رها کرد چشم از تجارتخانه اش برداشت. دو کنیز او را تا خانه اش همراهی می کردند. با کنیزان آرام در کوچه های حجاز قدم می زد. ناگهان بانو از حرکت باز ایستاد، کنیزان هم می ایستند و به یکدیگر نگاه می کنند. این ایستادن یک دفعه آنها را متعجب کرده بود. یعنی بانو چیزی را همراه خود نیاورده است و یا در انجام کاری غفلت کرده است؟ اما چیز دیگری در ذهن بانو می گذشت. چیزی را در ذهنش احساس می کند. مانند تلنگری که یادآور اتفاق مهمی بود. سردرگم بود. خاطره ای مهم را در ذهن خود گم کرده بود. می خواست بی توجه به این تلنگر به راه خود ادامه دهد. اما تا قدم دیگری برداشت دوباره تلنگری را حس کرد. نمی توانست بی توجه از آن ماجرا رد شود. نه اراده برداشتن قدم دیگری را داشت نه آن خاطره گمشده را به یاد می آورد. در جای خود ایستاده بود و نگاه به زمین دوخته بود. با تمام حواس خود دنبال تیکه گمشده ذهنش می گشت. با تلنگر سوم همه چیز را به یاد می آورد.

- صبح. خواب. آن خواب عجیب.
هراسان دور و برش را نگاه کرد. به دنبال خانه عمویش ورقه بن نوفل می گشت. او تنها کسی بود که می توانست برای تعبیر خواب به او اعتماد کند.
- عمو جان! در را باز کنید. خدیجه هستم.
قفل در با صدای آرامی باز شد.
- خدیجه جان! سلام، خوش آمدی.
درهای چوبی قیژقیزی کردند و باز شدند. حیاط آن خانه کوچک درخت خرماي بلندی را در خود جای داده بود. نوک آن درخت بزرگ در میان آفتاب سوزنده حجاز غیر قابل دیدن بود.
- خدیجه جان! چرا ایستاده ای؟ وارد شو.
کفش ها را گوشه ای گذاشت و وارد خانه ساده عمو شد. کنیزان در حیاط منتظر می ماندند.
- خدیجه جان! چه شده است که به خانه عمو سر زده ای؟
- عمو جان، خوابی عجیب ذهن من را مشغول کرده است.
- پس برای تعبیر خواب آمده ای.
- کسی را بهتر از شما سراغ ندارم.
- خب این خواب عجیب که ذهن برادرزاده ما را مشغول کرده است چیست؟
- در رویا دیدم خورشید در بالای کعبه چرخید و کم کم پایین آمد و در خانه من فرو نشست.
ورقه استکانش را روی حصیر گذاشت و رو به برادرزاده اش گفت:
- دخترم! مژده بده که تعبیر خوابت این چنین است؛ تو به زودی با مردی بزرگ ازدواج خواهی کرد. آن مرد پیامبر آخرالزمان ما خواهد بود.
- مردی بزرگ؟ پیامبر آخرالزمان؟
نمی توانست باور کند. مانند یک افسانه بود. ازدواج با مردی بزرگ. فکر می کرد تعبیر خواب خاتمه دهنده ذهن مشغولش خواهد بود اما معمایی دیگر در ذهنش پدید آمد. معمایی که حل کردنش کار آسانی نبود.
- آن مرد چه کسی بود؟

باید به دنبال کسی می گشت که حتی او را نمی شناخت. اما چگونه؟ معمایی بزرگ، ذهنی آشفته. باید او را می یافت. هر طوری که شده. حتی اگر هیچ نشانی از او نداشته باشد.
نمی توانست حتی برای یک لحظه ماجرای خواب خود را از یاد ببرد، خوابی که تعبیرش عجیب تر از خودش بود.

روزهایش بدون اینکه متوجه شان باشد پشت هم می آمدند و می رفتند اما دریغ از نشانه ای که او را به گمشده خود نزدیک کند. در دل اطمینان داشت که او را می یابد اما چگونه و کجا؟ این سوالی بود که هر روز از خود می پرسید. هیچ کدام از مردان حجاز نمی توانستند نیمه گمشده او باشند.

شکی در دلش می‌گفت آن مرد بزرگ در کنار او و در حجاز است.

- نکند مردی که نشانش را بارها در خواب و بیداری یافته ام همان.....نه، امکان ندارد.

نباید خود را با این خیال‌ها مشغول می‌کرد، او فردا روزی بزرگ را در پیش خواهد داشت. اکنون باید آسوده به خواب می‌رفت. خیال‌ها رهایش نمی‌کردند، اگر حدسش درست باشد، مردی را که این همه به انتظارش نشسته بود یافته است. هر چقدر ذهن مشغولی داشته باشد باز هم خستگی تجارتخانه رهایش نمی‌کرد و او را به آغوش خواب فرا می‌خواند.

نوازش پرتوهای نور را در صورتش احساس کرد. نور خورشید مستقیماً به صورتش می‌تابید و خواب را از چشمش گرفته بود. حتی اگر خستگی دنیا هم بر دوشش بود باز هم نمی‌توانست خواب را به ضیافت آن روزش ترجیح بدهد. آن ضیافت برایش بسیار مهم بود. عالمان یهودی بسیاری در این مجلس شرکت می‌کردند. پس نباید خواب می‌ماند و نباید تعلل می‌کرد.

خورشید حجاز، خود را به وسط آسمان رسانده بود. همان وقتی که آن مجلس شروع می‌شد. بانو خدیجه در خانه خود با جامه‌ای بلند منتظر مانده بود. دقیقاً سر ساعت عالمان خود را به مجلس رسانده بودند. دعوت بانو از آنها برای شناخت بیشتر دین خود بود. هرچند تعداد عالمان زیاد بودند اما خانه ی بانو برای همه آنها جا داشت.



– در کتاب ما تورات، خداوند به بنده‌اش می‌فرماید: «ای فرزند آدم هر وقت مرا بخواهی من به تو نزدیکم.» این جمله در تورات به این موضوع اشاره دارد که خداوند را در همه جا می‌توانیم بیابیم.

عالمان دیگر با تکان دادن سر حرف او را تصدیق می‌کنند و هر کدام تفسیری برای این جمله می‌گویند. نیمی از مجلس گذشته بود و صحبت عالمان به اوج خود رسیده بود. کنیزی برای تامین مایحتاج ضیافت از خانه بیرون رفت، در همین بین جوانی خوش سیما از جلوی در خانه بانو گذشت. نگاه عالمان به جوان دوخته شد. از بانو خواستند که او را نیز به این مجلس دعوت کند. بانو نگاهی به بیرون خانه می‌کند. از پشت درخت نخلی جوانی آشنا را می‌یابد. او امین حجاز بود. به اصرار و درخواست دانشمند یهودی بانو از امین حجاز دعوت کرد که در مجلس آنها حضور داشته باشد.

بانو خدیجه کنیزی را که در کنارش ایستاده بود به دنبال امین حجاز فرستاد تا او را به این ضیافت دعوت کند. دقایقی بعد جوانی خوش سیما از در خانه وارد شد و در کنار عالم یهودی نشست. صحبت عالمان که در بینشان وقفه‌ای طولانی افتاده بود؛ ادامه پیدا کرد.

خورشید دیگر میلی به ماندن در آسمان نداشت و کم‌کم خود را از تابیدن مرخص می‌کرد. عالمان هم که رفتن خورشید را می‌دیدند مجلس را به انتهای خود نزدیک می‌کردند. خانه بانو داشت به سکوت خود برمی‌گشت. عالمان یکی پس از دیگری از خانه خارج می‌شدند. عالم یهودی خود را به بانو برای خداحافظی نزدیک کرد. بانو نگاهی به چهره هیجان زده دانشمند یهودی انداخت. آن عالم با صدایی آرام و متحیر رو به بانو گفت: «آنچه من

در کتاب‌های آسمانی گذشته‌ام خواندم نشان می‌دهد که جوانی که در اواسط مجلس به ما پیوسته است همان پیامبر آخرالزمان است.»

نگاه شگفت زده بانو به صورت عالم یهودی دوخته می‌شود. یعنی او مردی را که مدت‌ها به دنبالش می‌گشت یافته بود؟ یعنی او همان مردی بود که در خواب و بیداری، خود را همراهش می‌یافت؟

دیگر شکش به یقین پیوسته بود. او این ازدواج را بارها حتی با چشمان بسته هم دیده بود. آری امین حجاز نیمه گمشده او بود. مردی که در امانت داری و کاردانی حرف اول را می‌زد. باید غرور خود را کنار می‌گذاشت و تصمیم می‌گرفت. تصمیمی سخت و سرنوشت ساز.





من امیدم

مریم علیزاده، دوازده ساله، مرکز فرهنگی هنری ادبی قائمشهر

رایافته به مرحله نهایی دهمین دوری جشنواره خاتم: داستان‌نویسی با موضوع سیره پیامبر اکرم، حضرت محمد(ص)

مربی: فائزه رسکتی

از وقتی دیدمش، امیدوار شدم می‌توانم نخلی بشوم که او خرماهایش را با لذت بخورد و به سختی‌هایش فکر نکند. غذای درست حسابی نمی‌خورد ولی حواسش بود از آبی که می‌نوشد به من هم بدهد. روزها می‌گذشت و هنوز محاصره پابرجا بود. من خوشحالم. من در دل همین محاصره خوشحالم. قد می‌کشم. دوبرابر توانم قد می‌کشم. او مرا نشان بچه‌ها داده و گفته: «امید در هر جا جوانه می‌زند.» من امیدم. من جوانه می‌زنم. سه سال گذشته. سه سال از اولین روزی که در دل خاک رفتم. بن حزام مرا به او داده بود. او دوستانم را به تمام بچه‌ها داده بود و مرا به دل خاک سپرده بود. حالا من قد کشیده‌ام. بزرگ و تنومند شده‌ام. او هنوز اینجا اسیر است. من امیدم. من زودتر از همه‌ی همسالانم به بار نشست‌ام. کاش اولین میوه‌ام را خودش بخورد. خودش یا دختر کوچکی که همراه اوست همان که دست‌هایش بوی گلی بهشتی می‌دهد. صدای پاهایش می‌آید. صدای پاهای او را می‌شناسم. با بلندترین شاخه‌ام نگاهش می‌کنم. دست می‌گشایم تا سایه سار وجودش باشم. صدای هم‌همه‌ای می‌آید. یکی از یاران اوست. او کنار من رسیده. دختر کوچکش انگشتانش را در میان دست نگه داشته. مردی که از دور می‌آید نفس‌نفس می‌زند. چشم‌های سیاهش از خوشحالی می‌درخشد. درست مثل آفتابی که پهن شده روی شاخه‌هایم. او می‌گوید: «آنها عهدنامه را دیدند؟» مردی که از راه رسیده نفس‌زنان و بریده‌بریده می‌گوید: «تمام شد! محاصره تمام شد! آنها خودشان دیدند. همان که شما خبرش را داده بودید.» او دستانش را بالا می‌برد. از خدا تشکر می‌کند و با تمام صورتش لبخند می‌زند.





شعر

محمد حسام باباگلی- ۱۳ ساله - مرکز فرهنگی هنری ادبی قائمشهر

برگزیده پویش استانی «شکوه پایداری»

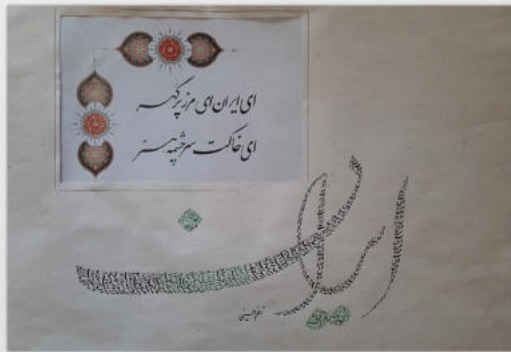
مربی: فائزهرسکتی

تنها گناه کودکان بی پناه این بود
بازی و شادی با عروسکهایشان هر شب
اما شبی که کودکان آسوده خوابیدند
تن هایشان سوزانده شد در شعله های تب
دنیا بداند انتقامی سخت در راه است
راه شهیدان جاری و بر پاستاین مکتب
کشتید زن ها را ولی من مطمئنم که
محشور می گردند با بانوی شان زینب
ما از تبار قهرمان کربلا هستیم
بی دست گر باشیم مشک ما رود بر لب
این لکه ی ننگ جهان نابود خواهد شد
عجل فرج، ما منتظر هستیم یا رب!

آثار هنری منتخب پوشش شکوه پایداری

بخش خوشنویسی

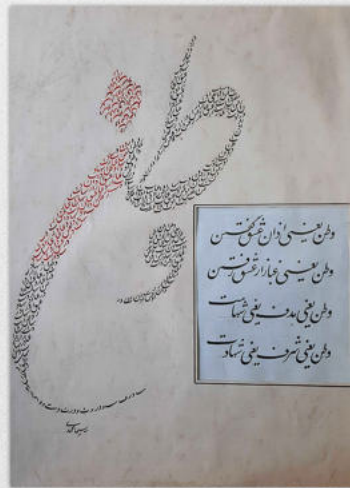
در شماره پیشین نشریه اثر خوشنویسی «زکيه محمدی» از مرکز دلگشا، منتخب پوشش هنری «نقش وحی»، با نام مه سیمای محمدی به چاپ رسید، نام ایشان در تصویر اثر موجود است. به این وسیله پوشش و تصحیح به عمل می آید.



سیده ترنم حسینی- ۱۶ ساله- قائمشهر- مربی: شهلا نیکونیا



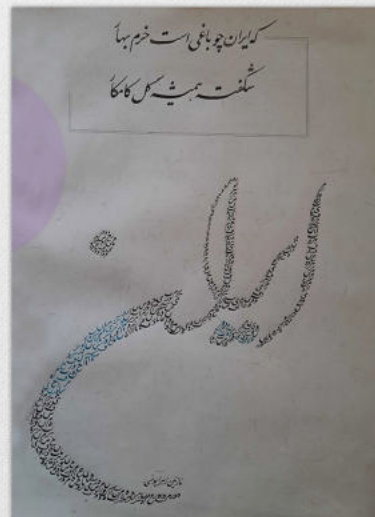
نگار حمیدیان - ۱۷ ساله - قائمشهر- مربی: شهلا نیکونیا



مه سیمای محمدی- ۱۸ ساله - قائمشهر- مربی: شهلا نیکونیا



فاطمه کاظمی- ۲۵ ساله- قائمشهر- مربی: شهلا نیکونیا



نازنین زهرا یونس- ۱۶ ساله - قائمشهر- مربی: شهلا نیکونیا

آثار هنری منتخب پویش شکوه پایداری

بخش نقاشی



هلیا عزیزی - ۱۱ ساله - قائمشهر - مربی: آمنه قاسم نژاد



محمد رضا ذاکر - ۱۱ ساله - جویبار - مربی: حورا نیکبخت



سبحان رهبر - ۱۳ ساله - ساری - مربی: آمنه قاسم نژاد



پارسینا رعیت پناه - ۹ ساله - ساری - مربی: زینب اکبری



طه‌ورا یوسفی - ۸ ساله - قائمشهر - مربی: آمنه قاسم نژاد



امیر حسین رضایی - ۱۰ ساله - ساری - مربی: زینب اکبری

آثار هنری منتخب پویش شکوه پایداری

بخش سفال



مزدک کیا - ۱۱ ساله - مرکز سه ساری - مربی : زینب اکبری

تجربه یک کارگاه هنری

زینب اکبری، مربی فرهنگی هنری مرکز شماره سه ساری

کارگاه چاپ لینولثوم

ابزار مورد نیاز : غلطک یا قلمو، کاغذ، ورق
لینو، رنگ (رنگ افسست، رنگ اکریلیک) و مغار
مدل V و U در مرحله اول طرح مدنظر را روی
سطح لینو (سطح براق) می کشیم. برای انتقال طرح بر روی سطح لینو از روش هایی مانند کاغذ پوستی یا
کاربن می توان استفاده کرد.
سپس با مغار قسمت های اضافی کار را کنده کاری می کنیم به طوری که طرح تبدیل به مهر شود.
سپس رنگ مورد نظر را با غلطک یا قلمو به سطح طرح آغشته می کنیم و کاغذی که برای چاپ انتخاب
کردیم روی طرح قرار می دهیم، البته می توان به شیوهی معکوس نیز عمل کرد و مهر ساخته شده را روی
کاغذ قرار داد تا طرح بر روی سطح کاغذ چاپ شود.





تحلیل سفال

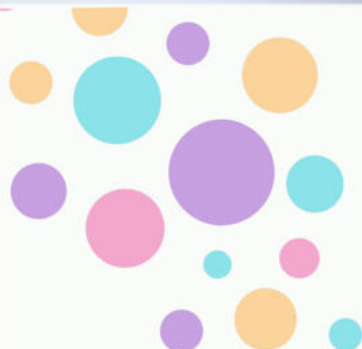
لیلا غلامی، مرکز فرهنگی هنری ادبی بهشهر

نام عضو: شروین خطیب زاده

سن عضو: ۱۳ سال

موضوع: موجودات تخیلی با تلفیق چند حیوان

موضوع انتخاب شده برای این گروه سنی مناسب بوده و اعضای پسر به این موضوعات علاقمند می‌باشند. عضو در اجرای این اثر از تلفیق دو حیوان گاو و دایناسور استفاده نموده که در نهایت ترکیب خوبی را به نمایش گذاشته است. اتصالات خوب انجام شده اما پرداخت و ایجاد نقش و بافت و گوش‌های اثر می‌توانست تمیزتر، بهتر و با جزئیات بیشتر انجام شده و با توجه به سن عضو، اثر می‌توانست با تغییر زاویه اجزای بدن مثل دست و سر پویاتر و زنده تر اجرا شود.



تحلیل اثر صنایع دستی؛ تخت بافی

مربی: آرزو قناعت، مربی هنری فرهنگی
نام عضو: بیتا میری
سن عضو: ۱۵ ساله
مرکز فرهنگی هنری ادبی آمل

این اثر هنری دارای یک الگوی هندسی متقارن و دقیق است که از ترکیب رنگهای قرمز، زرد، سفید و سبز تیره تشکیل شده است. طراحی آن شامل یک شکل لوزی مرکزی با جزئیات پیچیده‌ای مانند لوزی‌ها و مثلث‌های کوچکتر است که به زیبایی درون هم تنیده شده‌اند. به نظر می‌رسد این نقش‌مایه یا به صورت بافته‌شده یا گلدوزی‌شده روی یک پس‌زمینه سفید قرار دارد.

این نوع طراحی می‌تواند از نظر فرهنگی بسیار معنادار باشد، زیرا شباهت زیادی به سبک‌های سنتی و قومی در

هنرهای دستی دارد. ترکیب رنگ‌ها و الگوهای هندسی اغلب در صنایع دستی مرتبط با فرهنگ‌های مختلف دیده می‌شود، به ویژه در فرش‌بافی، سوزندوزی یا بافتهای محلی. اگر بخواهید از این طرح الهام بگیرید، می‌توانید آن را برای پروژه‌های مرتبط با کارگاه های کودکان یا آثار تعاملی تاریخی به کار ببرید.

این طرح حس هماهنگی، تعادل و سنت را منتقل می‌کند. استفاده از الگوهای هندسی متقارن و رنگ های زنده نشان‌دهنده دقت و مهارت در اجراست، و چنین ویژگی‌هایی اغلب در هنرهای دستی سنتی دیده می‌شود. تکرار اشکال و ترکیب رنگ‌ها می‌تواند حس نظم، ثبات و حتی تقدس را القا کند، زیرا بسیاری از فرهنگ‌ها از چنین الگوهایی در تزئینات مذهبی، فرش‌بافی، و صنایع دستی استفاده کرده‌اند.

از نظر سبک، این طرح شباهت زیادی به هنرهای سنتی شرقی، ایرانی و حتی هنر اسلامی دارد. بسیاری از نقوش گلدوزی و بافتهای قدیمی از ترکیب هندسه و رنگ‌های متضاد بهره می‌برند تا جلوه‌ای بصری منحصر به فرد ایجاد کنند. همچنین، ترکیب قرمز و زرد می‌تواند حس انرژی و سرزندگی را تقویت کند.

این اثر هنری از چندین تکنیک مختلف بهره می‌برد که در ترکیب با هم جلوه‌ای زیبا و هماهنگ ایجاد کرده‌اند:

الگوهای هندسی متقارن: تقارن دقیق و استفاده از اشکال منظم مثل لوزی‌ها و مثلث‌ها نشان‌دهنده مهارت بالای هنرمند در ایجاد تعادل بصری است. این تکنیک در هنرهای دستی سنتی نیز رایج است.

رنگ‌آمیزی محدود اما تأثیرگذار: استفاده از رنگ‌های روشن و متضاد مانند قرمز، زرد، سفید و سبز تیره، باعث برجسته شدن طرح شده و توجه بیننده را جلب می‌کند.

این تخت بافی: با توجه به جزئیات طراحی، این اثر به روش گلدوزی و طرح بافت سنتی تولید شده، که در هنرهای محلی بسیاری از مناطق جهان دیده می‌شود.

تکرار الگو برای ایجاد ریتم بصری: تکرار منظم اشکال کوچک درون الگوی بزرگتر باعث شده که چشم بیننده در طول تصویر حرکت کند و حس هماهنگی و نظم القا شود.

نقاط قوت:

تعادل و هماهنگی بصری: استفاده از الگوهای هندسی متقارن باعث شده که اثر حس تعادل و انسجام داشته باشد. ترکیب رنگی زنده و تأثیرگذار: تضاد رنگ‌های قرمز، زرد، سفید و سبز تیره باعث شده که طرح چشمگیر و جذاب باشد.

جزئیات دقیق و منظم: دقت در طراحی عناصر کوچک، مانند لوزی‌های درون ساختار کلی، مهارت بالای هنرمند را نشان می‌دهد.

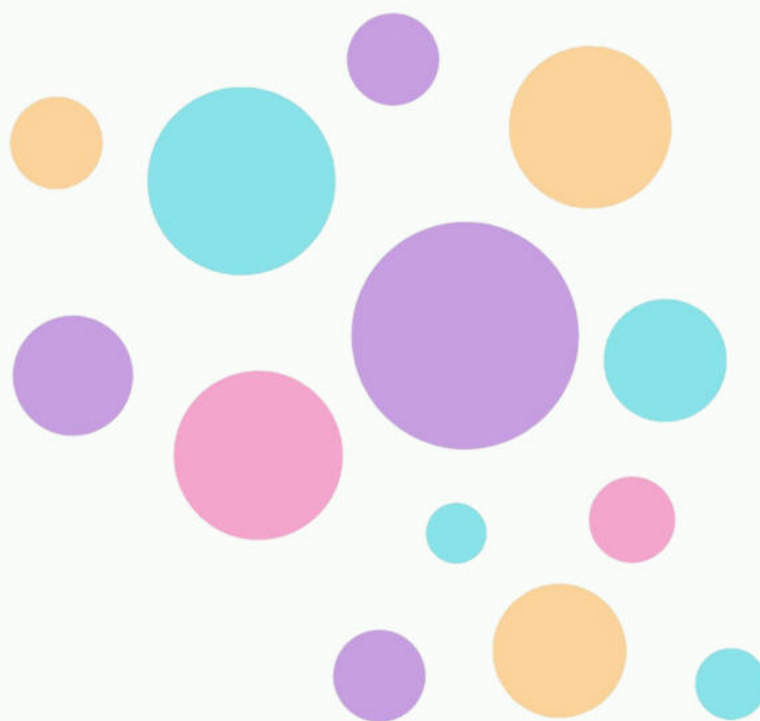
ارزش فرهنگی: شباهت این سبک به هنرهای سنتی شرقی، ایرانی و اسلامی، آن را به گزینه‌ای مناسب برای نمایش هویت فرهنگی تبدیل کرده است.

نقاط ضعف:

تراکم بصری بالا: پیچیدگی زیاد جزئیات ممکن است باعث شود که برخی مخاطبان به سختی تمرکز کنند یا ارتباط بصری مناسبی برقرار نکنند.

محدودیت در کاربرد مدرن: اگرچه این الگو در هنرهای سنتی بسیار ارزشمند است، اما ممکن است نیاز به تنظیماتی برای تطبیق بهتر با طراحی‌های امروزی داشته باشد.

وابستگی زیاد به تقارن: استفاده بیش از حد از تقارن ممکن است مانع از پویایی بیشتر طرح شود و آن را کمی ایستا جلوه دهد.



NEWS!

اخبار برگزیده کانون



برگزیدگان پویش فرهنگی، هنری و ادبی استانی «شکوه پایداری» کانون پرورش فکری مازندران تعیین شدند.



«این پویش با هدف محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی به میهن اسلامی ایران و گرمی داشت یاد و خاطره شهدای این واقعه و حماسه پاسخ کوبنده نیروهای مدافع وطن برگزار شد.

تأکید بر حقوق کودکان و هم‌افزایی دستگاه‌ها در نشست ستاد هفته ملی کودک مازندران

جلسه ستاد گرمی داشت هفته ملی کودک با حضور روح‌الله صادقی گل‌فشانی، مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری مازندران و با دبیری حامد فاضلی، مدیرکل کانون پرورش فکری استان و مشارکت مسئولان دستگاه‌های متولی حوزه کودک و نوجوان در استانداری مازندران برگزار شد و این نشست با هدف سیاست‌گذاری، هم‌افزایی و برنامه‌ریزی برای بزرگداشت هفته ملی کودک (۱۵ تا ۲۱ مهر) شکل گرفت.



فراخوان: سومین جشنواره موسیقی و سرود کانون؛ فرصتی برای کشف استعداد های نوجوانان

سومین جشنواره موسیقی و سرود «غمه‌های روشن فردا» از سوی کانون پرورش فکری در سال ۱۴۰۴ برگزار می‌شود.



جشنواره لکوکاپ ساری به میزبانی کانون پرورش فکری مازندران برگزار شد

جشنواره علمی پژوهشی «لکوکاپ» با حضور گسترده دانش‌آموزان و علاقه‌مندان استان‌های مازندران، سمنان، گلستان و گیلان ۲۱ شهریورماه ۱۴۰۴ به میزبانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مازندران برگزار شد.



فراخوان: مسابقه استانی هنرهای تجسمی «برنج و ترنج» با محوریت موضوعات فرهنگی، بومی و هنری استان مازندران



برنامه ماه در آغوش سایه ها ویژه خسوف ماه در مراکز کانون مازندران

برنامه ماه در آغوش سایه ها ویژه خسوف ماه در مراکز کانون مازندران



علیرضا عموزاده، دارنده مدال برنز
المپیاد ریاضی دانشجویی کشور

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

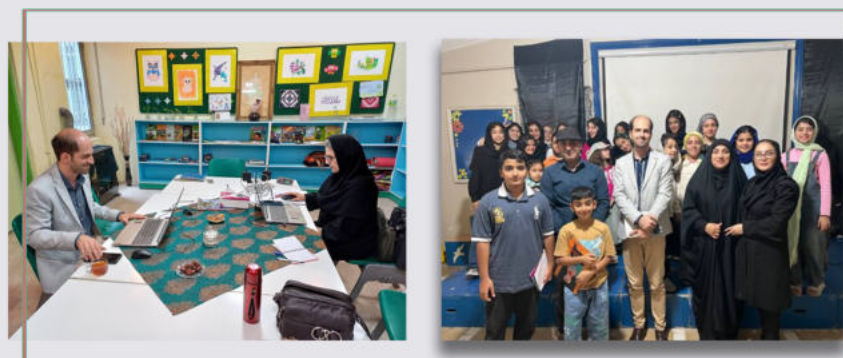
**علیرضا عموزاده، عضو ارشد کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان مرکز
شماره یک بابل و دانشجوی رشته
ریاضیات و کاربردها در دانشگاه صنعتی
امیرکبیر، موفق به کسب مدال برنز
المپیاد ریاضی دانشجویی کشور شد.**

**به مناسبت روز پزشک، آیین تجلیل از دکتر سید ناصر
عمادی، پزشک بدون مرز و حامی کودکان و نوجوانان
در کانون پرورش فکری مازندران برگزار شد.**



بزرگداشت روز ملی ادبیات کودک و نوجوان در مراکز استان مازندران

ویژه برنامه‌های بزرگداشت روز ملی ادبیات کودک و نوجوان در مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مازندران برگزار شد.



سلسه نشست‌های
آموزشی جستارنویسی در
سال ۱۴۰۴ ویژه مربیان
کانون پرورش فکری کودکان و
نوجوانان مازندران به صورت
مجازی برگزار شد.

به مناسبت فرارسیدن ماه محرم عزاداری سید و سالار شهیدان، سومین گردهمایی کودکان عاشورایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در مراکز استان برگزار شد





کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان
استان مازندران

کودکستان دارا و سارا

وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

آهاده پذیرش نونهالان عزیز می باشد

همراه با ارائه برنامه های :

آموزشی، هنری، تفریحی، علمی و ورزشی

نوآموز پیش دبستانی 1

از ۴ تا ۵ سالگی (۵ سال)

نوآموز پیش دبستانی 2

از ۵ تا ۶ سالگی (۶ سال)





شجاع باش
مثل آتش
ای باران
تو سوگند حیاتی
هرچند که رگبار کنی.
ای آب!
رکود را به خاطر بسپار
جهش کن!
ای آشفته تحریر حیات
چرخ مجاز را به حقیقت
آسیاب کن!
سنگی که می فرسای
نوید رویای رنگینیست
که آن سوی رود می زایی.



محمد بنیامین چمنی، ۱۷ ساله
مرکز فرهنگی هنری ادبی
شماره سه ساری

ساری، خیابان رودکی، جنب بوستان سنگ، اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

www.mazandaran.kpf.ir

www.mazandaran.kanoonnews.ir

۰۱۱۳۳۶۰۸۵۶۵

